



۱۴ حدیث

۱۴ معصوم

۱۴ کاردستی و برنامه

سرشناسه	:	خیری، محمود، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور	:	۱۴ حدیث، ۱۴ معصوم، ۱۴ کاردستی و برنامه / مولفین محمود خیری، غلامرضا محسنی.
مشخصات نشر	:	قم: انتشارات عمو علوی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۱۶۸ ص.: مصور، جدول.
شابک	:	۱۲۰۰۰ ریال 978-600-7069-29-5
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	کتابنامه.
عنوان گسترده	:	چهارده حدیث، چهارده معصوم...
موضوع	:	احادیث شیعه-- قرن ۱۴ -- ادبیات کودکان و نوجوانان
موضوع	:	احادیث اخلاقی -- قرن ۱۴
شناسه افزوده	:	محسنی، غلامرضا، ۱۳۴۳ -
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۴ ۹۶۹/۱۳۶/۹BP
رده بندی دیویی	:	[ج] ۲۹۷/۲۱۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۹۰۱۷۵۱



حدیث، ۱۴ معصوم، ۱۴ کاردستی و برنامه

مؤلفین: محمود خیری / / غلامرضا محسنی

ویراستار: سید محمد مکتبی

ناشر: عموعلوی

شابک: ۵ - ۲۹ - ۷۰۶۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸

صفحه بندی و تایپ: سارا خیری

گرافیک: مصطفی ایرانی

طراح جلد: حمید رضا پور حسین

ناظر فنی چاپ: محمد رضا میرزایی اصفهانی

گروه تبلیغی: مکتب بشیر

تلفن: ۰۲۱ ۷۷۱۶۱۹۸۲ - ۰۹۱۲۵۹۰۸۱۱۷ (محمود خیری)

ایمیل: amookheiri@yahoo.com

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۶۵۱۵۴۲۹ - ۰۹۳۹۶۵۱۵۴۲۹

فهرست مطالب

درس اوّل: شانه	۷
درس دوم: کوزه	۱۵
درس سوم: مادر	۲۷
درس چهارم: چهار انگشت	۳۹
درس پنجم: باران	۴۹
درس ششم: کلید	۶۳
درس هفتم: آتش و هیزم	۷۳
درس هشتم: کشتی	۸۳
درس نهم: ترازو	۹۷
درس دهم: قلعه	۱۰۷
درس یازدهم: شمشیر	۱۱۹
درس دوازدهم: اسب	۱۳۱
درس سیزدهم: نقاب	۱۴۳
درس چهاردهم: خورشید	۱۵۷

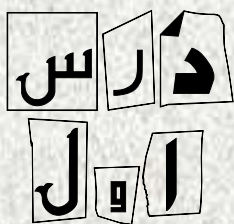
یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک

یکی از مشکلات اساسی در زمینه ترویج و توسعه تعالیم بلند دینی، کمبود روش‌های صحیح، کارآمد و متناسب با شرایط مخاطبین است. در واقع مفاهیم و آموزه‌های دینی از چنان گیرایی و صلابتی برخوردارند که فقط کافی است به‌خوبی عرضه شوند؛ آنگاه خودبه‌خود راه خود را در ذهن و دل افراد - بویژه آنانی که هنوز روح خود را به زشتی‌ها نیالوده‌اند - باز کرده و در آن ریشه می‌دوانند.

در این میان نسل نوجوان و جوان از اهمیت بسزایی برخوردارند و چنانچه بتوان آن‌ها را با بهره‌گیری از روش‌های مناسب با مفاهیم دینی و اخلاقی آشنا نمود، دو دستاورد بزرگ حاصل خواهد شد؛ نخست اینکه می‌توان امیدوار بود آنان مصونیت بیش‌تری در برابر فرهنگ منحط غربی به دست آورده و گوهر وجود خویش را به‌سادگی در معرض تباهی قرار ندهند و دوم اینکه می‌توان خوشحال بود که آینده‌سازان این کشور اسلامی از شناخت کافی نسبت به معارف دینی بهره‌مند خواهند بود.

بدین قرار، بر همه فعالان عرصه تبلیغ دینی فرض است که زیبایی‌های ذاتی معارف دینی را، برای ترویج و تبلیغ آن کافی نپندارند و به ابداع روش‌های نوین تبلیغی نیز اهتمام ورزند. البته خوشبختانه در سال‌های اخیر حرکت‌های ارزنده‌ای تحت عنوان "تکنولوژی تبلیغ" در این زمینه صورت گرفته است که امیدواریم همچنان با قوت و کیفیت بهتر و بیش‌تر تداوم یابد.

کتابی که در دست دارید نیز در همین چارچوب تهیه و تنظیم شده است و با بکارگیری مجموعه‌ای از ابزارها و رسانه‌های آموزشی تلاش کرده تا گوشه‌ای از رهنمودهای معصومین علیهم‌السلام را - در قالب ۱۴ درس - به مخاطب نوجوان انتقال دهد. لازم به ذکر است که ابزارها و قالب‌های آموزشی در این کتاب در ساده‌ترین شکل طراحی شده‌اند تا اجرای آن‌ها در جلسات آموزشی امکان‌پذیر باشد.



شانه

(براساس حدیثی از حضرت محمد ﷺ)

نام درس: شانه (حضرت محمد ﷺ)

موضوع: برابری

هدف کلی: تبیین موضوع مساوات و برابری انسان‌ها با یکدیگر

اهداف جزئی:

در این درس دانش‌آموزان با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. آگاهی از تساوی انسان‌ها از نظر منشاء خلقت
۲. آگاهی از یکسان بودن همه انسان‌ها در برابر خدا و قوانین الهی
۳. آشنایی با بخشی از زندگی پیامبر ﷺ و برخی از یاران ایشان
۴. آشنایی با آیات و روایات مرتبط با موضوع
۵. بهره‌گیری از کاردستی "شانه" برای درک بهتر موضوع درس (برابری)

اهداف رفتاری:

انتظار می‌رود در پایان این درس، دانش‌آموزان به مسأله برابری و برادری توجه کرده و آن را در زندگی خود به کار بندند. آن‌ها باید خود را با دیگران برابر دانسته و با افراد دیگر برخورد شایسته داشته باشند.

روش مناسب تدریس:

توضیحی فعال (پرسش و پاسخ، جدول، کارت)

رسانه آموزشی: کاردستی

گروه: نوجوانان

بسم الله الرحمن الرحيم
به نام خداوند دل‌های پاک نمایانگر آدم از آب و خاک

با سلام خدمت شما دوستان خوب
برنامه را با مسابقه «من کیستم؟» آغاز می‌کنیم؛ این مسابقه به این صورت است
که من بخش‌هایی از زندگی یکی از یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را برای شما می‌خوانم و
شما باید نام او را حدس بزنید.

... این یار گرانقدر پیامبر در سال سوم عام‌الفیل در خانواده‌ای از بردگان به دنیا
آمد. پدرش «رباح» و مادرش «حمامه» نام داشت. او غلام امیه بن خلف از
دشمنان سرسخت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود و بعد از دعوت آشکار پیامبر اکرم از اولین
کسانی بود که اسلام آورد و به همین خاطر شکنجه‌های زیادی را متحمل شد.
یکی از سخت‌ترین شکنجه‌هایش این بود که او را در ملاء عام در گرم‌ترین ساعات
روز، با بدن برهنه روی ریگ‌های داغ مکه می‌خواباندند و سنگ بزرگی روی سینه-
اش می‌گذاشتند تا از خداپرستی دست بردارد، اما او جانانه مقاومت می‌کرد و فقط
نام خدای یکتا را بر زبان می‌آورد و پیوسته می‌گفت: احدا! احدا! او بعد از آزادی به
جمع مسلمانان پیوست و اولین مؤذن اسلام شد.^۱
خوب، حتماً نام این یار با وفای پیامبر را حدس زده‌اید؛ بله، آفرین او بلال حبشی
است!

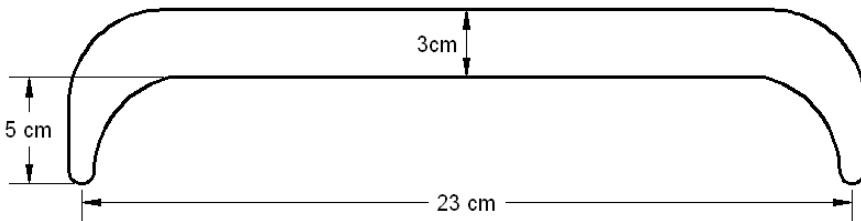
همان‌طور که می‌دانید بلال حبشی سیاه‌پوست بود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او و دو
سیاه‌پوست دیگر را به عنوان سروران اهل بهشت معرفی کرده است.^۲
اما در کنار این مسلمان سیاه‌پوست و عرب، یک مسلمان سفیدپوست و غیرعرب
(عجم) هم بود که از یاران نزدیک پیامبر به حساب می‌آمد! آیا نام این شخصیت
ایرانی را می‌دانید؟! بله، سلمان فارسی!

۱. منتهی الامال، دائره المعارف بزرگ اسلامی (بلال حبشی)

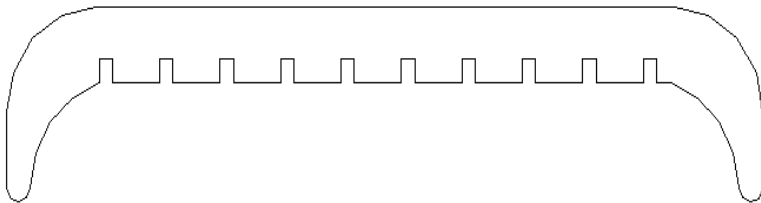
۲. دو نفر؛ لقمان حکیم و نجاشی.

دوستان خوبم! وجود یاران سفید و سیاه و عرب و عجم در کنار پیامبر نشان می‌دهد که از نظر اسلام همه انسان‌ها با هم برابرند و ملاک برتری آن‌ها بر یکدیگر فقط یک چیز است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی برابری افراد با یکدیگر را به بهترین شکل توضیح می‌دهد که ما با ساختن یک کاردستی با این حدیث آشنا می‌شویم:

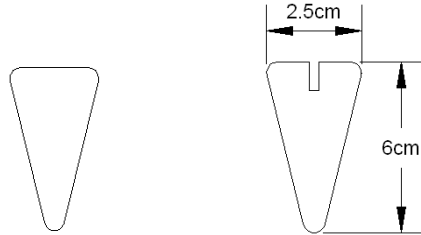
وسایل مورد نیاز: یک ورق مقوای ضخیم و سفت، قیچی یا تیغ موکت‌بری
ابتدا بخشی از مقوا را همانند شکل زیر می‌بریم .



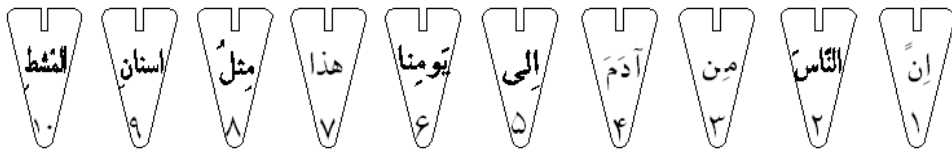
سپس به فاصله‌های منظم ده خط می‌کشیم و آن‌ها را مطابق شکل زیر به کمک یک تیغ موکت‌بری یا قیچی، ده شکاف بر روی آن ایجاد می‌کنیم:



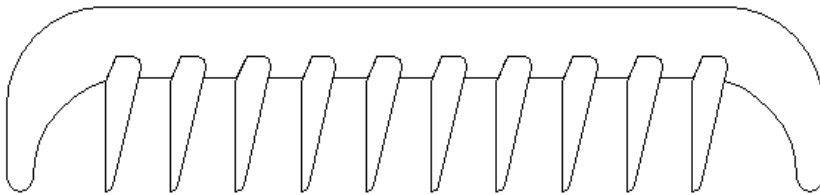
در مرحله بعدی ده قطعه به شکل زیر از مقوا در اندازه‌های داده شده جدا می‌نماییم در وسط هر قطعه شکافی در اندازه تقریبی یک سانتیمتر (به اندازه ضخامت مقوا) ایجاد می‌نماییم.



پس از ایجاد شکاف در بالای قطعاتی که آماده کرده‌ایم، کلمات و شماره‌ها را مطابق شکل زیر بر روی هر یک از آن‌ها کلمات حدیث پیامبر در زمینه برابری همه انسان‌ها با یکدیگر، را در قطعات می‌نویسیم.



و سپس این قطعات را درشیارها قرار می‌دهیم. با سوار کردن قطعات ده‌گانه بر روی قطعه اول، یک شانه مقوایی خواهیم داشت که حدیث پیامبر را به نمایش می‌گذارد:



انَّ النَّاسَ مِنْ آدَمَ اِلَى يَوْمِنَا هَذَا مِثْلُ اسْنَانِ الْمُشْطِ^۱

اما این حدیث شریف، خود داستان جداگانه‌ای دارد که اینک آن را برای شما بازگو می‌کنم:

۱. بحار الانوار، ج ۲۲، ح ۳۴۸، «... لَا فَضْلَ لِلْعَرَبِيِّ عَلَى الْعَجَمِيِّ وَلَا لِلْأَحْمَرِ عَلَى الْأَسْوَدِ إِلَّا بِالْتَّقْوَى ...» مردم، از حضرت آدم عليه السلام تا امروز، مثل دانه‌های شانه (یکسان) اند؛ عرب بر عجم و سرخ بر سیاه هیچ امتیازی ندارد مگر به سبب تقوا.

روزی سلمان فارسی به مجلسی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن حضور داشتند وارد شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او احترام نمود و نزد خود نشاند و او را به خاندان خود نسبت داد. در همین زمان شخصی عرب وارد مجلس شد و تا چشمش به سلمان افتاد گفت: این عجمی کیست که در صدر مجلس اعراب نشسته است؟! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با شنیدن این سخن بر بالای منبر رفت و فرمود: همانا همه مردم از زمان آدم تا امروز مثل دندانهای شانه با یکدیگر برابر هستند. سپس در توضیح این فرمایش خود جمله‌ای دیگر فرمود که با استفاده از کارت‌هایی که اینجا داریم به آن دست پیدا می‌کنیم؛

چون	عرب
بر	چه کسانی
عجم	و همچنین پیامبر در ادامه فرمود
قرمز	
بر	چه کسانی
سیاه	پوستان
ندارد	برتری

مگر به سبب آنچه که خداوند متعال در سوره ۴۹ قرآن فرموده است! چه کسی می‌داند نام سوره ۴۹ قرآن چیست؟ بله، سوره مبارکه حجرات! در آیه ۱۳ این سوره مبارکه می‌خوانیم:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ (اتَّقُوا اللَّهَ) إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

۱. مربی آیه مورد نظر و ترجمه آن را روی کاغذ و یا کارتی به اندازه A4 می‌نویسد و در برابر دانش‌آموزان قرار می‌دهد.

همان‌طور که می‌بینید جای کلمه مورد نظر ما خالی است! در ترجمه هم که در پشت همین صفحه است، این جای خالی وجود دارد:

«ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. به‌راستی گرامی‌ترین شما در نزد خداوند شماست. خداوند دانا و آگاه است.»

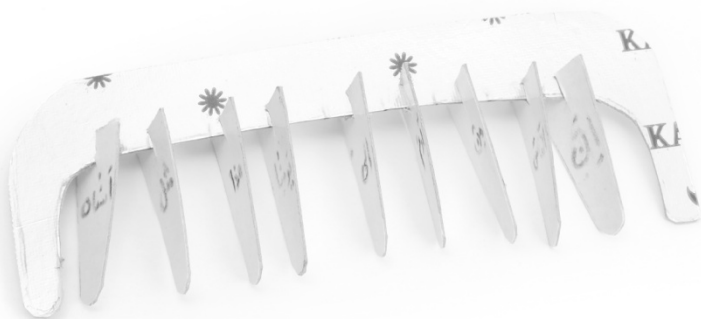
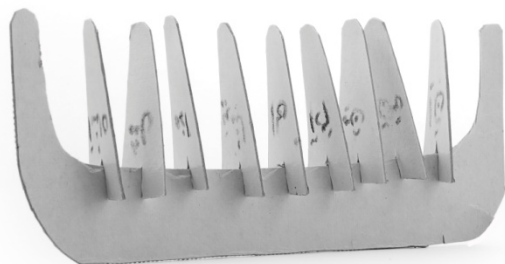
حالا من کلمه جا افتاده را به‌طور پراکنده روی تخته می‌نویسم تا شما آن را درست کنید:

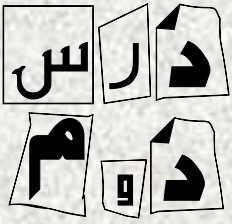
قا کُ اَ تَ

بله، آفرین! اتقُّمُ.

خوب حالا بگویید که اتقاکم به چه معنا است؛ بله، با تقواترین شما. حالا از چند داوطلب می‌خواهم که نظرات خود را در باره برنامه امروز و درسی که از آن گرفته‌اند برای ما بگویند.

با تشکر از شما، درس امروز را با یک دعا تمام می‌کنیم؛
خدایا! به ما توفیق دستیابی به تقوا عنایت فرما. آمین یا رب العالمین





کوزه آب

(براساس حدیثی از امام علی علیه السلام)

نام درس: کوزه آب (امام علی علیه السلام)

موضوع: سیراب کردن تشنگان

هدف کلی: تبیین اهمیت سیراب کردن تشنه‌لبان

اهداف جزئی:

در این درس دانش‌آموزان با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. آشنایی با توصیه اکید اسلام نسبت به سیراب کردن هر موجود زنده‌ای که تشنه است

۲. آشنایی با سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمینه سیراب کردن حیوان تشنه و سپس وضو گرفتن

۳. آشنایی با آیات و روایات و برخی احکام شرعی مرتبط با موضوع

۴. بهره‌گیری از کاردستی "پارچ آب" برای درک بهتر موضوع درس (سیراب کردن تشنگان)

اهداف رفتاری :

امید می‌رود در پایان این درس دانش‌آموزان به موضوع سیراب کردن تشنه‌لبان توجه بیش‌تری کرده و به این کار اهتمام ورزند.

روش مناسب تدریس:

توضیحی فعال (پرسش و پاسخ، جدول، کارت)

رسانه آموزشی: کاردستی

گروه: نوجوانان

بسم الله الرحمن الرحيم

دهم پندی بکن آویزه گوش مکن هرگز خدای خود فراموش

با سلام به شما دوستان خوبم، امیدوارم با شادابی تمام آماده شروع برنامه امروز باشید. اگر آماده‌اید یک صلوات بفرستید.

برنامه را با یک جدول که ۳۲ خانه دارد شروع می‌کنیم.^۱ برای پر کردن این جدول، چند سؤال از شما می‌پرسم و پاسخ‌های شما را در خانه‌های مربوطه قرار می‌دهم.^۲

۱ ح	۲ ر	۳ م	۴ و	۵ ف	۶ ن	۷ ا	۸ ا
۹ ظ	۱۰ ف	۱۱ ز	۱۲ ج	۱۳ خ	۱۴ س	۱۵ ه	۱۶ ب
۱۷ و	۱۸ م	۱۹ ل	۲۰ ا	۲۱ د	۲۲ ح	۲۳ ا	۲۴ س
۲۵ و	۲۶ ت	۲۷ ک	۲۸ ت	۲۹ ه	۳۰ ر	۳۱ ت	۳۲★

۱. اول کسی که سد راه امام حسین علیه السلام شد ولی در کربلا با توبه واقعی به او

پیوست؟ حر (۱-۲)

۲. آنچه بجا آوردنش لازم و ترک آن گناه باشد؟ واجب (۴-۷-۱۲-۱۶)

۳. از سفارشات علی علیه السلام که اسم فاعل آن یکی از مسئولان مدرسه می‌باشد؟

نظم (۶-۹-۱۸)

۴. اهل آن شهر در زمان امام حسین علیه السلام به بی وفایی مشهور شدند؟ کوفه (۲۷-)

(۲۵-۱۰-۲۹)

۱. مربی در حال توضیح شکل جدول را می‌کشد.

۲. حروف پاسخ را طبق شماره از سمت راست در جدول قرار می‌دهیم و می‌توان از دانش‌آموزان برای پر نمودن جدول کمک گرفت.

۵. نام سوره‌ای از قرآن به معنای روزگار؟ دهر (۲۱-۱۵-۳۰)
 ۶. کلمه‌ای سه حرفی که اگر روی پوست ماهی باشد، خوردنش حلال است؟
فلس (۵-۱۹-۲۴)
 ۷. میوه شیرین و نرم که از هر طرف بخوانی صحیح است؟ توت (۳۱-۱۷-۲۸)
 ۸. به معنای خوبی و نیکی نمودن درباره کسی می‌باشد؟ احسان
(۲۰-۲۲-۱۴-۱۱-۲۳)
 ۹. به یک دوره خواندن قرآن می‌گویند؟ ختم (۱۳-۲۶-۳)
- اکنون که جدول کامل شد، برای دست یافتن به رمز آن، حرف اول را می‌نویسیم و بعد ۴ خانه، ۴ خانه می‌شماریم و حروف به دست آمده را به ترتیب یادداشت می‌کنیم. وقتی به آخر جدول رسیدیم، پیام آن هم آشکار خواهد شد؛

«حفظ خود و هر نفس محترم از هلاکت واجب است»^۱

برای اینکه این جمله را بهتر بفهمیم، یک سؤال از شما می‌پرسم:
اگر در جایی باشیم که مقدار کمی آب داریم که فقط برای وضو یا غسل کافی است و یک موجود زنده نیازمند به آب هم در آنجا باشد که شاید از تشنگی تلف شود، وظیفه شرعی ما چیست؟ آیا باید آن موجود زنده - که شاید یک حیوان باشد - را سیراب کنیم یا آب را به مصرف وضو یا غسل برسانیم؟!
آفرین و احسنت! باید آب را به آن شخص یا حیوان تشنه داد.
خوب، برای وضو یا غسل چه باید کرد؟ بله، تیمم می‌کنیم.

بد نیست در این باره به حکایتی گوش کنید؛ روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خواست وضو بگیرد که متوجه گربه‌ای شد که به ایشان نگاه می‌کرد. حضرت که فهمیده

۱. جواهر الکلام ۶۵۶/۴۱، تذکره ۲۷۹/۷، فقه الصادق ۲۴/۲۲۵.... ولانه يجب حفظ النفس المحترمة

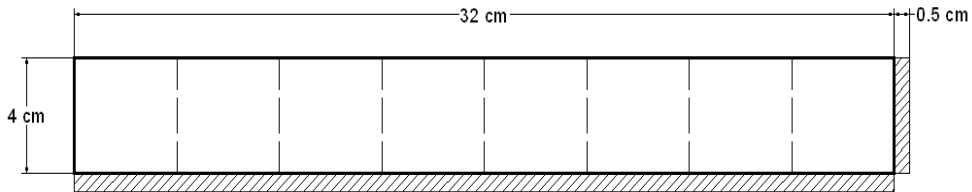
بود حیوان تشنه است، آب وضو را جلوی گربه گذاشت و بعد با باقیمانده آن وضو گرفت.

خوب، از این عمل پیامبر چه نتیجه‌ای می‌گیریم؟

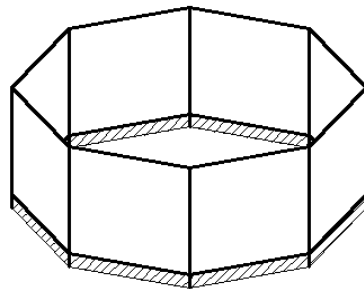
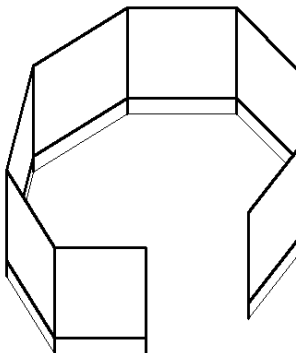
احسنت، اول اینکه سیراب کردن حیوان تشنه مقدم بر وضو است و دوم اینکه با آب نیم‌خورده گربه می‌توان وضو گرفت.^۱

باتوجه به مطالب گفته شده به سراغ ساختن یک کاردستی می‌رویم؛

ابتدا با مقوای ضخیم^۲ شش قطعه $\frac{4}{5}$ سانتی‌متر در $\frac{32}{5}$ سانتی‌متر درست می‌کنیم. (نیم سانتی‌متر، برای هاشور و لبه کار است) سپس روی هر قطعه در فاصله هر ۴ سانتی‌متری یک خط می‌کشیم تا بعداً مقواها را از روی این خطوط تا بزنیم.



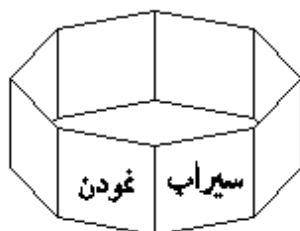
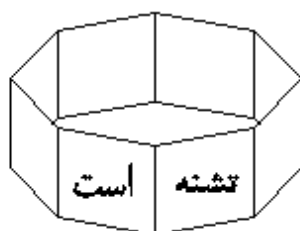
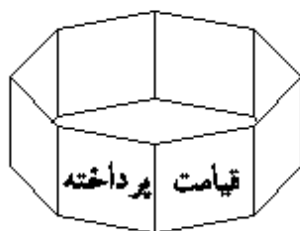
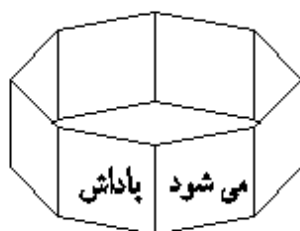
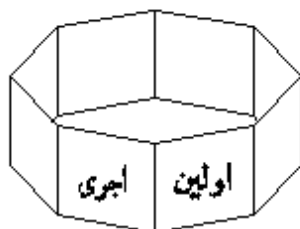
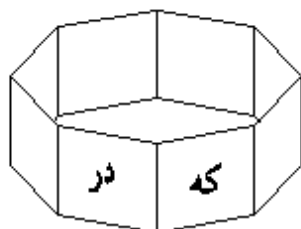
وقتی مقواها را روی خطوطی که ترسیم کرده‌ایم تا زدیم، لبه نیم سانتی‌متری را به انتهای مقوا می‌چسبانیم تا یک هشت‌ضلعی، مانند شکل زیر درست شود.



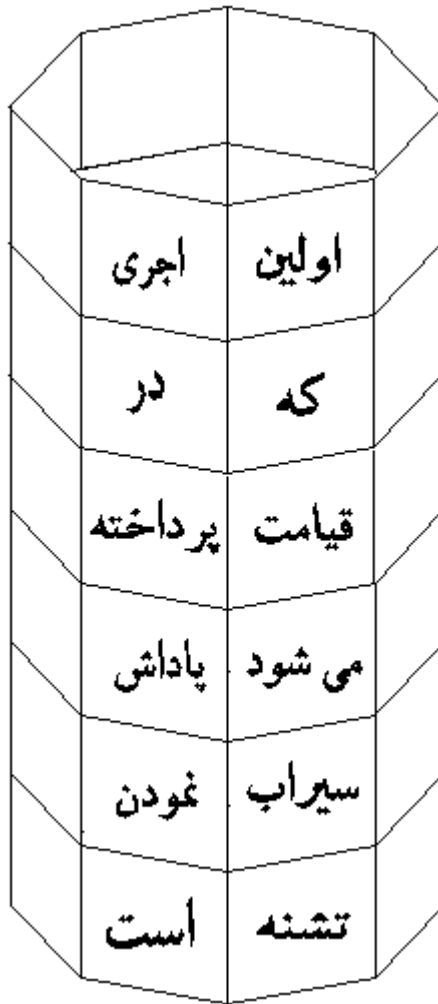
۱. بحار الانوار ۲۹۳/۱۶

۲. در صورتی که مقوا ضخیم است کار را بدون لبه هاشور زده درست نمایید.

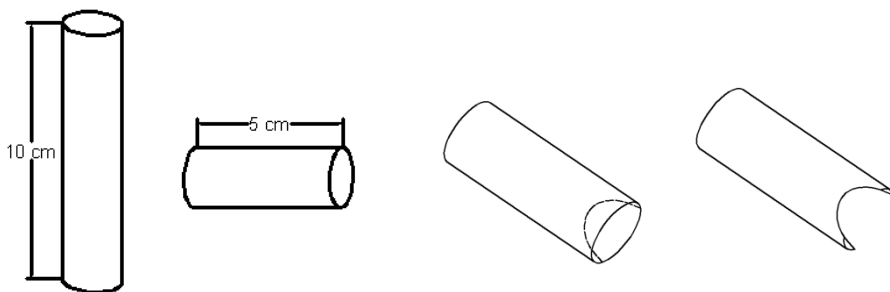
زمانی که همه هشت ضلعی ها آماده شد، مانند شکل زیر بر روی هر قطعه کلماتی را می نویسیم؛



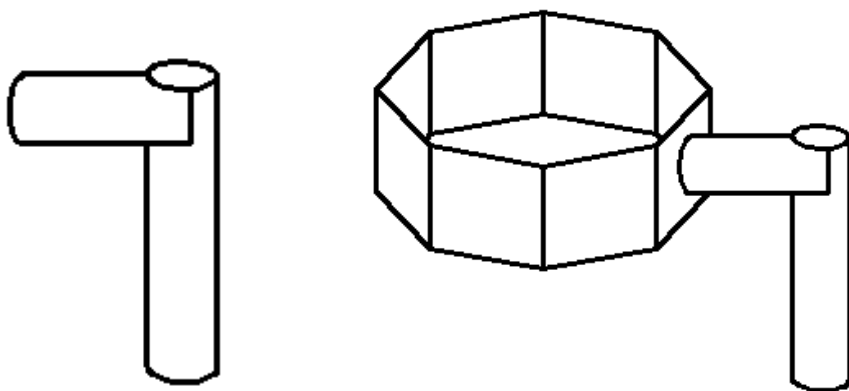
حالا اگر این هشت قطعه را روی هم قرار دهیم، یک تنگ هشت ضلعی خواهیم داشت:



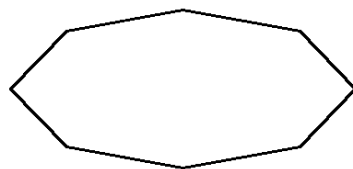
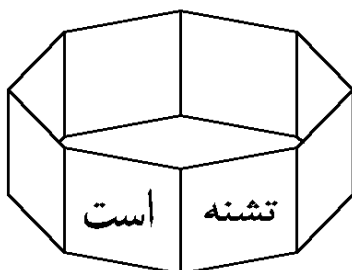
برای ساختن دسته تنگ کافی است به کمک دو لوله مقوایی در اندازه ۵ سانتی متر و ۱۰ سانتی متر درست کنیم. (باید نیم سانتی متر هم برای هاشور و چسباندن لبه ها در نظر بگیریم).



سپس در یک طرف لوله ۵ سانتی متری مانند شکل، شکافی به کمک قیچی ایجاد می‌کنیم و لوله ۱۰ سانتی متری را در همین محل به آن می‌چسبانیم؛



بعد انتهای لوله ۵ سانتی متری را به یکی از قطعات تنگ می‌چسبانیم. برای ساختن قسمت زیر تنگ هم یک صفحه هشت ضلعی، به اندازه محیط هشت ضلعی‌ها می‌بریم و به انتهای تنگ می‌چسبانیم؛



خوب، تنگ ما ساخته شد؛ حالا جمله روی آن را با هم می‌خوانیم:
اولین اجری که در قیامت پرداخته می‌شود، پاداش سیراب نمودن تشنه است.^۱

تشنه است	سیراب نمودن	پاداش	پرداخته می‌شود	که در قیامت
----------	-------------	-------	----------------	-------------

بهتر است بدانید که این جمله، کلام زیبایی امام علی علیه السلام است.
حالا به من بگویید به کسی که دیگران را سیراب می‌کند چه می‌گویند؟ آفرین، سقا.

دوستان خوبم! وقتی کلمه سقا را می‌شنوید، به یاد چه کسی می‌افتید؟ احسنت! ابوالفضل العباس؛ به احترام نام ایشان صلواتی ختم کنید.

همان‌طور که می‌دانید حضرت ابوالفضل عباس علیه السلام در کربلا علاوه بر اینکه علمدار سپاه امام حسین بود، مسئولیت سقایی و آب‌رسانی به تشنگان را نیز بر عهده داشت. البته حضرت عباس در مدینه نیز با مشک به تشنگان آب می‌داد و به همین خاطر از همان زمان به سقا معرف شد. حالا این شعر را بشنوید:

تشنه‌ای آمد لبش را تر کند	چاره‌ی لب‌تشنه دیگر کند
تشنه‌ای آمد که سیرابش کنم	مشک خالی داد تا آبش کنم
تشنه آن روز من عباس بود	پاس‌دار خیمه‌های یاس بود ^۲

در روز عاشورا حضرت ابوالفضل عباس علیه السلام چون شدت تشنگی اطفال را دید به طرف شریعه فرات حرکت کرد تا برای آن‌ها آب بیاورد. وقتی وارد رودخانه فرات شد خواست که اول خود آب بنوشد، اما زمانی که به یاد تشنگی امام حسین و

۱. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، شریف رضی، ج ۴، ۱۴۱۳ق، ص ۱۳۵.

۲. مصطفی رحماندوست (عنوان شعر: خجالت آب).

اطفال افتاد، هیچ آبی نیاشامید و مشک خود را پر از آب کرد و به سمت خیمه‌ها حرکت کرد...

برای عظمت ساقی و آب‌آور خیمه‌های امام حسین علیه السلام اجماعاً صلوات! امروزه نیز افراد نیکوکار به پیروی از حضرت ابوالفضل علیه السلام و به یاد امام حسین علیه السلام به اشکال مختلف سعی می‌کنند بر سر راه مردم آب‌خوری‌هایی قرار دهند تا تشنگان از آن بنوشند و بر امام حسین، سلام و درود بفرستند. اهمیت سیراب کردن تشنگان به حدی است که حتی شامل افراد کافر هم می‌شود و در زندگی بزرگان دین نیز نمونه‌هایی از آن دیده می‌شود؛

مصادف یکی از یاران امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که با امام به مکه می‌رفتیم. در میانه راه به مردی برخوردیم که در زیر درختی افتاده بود. حضرت فرمود: به سوی این مرد برویم، شاید بر اثر تشنگی این‌چنین بی‌حال افتاده است. وقتی به او رسیدیم، دیدیم که مردی مسیحی است که تشنگی او را بی‌تاب کرده است. پس حضرت به من فرمود: او را سیراب کن! من همین کار را کردم و سپس با حضرت راه خود را در پیش گرفتیم. در راه به حضرت عرض کردم: این مرد مسیحی بود، آیا می‌شود به مسیحی آب داد؟ حضرت فرمود: بلی، هرگاه دیدید که شخصی ولو کافر در حالی قرار گرفته که هیچ دسترسی به آب ندارد و تشنه است، باید او را سیراب کنید.^۱

خوب، حالا به من بگویید که آیا می‌دانید بزرگ‌ترین ساقی و سیراب‌کننده نیازمندان چه کسی است؟ بله، خداوند متعال!

۱. ثمرات الحیوه، ج ۲، ص ۲۴۶.

خدای بزرگ در قرآن کریم خود را ساقی سرزمین‌های تشنه‌کام، انسان‌ها و حیوانات معرفی می‌فرماید.

یکی از دوستان بیاید آیه ۴۹ سوره فرقان را برای ما قرائت کند و ترجمه آیه را بخواند.^۱

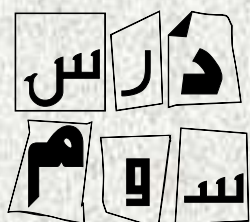
برنامه امروز را با یک روایت از امام صادق علیه السلام به پایان می‌بریم؛ کسی که در روز عاشورا بر سر مزار امام حسین حاضر باشد و به تشنگان آب دهد، مانند آن است که در روز عاشورا اصحاب امام حسین علیه السلام را آب داده و در رکاب او شهید شده باشد.^۲

خدایا! به ما توفیق سیراب کردن بندگان را عنایت فرما.
آمین، یا رب العالمین.

۱. مربی می‌تواند آیه و ترجمه آن را روی کارتی بنویسد تا در صورت نبودن قرآن مشکلی پیش نیاید.

۲. کامل الزیارات ص ۱۷۴ مَنْ سَقَى يَوْمَ عَاشُورَاءَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام كَانَ كَمَنْ سَقَى عَسْكَرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ شَهِدَ مَعَهُ.





مقام مادر

(براساس حدیثی از حضرت فاطمه علیها السلام)

نام درس: مقام مادر (حضرت فاطمه علیها السلام)

موضوع: احترام به مادر

هدف کلی: تبیین مقام والای مادر

اهداف جزئی:

در این درس دانش‌آموزان با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. آگاهی از اهمیت رضایت مادر و نقش آن در عاقبت‌بخیری و ورود به بهشت

۲. آشنایی با بخشی از داستان حضرت موسی علیه السلام و ویژگی همنشین ایشان در

بهشت

۳. آشنایی با آیات و روایات مرتبط با موضوع

۴. بهره‌گیری از کاردستی "مادر" برای درک بهتر موضوع درس (مادر)

اهداف رفتاری:

امید می‌رود در پایان این درس دانش‌آموزان بیش از پیش قدردان مادر خویش بوده و بیش‌تر یار و مددکار او باشند.

روش مناسب تدریس:

توضیحی فعال: (پرسش و پاسخ، جدول، کارت)

رسانه آموزشی: کاردستی

گروه: نوجوانان

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام آن که باشد مهربان تر برای ما ز بابا و ز مادر

سلام! سلام بر شما خوبان! بر شما حق جویان و حق خواهان که تلاش می کنید با راه و روش صحیح زندگی آشنا شوید.

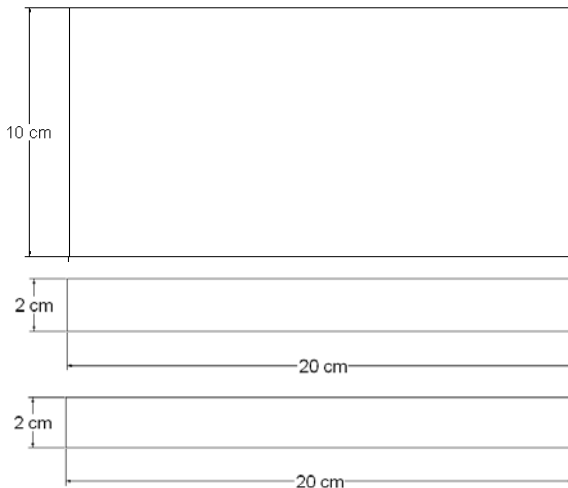
برنامه امروز را هم با یک صلوات آغاز می کنیم و در ابتدا من تعدادی حروف را روی تابلو می نویسم که اگر به طور صحیح در کنار هم قرار داده شوند، یک آیه قرآن را نمایش خواهند داد:

تِی بَرّاً وَ الدَّ بُو

آیا کسی می تواند آیه مورد نظر را حدس بزند؟^۱

این آیه درباره نیکی به مادر است و به همین خاطر کاردستی امروز مربوط به وسیله ای است که مادران با آن سروکار دارند؛

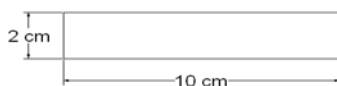
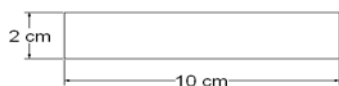
برای ساختن این وسیله ابتدا از یک مقوای محکم قطعاتی به اندازه های زیر جدا می کنیم:



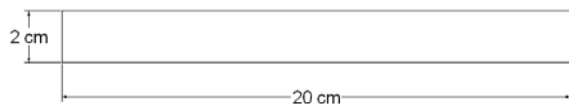
۱.

۲.

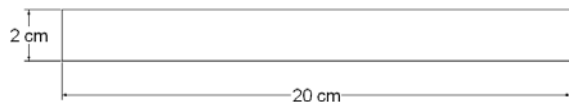
۱. اگر آیه موردنظر (وبرا بوالدتی) حدس زده شد مربی بعد از تشویق، آیه را ترجمه می کند (مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار بده) سپس کاردستی را می سازد و در صورتی که آیه حدس زده نشد، بعد از ساخت کاردستی آیه را خوانده و به گهواره ارتباط می دهد.



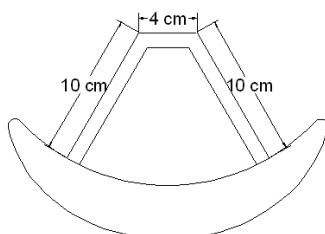
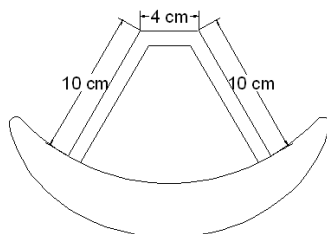
۳.



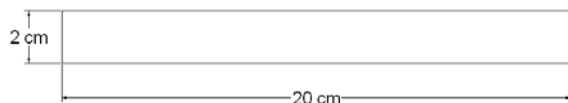
۴.



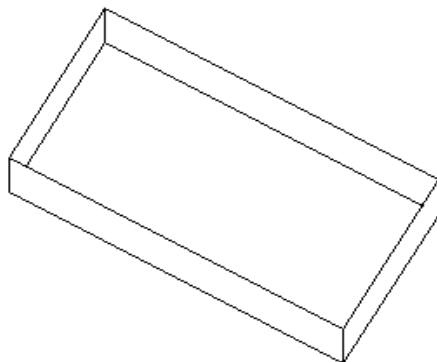
۵.



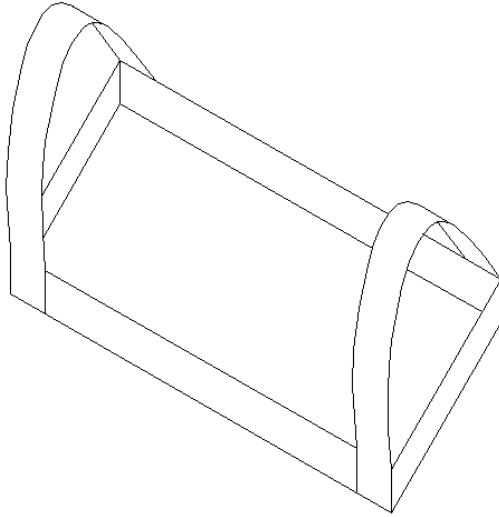
۶.



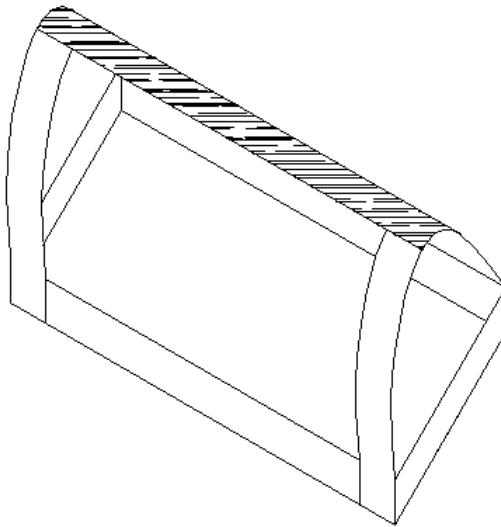
ابتدا قطعات شماره ۱ تا ۳ را با چسب به هم متصل می‌کنیم تا جعبه‌ای به شکل زیر داشته باشیم:



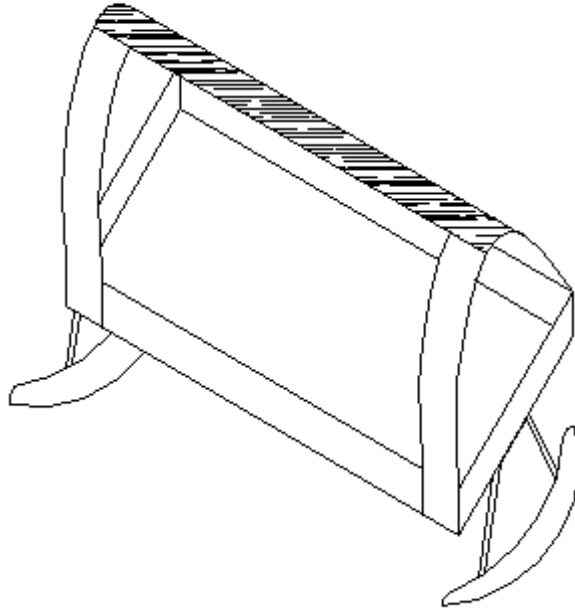
بعد دو قطعه شماره ۴ را به صورت کمان خم کرده و از داخل یا بیرون به دو طرف جعبه می چسبانیم تا شکل زیر درست شود:



سپس قطعه ۶ را به در کمان گهواره می چسبانیم.



سپس دو قطعه شماره ۵ را در زیر گهواره نصب می کنیم.



اکنون گهواره ما کامل شد و من از یک کدام ، از شما می خواهم شعر معروفی که در آن کلمه گهواره آمده است، بخواند. بله؛

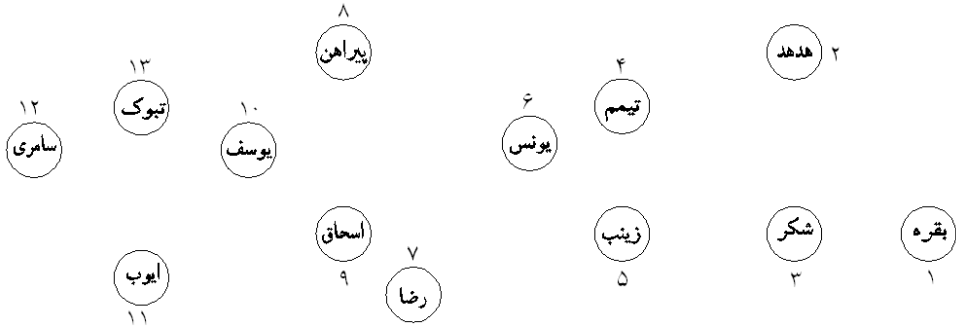
چنین گفت پیغمبر راستگو ز گهواره تا گور دانش بجوی
نام پیامبر برده شد! آیا می دانید کدام پیامبر در گهواره سخن گفته است؟ بله،
حضرت عیسی علیه السلام که بخشی از سخنان ایشان که در سوره مریم آیه ۳۲ آمده
است را من روی تخته برای شما به طور پراکنده نوشته ام. این جمله چنین است:

وَبَرًّا بِوَالِدَتِي

یعنی و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده.

مقام مادر به حدی است که حضرت عیسی علیه السلام در همان گهواره یکی از اولین سخنانی که به زبان می آورد شکرگذاری از خدای بزرگ است که او را نسبت به

مادرش نیکوکار قرار داده است. چون او می‌داند که نیکی به مادر بسیار با ارزش است؛ ارزش آن چیست؟! برای به دست آوردن جواب این سؤال، سیزده دایره



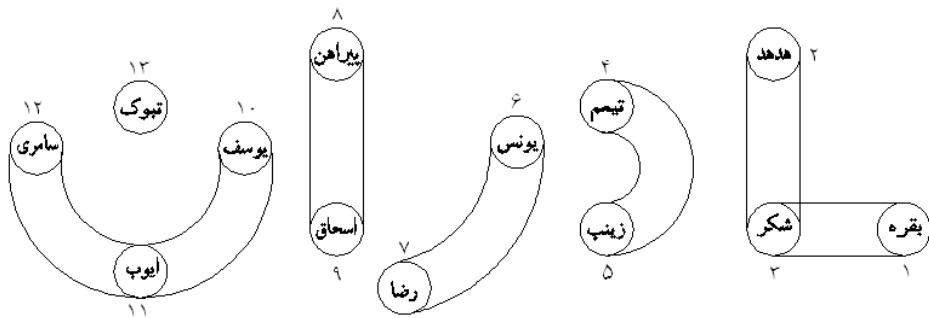
روی تابلو می‌کشم و با پاسخ‌هایی که شما به سؤالاتم می‌دهید آن‌ها را پر می‌کنم.

۱. نام بزرگ‌ترین سوره قرآن؟ بقره
۲. نام پرنده‌ای که در خدمت حضرت سلیمان علیه السلام بود؟ هدهد
۳. کلمه‌ای شیرین که موجب افزایش نعمت است؟ شکر
۴. عملی که در نبود آب به جای وضو انجام می‌دهیم؟ تیمم
۵. پیام‌رسان کربلا؟ زینب علیها السلام
۶. نام پیامبری که در دریا همسفر ماهی بود؟ یونس علیه السلام
۷. لقب امام هشتم به معنای راضی بودن؟ رضا علیه السلام
۸. لباسی که باعث بینایی حضرت یعقوب علیه السلام شد؟ پیراهن
۹. نام پدر حضرت یعقوب علیه السلام؟ اسحاق علیه السلام
۱۰. پیامبری که تعبیر خواب می‌کرد؟ یوسف علیه السلام
۱۱. صبر و شکیبایی این پیامبر معروف است؟ ایوب علیه السلام
۱۲. گوساله معروف زمان حضرت موسی علیه السلام؟ سامری
۱۳. آخرین غزه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؟ تبوک

حالا با حروف اول پاسخ‌ها یک جمله می‌سازیم؛

"بهشت زیر پای است"

خوب، مثل اینکه یک کلمه جا مانده است و ما الآن آن را پیدا می‌کنیم!^۱



"بهشت زیر پای مادران است"

این ترجمه حدیثی است که هم فاطمه زهرا علیها السلام و هم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را فرموده‌اند، ولی یک نقص کوچک در این ترجمه است که برای پی بردن به آن باید با متن عربی حدیث آشنا شویم و برای این کار از شما می‌پرسم که "بهشت" در زبان عربی به چه معنا است؟ الجنّة. "زیر" در زبان عربی به چه معنا است؟ تحت. جمع "پا" در زبان عربی به چه معنا است؟ اقدام. جمع "مادر" به چه معنا است؟ الأمّهات. حالا این کلمات را کنار هم قرار می‌دهیم؛ نتیجه این می‌شود: الجنّة تحت اقدام الأمّهات^۲. بنابر این ترجمه دقیق حدیث این است: بهشت زیر پاهای مادران است.

۱. مربی در اینجا دایره‌ها را مانند شکل به هم متصل می‌کند.

۲. کنز العمال، ۴۵۴، مستدرک ج ۱۵، ص ۱۸۰.

حالا همه دست به دعا برمی داریم و دعایی که حضرت ابراهیم علیه السلام در حق پدر و مادرش کرد با هم می خوانیم:

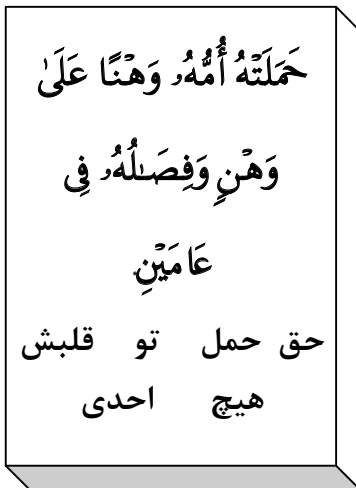
رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ^۱

پروردگارا! من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را در آن روز که حساب بر پا می شود، ببامرز.

و این هم شعری در همین ارتباط:

سرچشمه ای از حیات کوثر باشد	آئینه ای از صفات داور باشد
در زیر قدوم پای مادر باشد	در خدمت او باش که فرمود بهشت

اکنون به سراغ جمله ای از رساله حقوق امام سجاد علیه السلام درباره مقام مادر می رویم.^۲
این کلام به آیه ۱۴ سوره مبارکه لقمان اشاره دارد.^۳



۱. ابراهیم / ۴۰.

۲. مربی در حال صحبت تصویر کتاب را رسم می کند و آیه قرآن را در آن می نویسد به همراه کلمات.

۳. مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می یابد.

من کلام ایشان را روی تابلو به صورت جای خالی می‌نویسم. شما با کلمات داده شده در تصویر کتاب، آن را کامل کنید.

..... مادر بر..... این است که بدانی او تو را کرد، آن گونه که فردی دیگری را نمی‌کند و از میوه‌ی به تو داد که به دیگری نمی‌دهد.

البته این سخن ادامه دارد، امام در ادامه می‌فرماید: مادرت تو را با جمیع اعضا و جوارحش در آغوش می‌گیرد و باکی از اینکه گرسنه باشد ندارد. تو را می‌پوشاند و در نور آفتاب تو را به سایه می‌برد. از خواب خود می‌زند و تو را از گرما و سرما محافظت می‌کند و تو در برابر این همه خدمت کجا می‌توانی شکرگزار او باشی، مگر به کمک و یاری و توفیق پروردگار.^۱

این بود گوشه‌ای از علت ارزش مقام مادر در قرآن و صحیفه سجادیه و حالا باز هم به شعری در این باره گوش دهید:

جنان در زیر پای مادران است بکش بر دیده، خاک زیر پایش
مکن بر روی او تندی که بر تو خدا فرموده واجب احترامش^۲

در پایان و برای حُسن ختام داستانی از زندگی حضرت موسی علیه السلام برایتان نقل می‌کنم؛

روزی حضرت موسی علیه السلام هنگام مناجات با خدا، از او درخواست کرد که همنشین خود در بهشت را بشناسد. خطاب آمد ای موسی! اگر می‌خواهی همنشین خود در بهشت را ببینی باید به جایی که می‌گویم بروی؛ کسی که در آنجا مشغول کار است، رفیق تو در بهشت خواهد بود. حضرت موسی علیه السلام بی‌درنگ به محل مورد نظر رفت و دید که در آن مکان جوانی به کار قصابی مشغول است. با خود گفت

۱. رساله حقوق امام سجاده علیه السلام.

۲. ناصر خسرو.

بهتر است مراقب او باشم و ببینم که چه عمل شایسته‌ای دارد، اما دید که غیر از حرفه قصابی کار دیگری از او سر نزد!

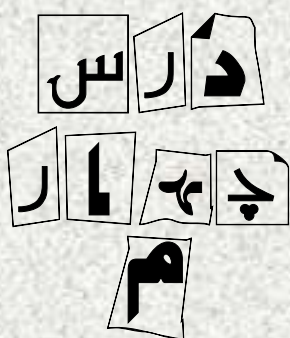
شب هنگام که جوان محل کار را ترک می‌کرد، موسی علیه السلام بدون اینکه خود را معرفی کند نزد جوان رفت و از او خواست تا شب را مهمانش باشد. جوان با خوشرویی پذیرفت و هر دو راهی منزل جوان شدند. مرد جوان همین که وارد منزل شد، ابتدا به سراغ پیرزنی از کارافتاده و فلج که هیچ قدرتی نداشت و در گوشه اتاق خوابیده بود رفت و سپس غذایی آماده کرد و با صبر و حوصله تمام غذا را لقمه لقمه به دهان او گذاشت. بعد او را شست و شو داد و لباسش را عوض کرد و آنگاه به کارهای دیگر پرداخت. موسی علیه السلام شب را در خانه جوان ماند و صبح در هنگام خداحافظی خود را معرفی کرد و از مرد پرسید: این زن کیست که این چنین از او نگهداری می‌کنی؟ جوان گفت: او مادرم است. موسی فرمود: وقتی به او غذا می‌دادی، نگاهی به سوی آسمان می‌انداخت و کلماتی بر زبان جاری می‌کرد؛ او چه می‌گفت؟ مرد قصاب گفت: هر بار که به او غذا می‌دهم و او را سیر می‌کنم درباره من دعا می‌کند و می‌گوید: خدایا! او را همنشین موسی بن عمران در بهشت برین قرار بده. موسی علیه السلام به جوان مژده داد که دعای مادرت درباره تو مستجاب گردیده است.^۱

ما هم دعا می‌کنیم؛

پروردگارا! به ما توفیق خدمت به پدر و مادرمان را عنایت فرما و ما را از انجام کمترین بی‌احترامی نسبت به آنان محفوظ و مصون بدار. پروردگارا! اگر آن‌ها در قید حیات نیستند، رحمت و آمرزش خود را نصیب‌شان بگردان. آمین، یا رب العالمین.

۱. پند تاریخ، ج ۱، ص ۶۸ - یکصد موضوع پانصد داستان، ج ۱، ص ۱۳۸.





چهار انگشت

(براساس حدیثی از امام حسن علیّه السلام)

نام درس: چهار انگشت (امام حسن علییه)

موضوع: حق و باطل

هدف کلی: تبیین موضوع حق و باطل و مبارزه همیشگی میان این دو

اهداف جزئی:

در این درس دانش‌آموزان با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. آگاهی از معنی و مفهوم حق و باطل

۲. آشنایی با بخشی از داستان حضرت موسی علییه و سرانجام پیروان باطل

۳. آشنایی با آیات و روایات مرتبط با موضوع

۴. بهره‌گیری از کاردستی "چهار انگشت" برای درک بهتر موضوع درس (حق و باطل)

اهداف رفتاری:

امید می‌رود در پایان این درس دانش‌آموزان وظیفه مقابله با باطل را فراگرفته و همیشه حق‌گویی و حق‌جویی را سرلوحه زندگی خود قرار دهند.

روش مناسب تدریس:

توضیحی فعال (پرسش و پاسخ، داستان، کارت)

رسانه آموزشی: کاردستی

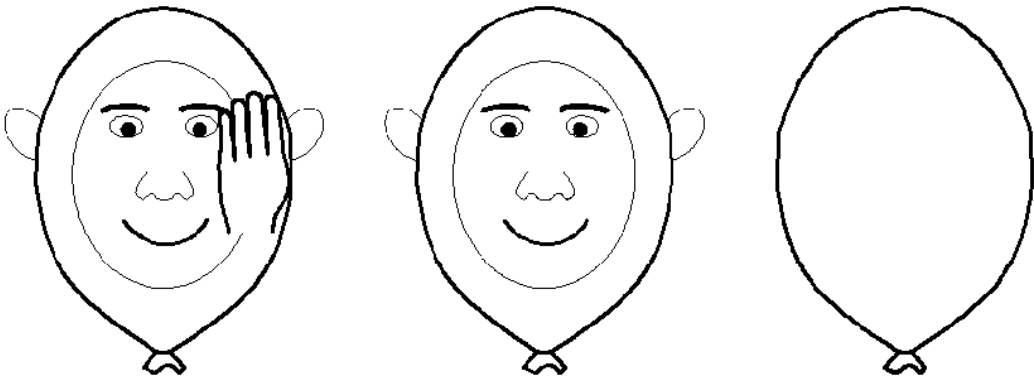
گروه: نوجوانان

بسم الله الرحمن الرحيم

الهی! دانایی ده که از راه نیفتیم بینایی ده که در چاه نیفتیم

سلام به شما دوستان خوب! علاقمندان به یادگیری مسایل دینی! بعد از ذکر یک صلوات، برنامه امروز را با ساختن یک کاردستی شروع می‌کنیم؛ برای ساختن این کاردستی به یک بادکنک، یک تکه یونولیت نازک و مقداری خمیر کاغذی^۱ (مخلوط چسب مایع، مقداری کاغذ و یک تکه از شانه تخم مرغ) نیاز داریم.

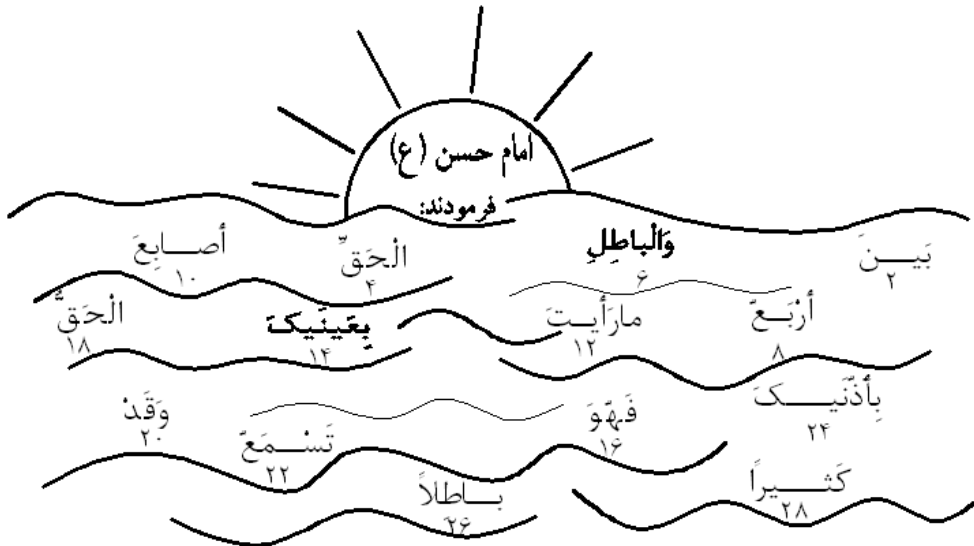
بعد از تهیه وسایل مورد نیاز، ابتدا بادکنک را باد می‌کنیم و سپس تمام سطح آن را با خمیر کاغذی می‌پوشانیم و کمی صبر می‌کنیم تا کاملاً خشک شود. وقتی مطمئن شدیم که خمیر خشک شده است، روی آن یک صورت ترسیم می‌کنیم و بعد با استفاده از یونولیتی که در اختیار داریم، یک دست کوچک - با چهار انگشت به هم چسبیده - درست می‌کنیم و آن را مانند شکل زیر، به صورتک متصل می‌کنیم.



۱. ابتدا مقوا یا شانه تخم مرغ را خرد کرده و آن را در یک ظرف آب بریزید سپس به تدریج آن را با پودر سریش مخلوط نمایید.

خوب، حالا که ساخت کاردستی تمام شد، به نظر شما هدف ما از این کار چیست؟ چه ارتباطی بین این دست و سر وجود دارد؟ و چرا دست را بین گوش و چشم چسبانیده ایم؟^۱

برای پاسخ به این سؤال‌ها باید به حدیثی از امام حسن مجتبی علیه السلام مراجعه کنیم و برای اینکه با این حدیث آشنا شویم من یک مسابقه ترتیب داده‌ام و دو نفر داوطلب می‌خواهم. این مسابقه به این صورت است که من تصویری از دریا را روی تخته می‌کشم و کلماتی را روی آن می‌نویسم و برای هر کلمه یک عدد می‌گذارم.^۲



حالا تخته را دو قسمت می‌کنیم و هر داوطلب باید به کمک اعداد، کلمات را به ترتیب روی تخته (البته بدون اعراب) بنویسد.^۳ هر کسی که جمله حدیث را زودتر به اتمام برساند، برنده می‌شود.

۱. اگر دانش‌آموزی پاسخ صحیحی داد، مورد تشویق قرار می‌گیرد و مربی داستان امام حسن مجتبی علیه السلام را در ادامه ذکر خواهد کرد.

۲. اگر مربی نمی‌تواند نقاشی بکشد، باید تصویر مورد نظر را از قبل آماده کرده باشد.

۳. برای سهولت کار دانش‌آموزان، نیازی به اعراب‌گذاری نیست و این کار را مربی بعد از پایان مسابقه انجام می‌دهد.

بسیار خوب! حالا نفر برنده را تشویق می‌کنیم و حدیث امام حسن مجتبی را با هم می‌خوانیم؛

بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ أَرْبَعُ أَصَابِعٍ^۱، مَا رَأَيْتَ بِعَيْنَيْكَ فَهُوَ الْحَقُّ وَ قَدْ تَسْمَعُ بِأُذُنَيْكَ بَاطِلًا كَثِيرًا^۲

با ترجمه این حدیث از امام حسن علیه السلام هدف از ساختن کاردستی برای ما مشخص می‌شود.

امام حسن علیه السلام که همچون کشتی نجاتی در دریای پرتلاطم دنیا نجات‌بخش غرق‌شدگان است، می‌فرماید:

بین حق و باطل به اندازه چهار انگشت فاصله است؛ آنچه با چشم خود ببینی حق است و چه بسا بسیاری از آنچه با گوش خود می‌شنوی باطل باشد!

از امام علی علیه السلام هم نقل شده است که در پاسخ به سؤالی درباره تفاوت حق و باطل پس از آنکه انگشتان خود را به هم چسباند و آن‌ها را در فاصله میان گوش و چشم خود گذاشت، فرمود:

باطل این است که بگویی «شنیدم» و حق آن است که بگویی «دیدم».^۳

مولوی، شاعر بزرگ و معروف کشورمان نیز کلام زیبای امام حسن علیه السلام و امام علی علیه السلام را به زیبایی در شعر خود آورده است؛

۱. مری چهار انگشت بسته خود را نشان می‌دهد، سپس آن را روی صورت قرار می‌دهد و از دانش‌آموزان می‌خواهد که آن‌ها هم همین کار را انجام دهند.

۲. تحف العقول، ترجمه حسن زاده، ص ۳۹۵.

۳. بحار الانوار.

کرد مردی از سخندانی سؤال حق و باطل چیست ای نیکو مقال؟
گوش را بگرفت و گفت این باطل است چشم، حق است و یقینش حاصل است

امیدوارم تا اینجا از مطالبی که گفتیم استفاده کرده باشید و برای ادامه برنامه آماده باشید. حالا به این تصاویر توجه کنید:



این تصاویر بیانگر آیه ۱۷ سوره رعد است که از چهار نفر می‌خواهم جهت قرائت این آیه شریفه به من کمک کنند.

نفر اول جمله کارت اول^۱ و ترجمه آن را بخواند:

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

آبی از آسمان نازل کرد.

نفر دوم جمله کارت دوم و ترجمه آن را بخواند:

فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِعًا

پس در هر رودی به قدر وسعتش سیل جاری شد و بر روی سیل کفی برآمد.

۱. مربی کارت‌ها را از قبل آماده نماید.

نفر سوم جمله کارت سوم و ترجمه آن را بخواند:

وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ

چنانچه فلزاتی را نیز که برای زینت و یا اثاث در آتش ذوب کنند کفی مانند آن برآید.

نفر چهارم جمله کارت چهارم و ترجمه آن را بخواند:

كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ

این گونه خدا حق و باطل را مثل می زند.

خوب، دوستان خوبم تا اینجا از این آیه چه برداشتی کردید؟ و به نظر شما هدف

قرآن کریم از بیان این مثال درباره حق و باطل چیست؟

احسنت! اشاره های خوبی داشتید. حالا به ادامه آیه توجه کنید تا ببینیم خود قرآن

چه درسی به ما می دهد:

فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي
الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ

پس کف بزودی نابود می شود، اما آنچه که مردم را سود می رساند (آب و یا فلز

ذوب شده) در زمین می ماند؛ خدا این گونه مثل می زند.

شهید مطهری در همین ارتباط می‌گوید: چشم ظاهر بین کف خروشان را می‌بیند که در حرکت است و توجهی به آب باران که زیر این کف‌ها است نمی‌کند، درحالی که این آب است که چنین خروشان حرکت می‌کند، نه کف! ولی چون کف‌ها روی آب را گرفته‌اند چشم ظاهر بین که به اعماق واقعیات نفوذ نداشته باشد، فقط کف را می‌بیند. باطل هم بر نیروی حق سوار می‌شود و روی آن را می‌پوشاند، به طوری که اگر کسی ظاهر جامعه را ببیند و به اعماق آن نظر نیاندازد، غیر حق را به جای حق می‌بیند.

یک آیه معروف دیگر هم در قرآن کریم در زمینه حق و باطل داریم که معنای آن این است: حق آمد و باطل نابود شد؛ به درستی که باطل همواره نابودشدنی است. آفرین! آیه این است:

وَكُلَّ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ ۱

حالا از شما می‌خواهم به کارتهایی که در اینجا داریم توجه کنید. روی کارتها نام بعضی از شخصیت‌های بزرگ و حق طلب تاریخ نوشته شده است که شما باید با دیدن هر نام، نام شخصیت بد و باطلی که با او مخالفت کرده است را بگویید.^۱ حالا کارت اول - حق و باطل - را کنار می‌برم، چه نامی را می‌بینید؟ بله، حضرت

آدم عَلَيْهِ السَّلَام

حق و باطل

حضرت آدم

۱. مربی روی کارت اول دو کلمه حق و باطل را می‌نویسد و برنامه را با نمایش آن شروع می‌کند، کارت اول را کنار می‌برد و به سراغ کارت بعدی رفته و به همین ترتیب تا آخرین کارت ادامه می‌دهد.

خوب، باطل مقابل حضرت آدم عليه السلام چه کسی بود؟ آفرین، شیطان.^۱

بعد از حضرت آدم به سراغ کارت بعدی می رویم هابیل باطل در مقابل او چه کسی بود؟ قابیل

کارت بعدی ابراهیم باطل در مقابل او چه کسی بود؟ نمرود

کارت بعدی موسی باطل در مقابل او چه کسی بود؟ فرعون

کارت بعدی سلیمان باطل در مقابل او چه کسی بود؟ بلقیس

کارت بعدی داوود باطل در مقابل او چه کسی بود؟ طالوت

کارت بعدی حضرت محمد باطل در مقابل او چه کسی بود؟ ابوسفیان

کارت بعدی امام حسین باطل در مقابل او چه کسی بود؟ یزید

کارت بعدی امام خمینی باطل در مقابل او چه کسی بود؟ شاه^۲

همان طور که می دانید این افراد حق طلب هستند که نامشان همواره به نیکی یاد می شود و در جهان دیگر رستگار خواهند بود.

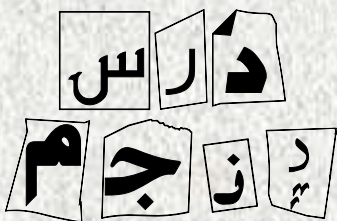
پروردگارا! به ما توفیق ده تا همواره در مسیر حق حرکت کنیم و از راه باطل دوری گزینیم.

آمین یا رب العالمین.

۱. باطل مقابل هر شخص پشت همان کارت نوشته می شود به عنوان مثال کلمه شیطان در پشت کارت

حضرت آدم عليه السلام نوشته شده که به بچه ها نشان می دهیم.

۲. مربی می تواند داستان مربوط به هر کدام از شخصیت ها را به فراخور فرصت و حوصله دانش آموزان بیان کند.



باران

(بر اساس حدیثی از امام حسین علی‌ه السلام)

نام درس: باران (امام حسین علیه السلام)

موضوع: نیکی و احسان

هدف کلی: تبیین اهمیت نیکوکاری و احسان کردن به دیگران

اهداف جزئی:

در این درس دانش‌آموزان با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. آشنایی با معنا و مفهوم احسان
۲. آشنایی با چند حکایت در خصوص عمل صالح و کار نیک
۳. آشنایی با آیات و روایات و برخی احکام شرعی مرتبط با موضوع
۴. بهره‌گیری از کاردستی "صندوق صدقه" برای درک بهتر موضوع درس (احسان و نیکوکاری)

اهداف رفتاری:

امید می‌رود در پایان این درس دانش‌آموزان اشتیاق بیشتری نسبت به کارهای نیک و یاری رساندن به دیگران در خود احساس کنند و کار نیک انجام دهند.

روش مناسب تدریس:

توضیحی فعال (پرسش و پاسخ، جدول، کارت)

رسانه آموزشی: کاردستی

گروه: نوجوانان

بسم الله الرحمن الرحيم

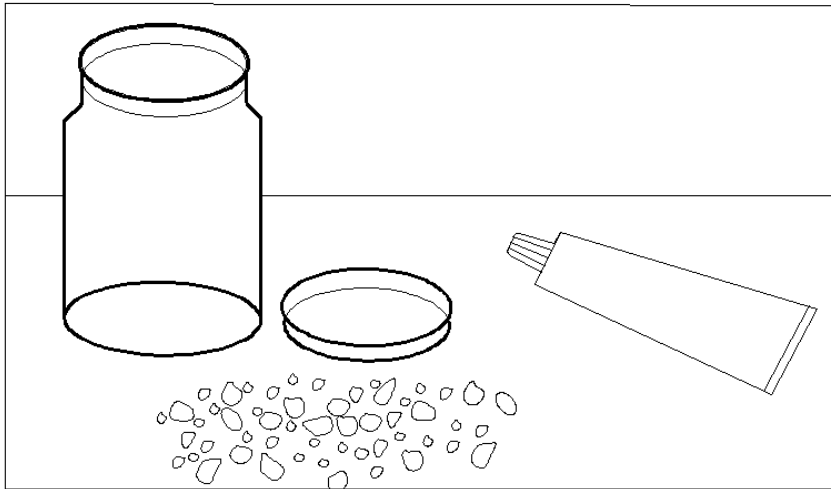
سلامی چو عطر دل‌انگیزِ باران

سلامی به شادابی نوبهاران

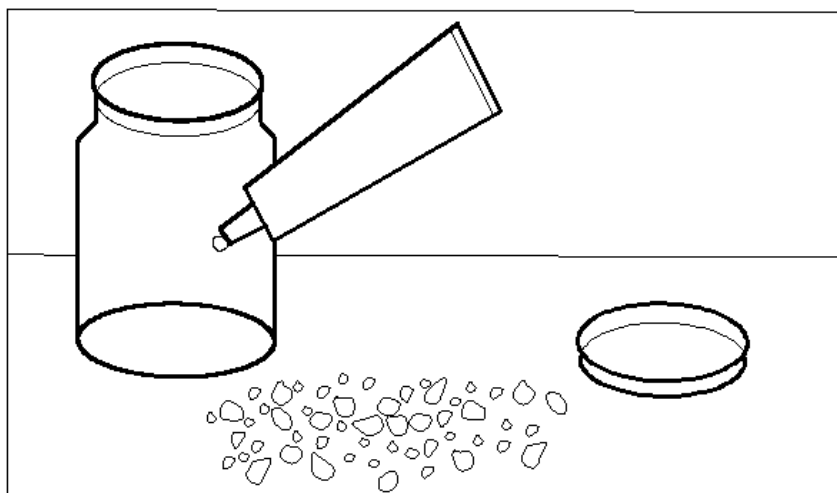
سلام بر شما خوبان!

شروع برنامه خود را زینت می‌دهیم با یک صلوات بر محمد آل محمد.

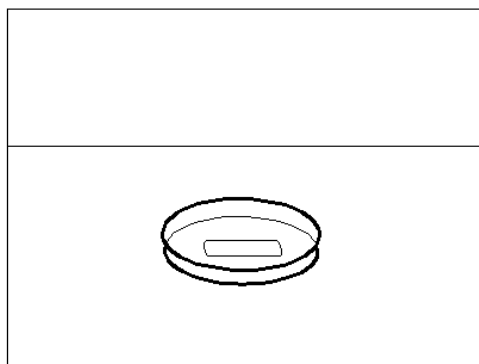
امروز می‌خواهیم با یک شیشه مربا - مقداری سنگ‌ریزه - یا چیزی شبیه به آن -
و چسب مایع یک کاردستی بسازیم.



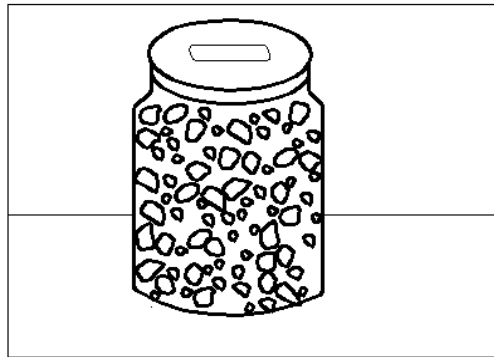
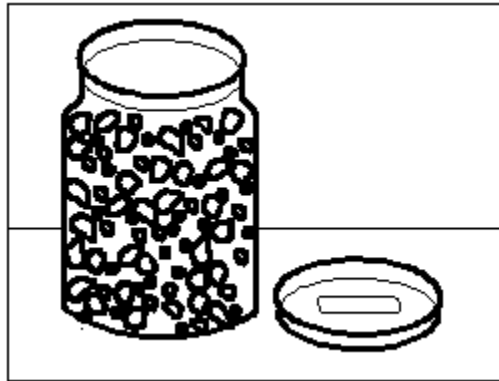
ابتدا دور شیشه را به طور کامل چسب می‌زنیم و با حوصله تمام سنگ‌ریزه‌ها را
روی آن می‌چسبانیم.



سپس مطابق شکل زیر در شیشه را به آرامی سوراخ می‌کنیم. برای این کار می‌توانیم از بزرگ‌ترها کمک بگیریم تا آسیبی به دستان نرسد.



اکنون ما یک قلک یا صندوق صدقات ساخته‌ایم:



بعد از ساختن این صندوق صدقات، نوبت به جدولی به شکل خانه است که آن را روی تابلو می‌کشم. همان‌طور که می‌بینید این جدول سی خانه دارد و در هر خانه یک حرف نوشته شده است.

برای پیدا کردن رمز جدول حرف اول را می‌نویسم و سپس پنج خانه می‌شماریم و حرف بعدی را در کنار حرف اول قرار دهید و به همین ترتیب تا آخر جدول ادامه می‌دهیم. در شروع مجدد شمارش خانه‌ها، خانه اول را نمی‌شماریم. با پایان شمارش، هفت کلمه عربی به دست می‌آید که هر کسی بتواند این کلمات را زودتر پیدا کند، یک جایزه می‌گیرد.

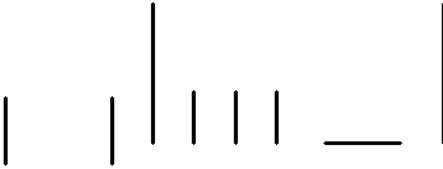
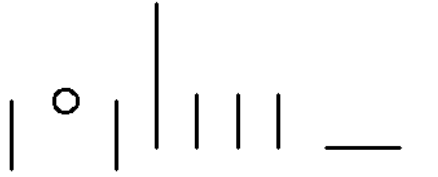
آفرین! حالا من این کلمات را روی تابلو می نویسم؛

❁ إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ مِنْ مَنَازِلِهِ فَلْيَتَصَدَّقْ بِصَدَقَةٍ

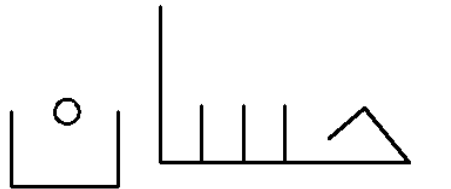
این جمله روایتی از امام صادق علیه السلام است که می فرماید: هر کدام از شما وقتی از منزلش خارج می شود، صدقه ای بدهد.

حالا به جمله ای که روی تابلو می نویسم دقت کنید و جای خالی را پر کنید:

صدقه نوعی _____ است.

همان طور که حدس زدید^۱ کلمه مورد نظر "احسان" است.^۲



۱. مربی هشت کارت به شکل ابر در اندازه ۲۰*۲۰ تهیه و به ترتیب شماره یکی یکی به بچه ها نشان می دهد.

۲. با چند خط کلمه احسان ساخته می شود سپس دو ابر با قطرات باران روی تابلو کشیده می شود.



و حالا به حکایتی در همین زمینه توجه کنید: روزی مردی در حضور امام حسین علیه السلام گفت احسان کردن به افراد نااهل تباهی است. امام در پاسخ او فرمود: "چنین نیست! احسان (بر و نیکی) مانند باریدن باران است که نیکوکار و بدکار را در بر می گیرد."^۱

همان طور که باران در هر منطقه و کشوری، و برای سیاه و سفید، فقیر و غنی می بارد و طبق آیات قرآن، فواید زیادی هم دارد، احسان نیز این چنین است.



۱. تحف العقول ترجمه حسن زاده کلمات قصار امام حسین علیه السلام، ص ۴۳۷.

صاحب بن عباد از وزرای نیکورفتار و با کمال بود. در عصرهای ماه رمضان هر کسی بر او وارد می‌شد، ممکن بود قبل از افطار خارج نشود و گاهی هزار نفر هنگام افطار بر سر سفره‌اش بودند، به طوری که صدقه و انفاق‌هایش در این ماه با یازده ماه دیگر برابری می‌کرد.

تربیت او به گونه‌ای بود که در همان اوان طفولیت که برای درس خواندن به مسجد می‌رفت، هر روز صبح مادرش یک دینار و یک درهم به او می‌داد و سفارش می‌کرد به اول فقیری که رسید صدقه دهد. این عمل برای صاحب بن عباد عادت شده بود و تا سنین جوانی و حتی هنگامی که به مقام وزارت رسید هیچگاه سفارش مادر را ترک نکرد. از ترس اینکه مبادا یک روز صدقه را فراموش کند به خادمی که متصدی اتاق خوابش بود دستور می‌داد هر شب یک دینار و یک درهم در زیر رخت خوابش بگذارد. صبح که بر می‌خواست پول را برداشته و به اولین فقیر می‌داد. اتفاقاً شبی خادم فراموش کرد این کار را بکند و فردا که صاحب سر از خواب برداشت، بعد از ادای فریضه نماز دست در زیر تشک برد تا پول را بردارد و چون پول را نیافت، متوجه شد که خادم فراموش کرده پول را در آنجا قرار دهد. او این فراموشی را به فال بد گرفت و با خود گفت لابد اجلم فرا رسیده است. پس امر کرد آنچه در اطاق خوابش از لحاف و تشک و بالش که همگی از دیبا بود به کفاره فراموش کردن صدقه آن روز همان خادم به اولین فقیری که ملاقات کرد بدهد.

خادم وسایل را جمع کرد و بیرون رفت و با مردی نابینایی از سادات که زنش دست او را گرفته بود مواجه شد. خادم پیش رفت و گفت آیا این لحاف و تشک و چند بالش دیبا به کارت می‌آید؟ مرد با شنیدن این سخن بیهوش شد! صاحب بن عباد را از این جریان مطلع کردند. وقتی آمد، مرد را به هوش آوردند. صاحب بن عباد پرسید: تو را چه شد که این‌طور از حال رفتی؟! گفت: من مردی آبرومندم ولی مدتی است تهی دست شده‌ام. از این زن دختری دارم که به حد رشد رسیده

و مردی از او خواستگاری کرده است. اینک دو سال است که از خوراک و لباس خودمان می‌زنیم تا برای او اسباب و جهیزیه تهیه کنیم. دیشب زنم گفت باید برای دخترم لحافی با بالش دیبا تهیه کنی. هرچه خواستم او را منصرف کنم نپذیرفت. بالاخره بر سر همین خواسته بین ما اختلافی پیدا شد. عاقبت گفتم فردا صبح دست مرا بگیر از خانه بیرون ببر تا شما را ترک کنم. اکنون که خادم شما این سخن را گفت، من از خوشحالی بیهوش شدم.

صاحب بن عباد چنان تحت تأثیر این پیش‌آمد غیرمنتظره قرار گرفت که چشمانش پر از اشک شد. سپس رو به مرد کرد و گفت: به من اجازه دهید تمام وسایل زندگی دخترتان را مطابق این لحاف و تشک فراهم کنم و با موافقت مرد، این کار را عملی کرد. همچنین شوهر دخترک را خواست و به او سرمایه‌ای داد تا به شغلی آبرومند مشغول شود.^۱

حالا که این داستان زیبا را شنیدید، خوب است این را هم بدانید که در شش آیه از قرآن کریم کلمه احسان آمده است که در پنج آیه، با کلمه بالوالدین همراه است^۲ و این نشان می‌دهد که بالاترین احسان‌ها آن است که در حق پدر و مادر انجام پذیرد.

اینک با کمک گرفتن از کلام امامان معصوم به بیان ویژگی‌های احسان می‌پردازیم؛

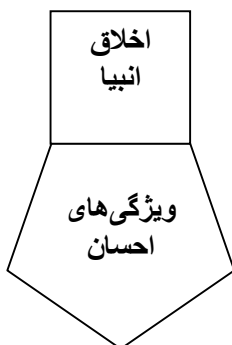


۱. موسی خسروی، پند تاریخ، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۱۲، به نقل از روضات الجنات ص ۱۰۵.

۲. بقره/ ۸۳ - النساء/ ۳۶ - انعام/ ۱۵۱ - الاسراء/ ۲۳ - احقاف/ ۱۵.

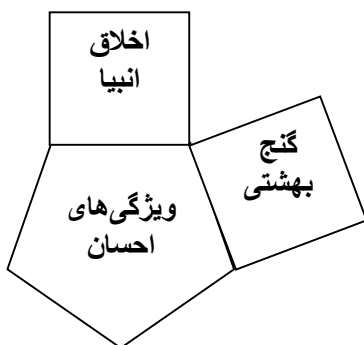
اولین ویژگی:

از اخلاق انبیا است.



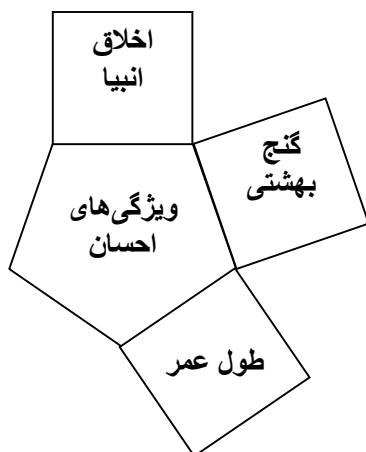
دومین ویژگی:

از گنج‌های بهشتی است.



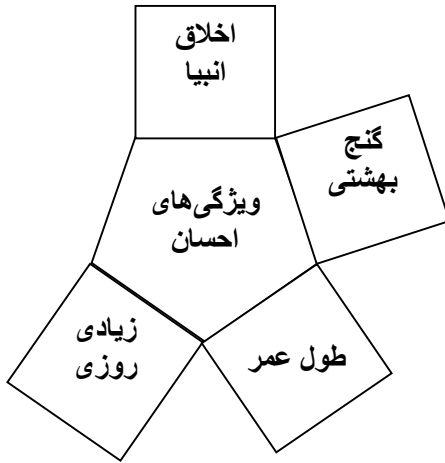
سومین ویژگی:

باعث افزایش عمر است.



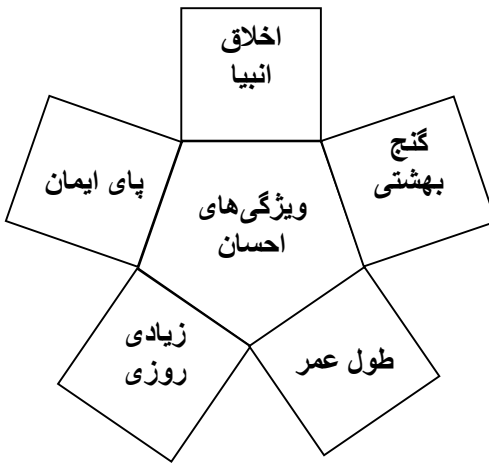
چهارمین ویژگی:

روزی را زیاد می‌کند.



پنجمین ویژگی:

از پایه های ایمان است.^۱



در اینجا برنامه خود را با یک حکایت به پایان می‌بریم؛

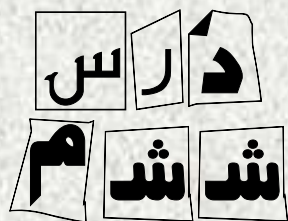
۱. مربی کارتی پنج ضلعی تهیه می‌کند و همزمان با بیان ویژگی‌های احسان، آن را برای دانش‌آموزان نمایش می‌دهد.

عمار بن حیان می‌گوید روزی در محضر امام صادق علیه السلام بودم و به ایشان عرض کردم: اسماعیل پسر من بسیار نیکی می‌کند. حضرت علیه السلام فرمود: من او را دوست می‌داشتم و اکنون محبتم زیاده‌تر شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خواهری رضاعی داشت. روزی وی به دیدن پیامبر رفت. همین که نظر پیامبر به او افتاد مسرور گردید و رو انداز خود را برای او پهن کرد و او را بر روی آن نشانید و با گشاده‌رویی و احترام به سویش توجه کرد و پیوسته متبسم بود تا از خدمت حضرت مرخص شد و رفت. اتفاقاً همان روز برادر حضرت نیز به دیدار ایشان آمد ولی حضرت آن نحو رفتار که با خواهر داشت با او انجام نداد. بعضی از صحابه عرض کردند یا رسول الله! با خواهرتان به نحوی رفتار کردید که با برادر او چنین نکردید؟ فرمود: علت زیادی احترام من این بود که آن دختر به پدر و مادر خویش بیشتر نیکی می‌کند.

خدایا! به ما توفیق خدمت و احسان به پدر و مادرمان را عطا بفرما.

آمین، یا رب العالمین.





کلید

(بر اساس حدیثی از امام سجاده علیه السلام)

نام درس: کلید (امام سجاد علیه السلام)

موضوع: راستگویی

هدف کلی: تبیین اهمیت صداقت و راستگویی

اهداف جزئی:

در این درس دانش آموزان با موارد زیر آشنا می شوند:

۱. آگاهی از اهمیت راستگویی
۲. آشنایی با برخی آثار راستگویی
۳. آشنایی با آیات و روایات مرتبط با موضوع
۳. بهره گیری از کاردستی "کلید" برای درک بهتر موضوع درس (راستگویی)

اهداف رفتاری:

امید می رود در پایان این درس دانش آموزان راستگویی را کاری لذت بخش دانسته و در همه حال راستگو باشند.

روش مناسب تدریس:

توضیحی فعال (پرسش و پاسخ، جدول، کارت، تصاویر)

رسانه آموزشی: کاردستی

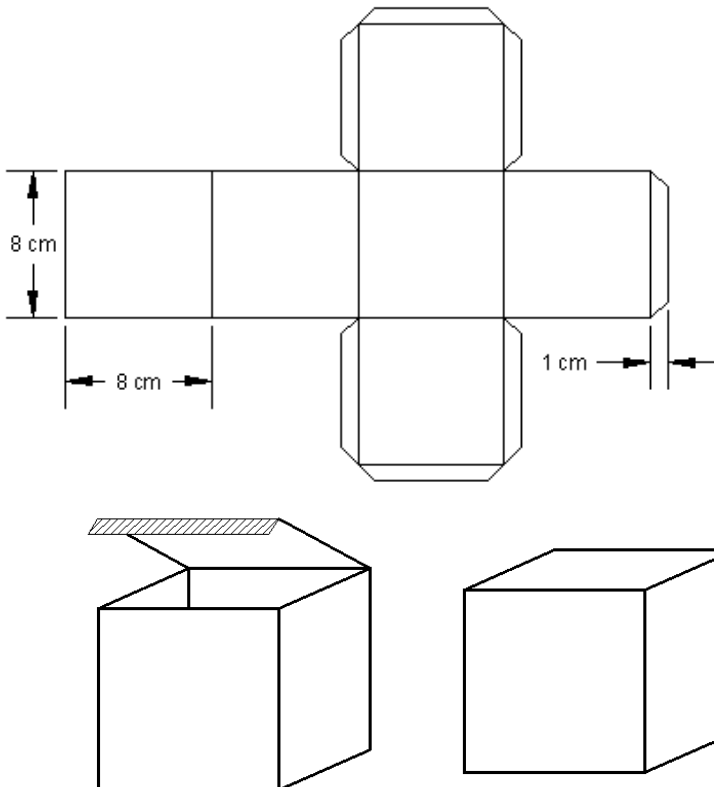
گروه: نوجوانان

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خدا، رازق آب و نان به نام خدایی که هست مهربان

با سلام خدمت شما علاقمندان به دین خدا!

امروز می‌خواهیم با کمک هم و به صورت گروهی، ۲۶ مکعب مقوایی در ابعاد ۸ * ۸ سانتی‌متر بسازیم.^۱ برای این کار، مانند شکل زیر مقوا را برش بزنید و خطوط هاشور خورده را چسب بزنید. یادتان باشد یک طرف را چسب نزنید تا یک درب قابلیت باز شدن را داشته باشد.



۱. مکعب‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شود که یک درب آن‌ها قابلیت باز شدن داشته باشد. چون کار در کلاس و به صورت گروهی است باید هر دانش‌آموزی یک یا چند مکعب بسازد.

وقتی کار ساختن مکعب‌ها تمام شد، ۲۶ حرف از حروف الفبای فارسی را با یک شماره، روی کاغذ می‌نویسیم و روی مکعب‌ها می‌چسبانیم؛ اکنون ۲۶ مکعب داریم که روی هر کدام یک حرف از حروف الفبای فارسی نوشته شده است. در مرحله بعد، پشت هر کدام از مکعب‌ها تکه‌ای آهن‌ربای پهن (یخچالی) می‌چسبانیم تا بتوانیم آن‌ها روی تابلوی وایت برد نصب کنیم.^۱ خوب، حالا با چند سؤال به سراغ مکعب‌ها می‌رویم؛

۱. نام پیامبر قوم عاد؟ هود

مکعب‌های شماره ۲۵-۶-۱۷ را روی تابلو نصب می‌کنیم.

۲. قلب قرآن؟ یاسین

مکعب‌های شماره ۲۲-۱۵-۹-۵-۲۱ را روی تابلو نصب می‌کنیم.

۳. سرزمینی که امام حسین علیه السلام در آن به مبارزه علیه ظالمان پرداخت؟ کربلا

مکعب‌های شماره ۲۰-۲۳-۲۶-۱۹-۱۲ را روی تابلو نصب می‌کنیم.

۴. شکاف و رخنه؟ ترک

مکعب‌های شماره ۲۴-۱۴-۱۶ را روی تابلو نصب می‌کنیم.

۵. بیم و هراس؟ ترس

مکعب‌های شماره ۸-۱۱-۲ را روی تابلو نصب می‌کنیم.

۶. خمیدگی کاغذ و پارچه و به معنای مثل و مانند؟ تا

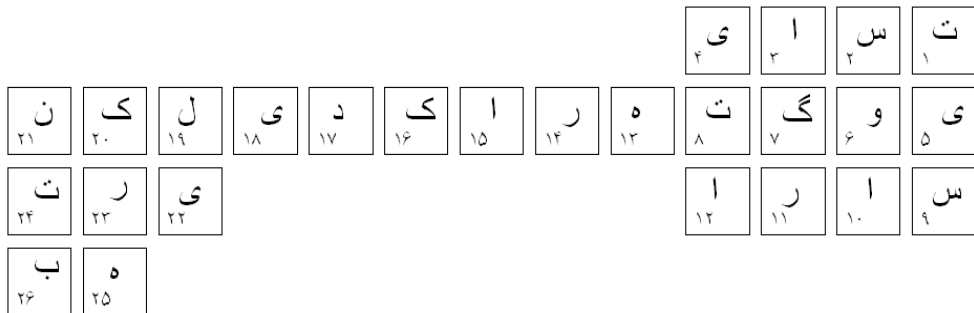
مکعب‌های شماره ۱-۳ را روی تابلو نصب می‌کنیم.

۱. اگر تابلو وایت برد نبود می‌توان مکعب‌ها را روی میز قرار داد. مربی داخل شش مکعب بطور جدا متنی از احادیث و آیه قرآن قرار می‌دهد و روی سه کارت که در مکعب (۱۵-۱۶-۱۷) قرار می‌دهد، سه کلمه کونوا- مع - الصادقین - را می‌نویسد.

۷. مربوط به گیاه؟ گیاهی

مکعب‌های شماره ۸ - ۱۸ - ۱۰ - ۱۳ - ۴ را روی تابلو نصب می‌کنیم.

سؤال‌ها تمام شد؛ حالا این مکعب‌ها نمایانگر چه شکلی شده‌اند؟



آفرین، کلید!

این کلید پیامی هم دارد که با برای بدست آوردن آن باید حروف را از آخر به اول مرتب کنیم.

بله، پیام این است: "بهترین کلید کارها راستگویی است".

این جمله، ترجمه کلامی زیبا از امام سجاد علیه السلام است؛ خَيْرُ مَفَاتِيحِ الْأُمُورِ الصِّدْقُ

دوستان خوبم! یکی از فضیلت‌های اخلاقی که نقش بسزایی در سازندگی انسان دارد، صداقت در گفتار و راستی در رفتار و پندار است. از آن جا که انسان‌ها بر اثر نیازمندی‌های فراوان روحی و جسمی، ناگزیرند به صورت اجتماعی زندگی کنند، آنچه بقای چنین حیاتی را تضمین می‌کند، درستکاری و راستی میان افراد جامعه است.

در اینجا به حکایتی شیرین در باره راستگویی گوش کنید:

در روزی که مشرکین مکه قصد داشتند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را به قتل برسانند، ابوذر - یار صدیق پیامبر - ایشان را در گلیمی پیچیده و بر پشت گرفته بود و از راهی می‌گذشت! مشرکین که ابوذر را می‌شناختند با دیدن او، از وی پرسیدند چه بر پشت خود داری؟

ابوذر گفت: محمد صلی الله علیه و آله را بر پشت گرفته‌ام! یعنی در اینجا هم حاضر نشد دروغ بگوید، زیرا از پیامبر شنیده بود که نجات در راستگویی است و همین‌طور هم شد و او و پیامبر از دست مشرکین نجات پیدا کردند. زیرا مشرکین با خود گفتند این فرد یار وفادار محمد صلی الله علیه و آله است و هرگز او را در معرض خطر قرار نمی‌دهد؛ قطعاً ما را مسخره کرده است که چنین می‌گوید. بنابر این او را رها کردند و به خیال خام خود به جستجوی پیامبر ادامه دادند! به همین خاطر است که نام ابوذر همیشه همراه با راستی و راستگویی می‌آید.^۱

با شنیدن این حکایت به سراغ یک مسابقه می‌رویم و کار را با دو شرکت‌کننده شروع می‌کنیم.^۲

خوب، نفر اول از ۱ تا ۲۳ یک شماره بگوید. بله، شماره ۴

۱. موسی خسروی، پند تاریخ، اسلامیه، تهران، چ ۳۷۲، ج ۱، ص ۲۴۴.
 ۲. در این مسابقه مربی از ۲۳ مکعب استفاده می‌نماید که درشش مورد آن، متن حدیث و آیه قرار دارد و در بقیه مکعب‌ها چیزی نیست، یعنی پوچ است. هر شرکت‌کننده یک شماره از ۱ تا ۲۳ را می‌گوید. هرکدام پوچ بود نمره نمی‌گیرد و اگر حدیث یا آیه بود ۱۰ امتیاز برای او ثبت می‌شود. هر شرکت‌کننده که بیشترین حدیث را بگوید برنده می‌شود.

من داخل مکعب را باز می‌کنم تا ببینم پوچ است یا نه! بله، داخل آن یک متن ۱۰ امتیازی است! از ایشان می‌خواهم متن حدیث و ترجمه آن را که در پشت برگه نوشته شده است برای ما بخواند؛

امام باقر علیه السلام: ^۱

أَلَا فَاصْدُقُوا فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّادِقِ

حالا نفر دوم یک شماره بگوید. بله، شماره ۱۵

امام کاظم علیه السلام: ^۲

مَنْ صَدَقَ لِسَانُهُ زَكِيَ عَمَلُهُ

حالا دوباره نفر اول یک شماره بگوید. بله، شماره ۵

علی علیه السلام: ^۳

عَاقِبَةُ الصَّادِقِ نَجَاهٌ وَ سَلَامَةٌ

و حالا نفر دوم یک شماره دیگر بگوید. بله، شماره ۲۰

علی علیه السلام: ^۴

عَلَيْكَ بِالصَّادِقِ، فَمَنْ صَدَقَ فِي أَقْوَالِهِ جَلَّ

۱. هان راست بگویند که خدا با راستی است.

۲. کسی که زبانش راست بگوید کردارش پاک می‌شود.

۳. فرجام راستگوی نجات و سلامتی است.

۴. بر تو باد به راستگویی زیرا کسی که در گفتارش صادق باشد مقامش بزرگ می‌شود.

نفر اول؛ شماره ۱۴

علی عَلَيْهِ السَّلَام ۱:

أَرْبَعٌ مَنْ أُعْطِيَهُنَّ فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، صِدْقُ حَدِيثٍ وَآدَاءُ
أَمَانَةٍ وَعِفَّةُ بَطْنٍ وَحُسْنُ خَلْقٍ

نفر دوم؛ شماره ۲

قرآن کریم: ۲

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ، لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا
عَنْهُ، ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

با تشکر از دو شرکت کننده عزیز، جایزه‌ای به نفر برنده اهدا می‌کنیم.
تا اینجا با جایگاه راستگویی در احادیث و قرآن آشنا شدیم و حالا برای اجرای
قسمت بعدی برنامه به شعری از ابوالقاسم فردوسی توجه کنید؛

همه راستی کن که از راستی	نیاید بکار اندرون کاستی
چو با راستی باشی و مردی	نبینی جز از خوبی و خرمی
رخ مرد را تیره دارد دروغ	بلندیش هرگز نگیرد فروغ

۱. چهارچیز است که به هر کس بخشیده شده باشد به تحقیق خیر دنیا و آخرت به او بخشیده شده است.
راستگویی، ادای امانت، نگهداری شکم، خوش اخلاقی.

۲. امروز روزی است که راستی راستگویان به آن‌ها سود می‌بخشد، برای آن‌ها باغ‌هایی (از بهشت) است که
آب از زیر (درختان) آن جریان دارد و جاودانه و برای همیشه در آن می‌مانند، خداوند از آن‌ها خشنود و آن‌ها
از خداوند خشنود خواهند بود و این رستگاری بزرگی است.

اکنون به سراغ کلید مکعب‌ها می‌رویم و من از سه مکعب (۱۵ - ۱۶ - ۱۷) سه کارت را بیرون می‌آورم و به‌طور نامرتب روی تابلو قرار می‌دهم و از شما می‌خواهم که با توجه به ترجمه این کلمات که مربوط به آیه‌ای از قرآن است، آن‌ها را مرتب کنید؛^۱

الصادقین

کنونا

مع

آفرین بر شما! آیه مورد نظر این است:

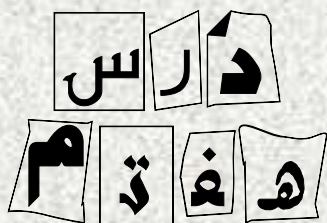
کنونا مع الصادقین

و البته این آیه به‌طور کامل چنین است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ. (توبه/۱۹)

یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوا پیشه کنید و همراه با راستگویان باشید.
درس امروز را با یک دعا به پایان می‌بریم:
خدایا! ما را از راستگویان قرار بده.
آمین، یا رب العالمین.

۱. مربی با کمک آهن ربای یخچالی مکعب‌ها را روی تخته وایت برد بچسباند.



هیزم و آتش

(بر اساس حدیثی از امام محمد باقر علیه السلام)

نام درس: هیزم و آتش (امام محمد باقر علیه السلام)

موضوع: حسد

هدف کلی: تبیین موضوع حسد و آثار زیانبار آن

اهداف جزئی:

در این درس دانش‌آموزان با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. آشنایی با معنا و مفهوم حسد
۲. آگاهی از تفاوت میان حسد و غبطه
۳. نشانه‌های فرد حسود و آثار حسادت
۴. آشنایی با آیات و روایات مرتبط با موضوع
۵. بهره‌گیری از کاردستی "هیزم و آتش" برای درک بهتر موضوع درس (حسد)

اهداف رفتاری:

امید می‌رود در پایان درس دانش‌آموزان به زشتی و آثار زیانبار حسد آگاهی کامل پیدا کنند و اگر نشانه‌هایی از حسد را در رفتار خود می‌بینند، در صدد رها کردن خود از این صفت ناپسند برآیند.

روش مناسب تدریس:

توضیحی فعال (پرسش و پاسخ، جدول، کارت)

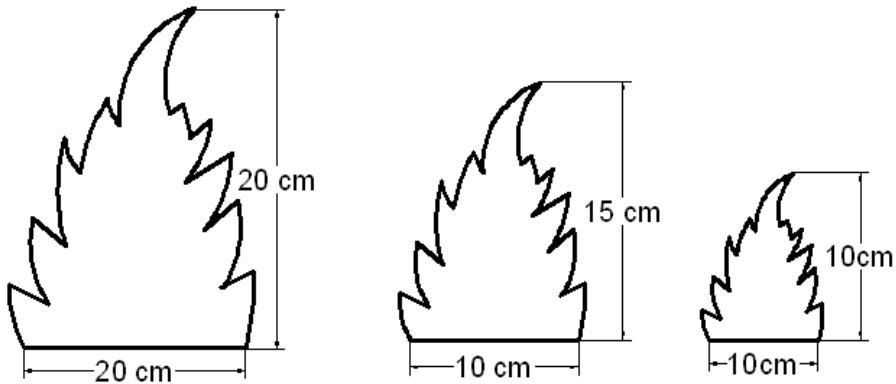
رسانه آموزشی: کاردستی

گروه: نوجوانان

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد

با سلام به شما دوستان خوب! سلامی به گرمی یاد یاران خدمت شما دوستان سر زنده و با آرزوی سلامتی و موفقیت برای شما عزیزان
من برای درس امروز، یک کاردستی در نظر گرفته‌ام که با ذکر یک صلوات ساختن آن را شروع می‌کنم؛
برای ساختن این کاردستی، ابتدا مطابق شکل زیر سه شعله آتش با مقواهایی به رنگ‌های قرمز و زرد و صورتی و در اندازه‌های ۲۰، ۱۵ و ۱۰ سانتیمتری درست می‌کنیم.

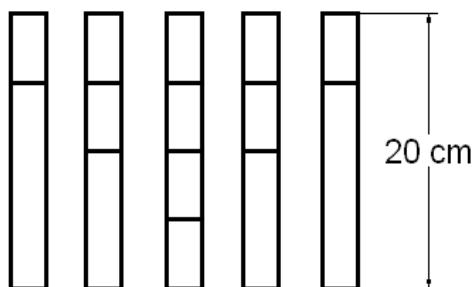


سپس پنج قطعه چوب یا مقوای ضخیم قهوه‌ای به اندازه ۲۰ سانتیمتر آماده می‌کنیم و مانند شکل زیر شیارهایی روی آنها ایجاد می‌کنیم تا شعله‌ها را در آن قرار دهیم.

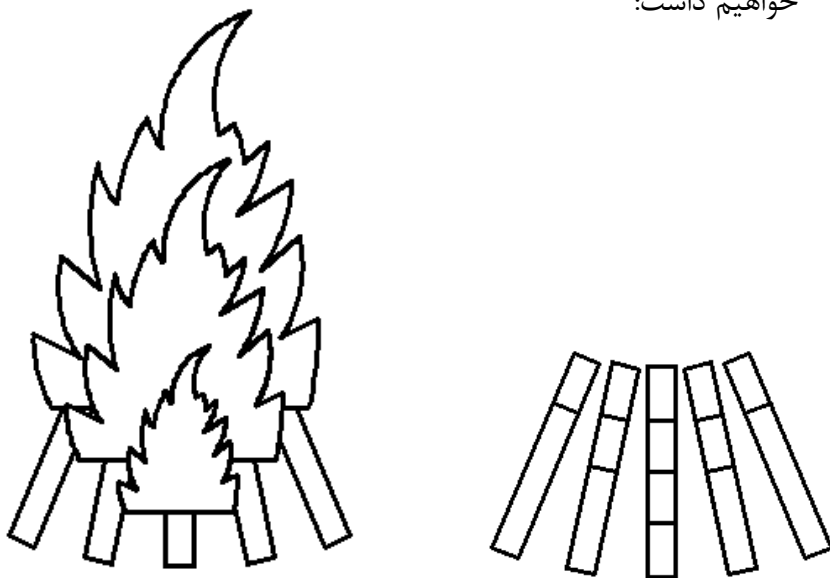
۱. محل نصب شعله ۲۰ cm

۲. محل نصب شعله ۱۵ cm

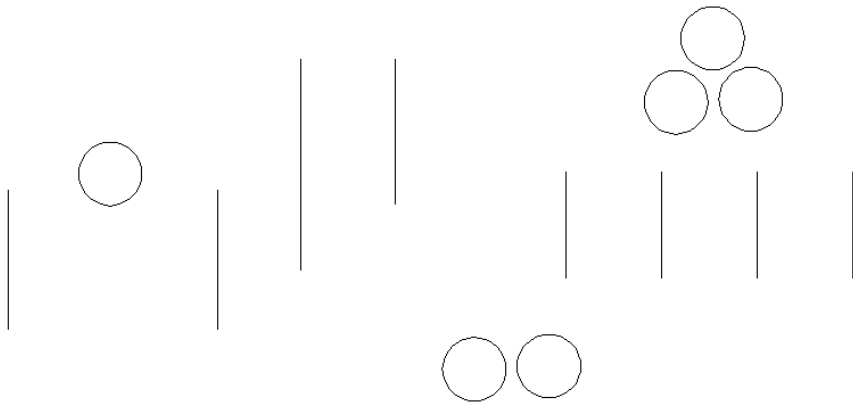
۳. محل نصب شعله ۱۰ cm.



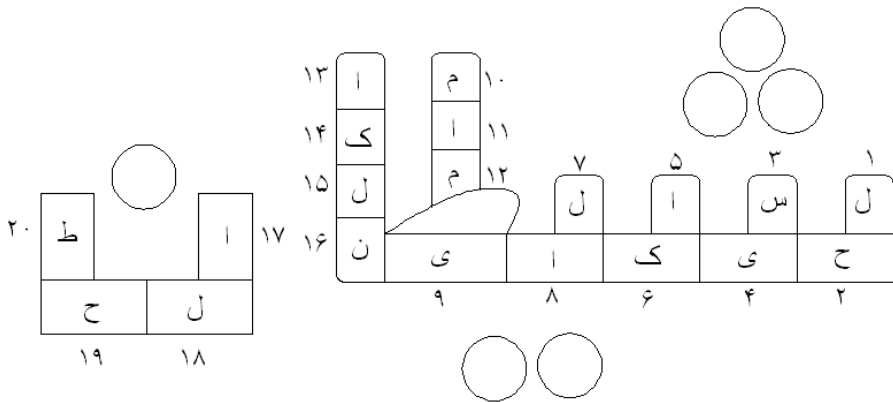
با قرار دادن متصل کردن قطعاتی که آماده کرده‌ایم، شعله آتشی به شکل زیر خواهیم داشت:



خوب، حالا که کار ساختن شعله آتش تمام شد، به خطوطی که روی تخته می‌کشیم توجه کنید و حدس بزنید این کلمه چیست؟



آفرین! حدس‌تان درست است؛ این کلمه، "شیطان" است که حالا آن را کامل می‌کنم.



با استفاده از حروفی که در این شکل می‌بینید، جمله زیر را کامل کنید تا به حدیثی در باره یکی از صفات زشت و شیطانی آشنا شوید؛
ان... دل... ل... ن... ک... ات... ل... را... ب

توجه داشته باشید که هر نقطه نمایانگر یک حرف است و شما می‌توانید ۲۰ حرف داخل شکل را به ترتیب به جای هر نقطه قرار دهید؛
 بله، این حدیث که با کمک شما کامل شد، این است:

❁ إن الحسد لياكل الايمان كما تأكل النار الحطب^۱

خوب، حتماً الآن دیگر متوجه شده‌اید که شعله آتشی که ساختیم چه ارتباطی با موضوع درس‌مان که حسد است دارد.

امام باقر علیه السلام این صفت شیطانی را به آتش تشبیه می‌کند و می‌فرماید همان‌طور که آتش چوب را می‌سوزاند و از بین می‌برد، حسد هم ایمان انسان را می‌سوزاند و از بین می‌برد.

شاعر هم این حدیث را چنین به شعر درآورده است:

ای دوست چرا شاد کنی شیطان را

در خانه دل راه دهی عصیان را

آتش بخورد چنان که هیزم را نیز

نابود کند حسادت ایمان را^۲

خوب، حالا می‌خواهم داستانی از قرآن کریم برایتان بگویم که در سوره پنجم قرآن آمده و نشان می‌دهد که حسادت چقدر می‌تواند خطرناک و نابودکننده باشد. همان‌طور که می‌دانید سوره پنجم قرآن مائده نام دارد و الان یکی از دوستان مان آیات ۲۶ تا ۳۱ ای سوره مبارکه را برای ما تلاوت می‌کند و دوست دیگری هم ترجمه این آیات را می‌خواند؛

خوب، شنیدید که قابیل به دلیل حسادت نسبت به برادرش، حتی دست خود را به خون او آلوده کرد و اولین قاتل تاریخ لقب گرفت!

حالا چه کسی می‌تواند بگوید که ابلیس به چه کسی حسادت کرد؟ آفرین، به آدم! و فرزندان یعقوب به چه کسی حسادت کردند؟ آفرین، به یوسف!

۱. اصول کافی، جلد ۲، ص ۴۱۶.

۲. چهل حدیث از امام باقر علیه السلام حکمت بیکران، آستان قدس رضوی، ۱۳۹۰، ص ۶.

اما دوستان خوب! حتماً شما هم می‌دانید که همان قدر که حسادت بد و ناپسند است، صفت دیگری وجود دارد که می‌تواند خیلی خوب باشد. من سه حرف از این صفت را می‌نویسم و شما باید فقط حرف اول آن را حدس بزنید؛

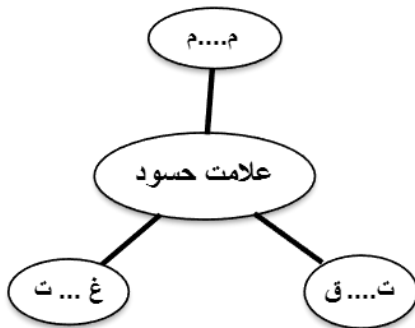
بطله

آفرین بر شما! خوب، حالا چه کسی می‌داند غبطه یعنی چه؟ مفهوم غبطه تا حدودی نزدیک به مفهوم حسد است، با این تفاوتِ مهم که وقتی نسبت به کسی غبطه می‌خوریم، فقط به این فکر می‌کنیم که ای کاش صفت پسندیده و یا نعمت خوبی که او دارد ما هم می‌داشتیم. اما وقتی نسبت به کسی حسادت می‌ورزیم، آرزو می‌کنیم که نعمتی که به او داده شده است از بین برود! حالا به من کمک کنید تا چند ضرب‌المثل درباره حسد را روی تخته بنویسم؛ بله، آفرین!

«حسود هرگز نیاسود».

«اگر حسود نباشد دنیا گلستان می‌شود».

«نیکی به بندگان مایه خواری حسود است».



اما برای شخص حسود چند علامت وجود دارد که عبارتند از:

- شخص حسود معمولاً اول مظلوم نمایی می‌کند و بعد حسادت خود را ظاهر می‌سازد.
- شخص حسود در مقابل کسی که نسبت به او حسادت می‌ورزد، به تعریف کردن و چاپلوسی رو می‌آورد.
- شخص حسود در غیاب کسی که نسبت به او حسادت می‌ورزد، به غیبت رو می‌آورد.

بعد از آشنایی با نشانه‌های شخص حسود، اینک به سراغ اثرات حسد می‌رویم.^۱

اثرات حسد

اولین اثر حسادت، تلف کردن مال دیگران است؛

تلف

اثرات حسد

اثر بعدی، از بین رفتن نعمت‌ها و خیراتی است که برای شخص حسود مقدر شده بوده است.

نعمت

تلف

اثر بعدی، لاغری جسم و اختلال حواس شخص حسود است.

لاغری

نعمت

اثر بعدی، در برخی موارد دق کردن شخص حسود است.

دق

اختلال

اختلال

لاغری

و دست آخر، گاهی حسادت آنچنان شخص حسود را تحت تأثیر قرار می‌دهد که دست خود را به خون شخص محسود آلوده می‌کند!

کشتن

دق

۱. مربی در این قسمت برنامه کارت «اثرات حسد» را اجرا می‌کند و کارت‌های مربوطه را یکی‌یکی به دانش‌آموزان نشان می‌دهد.

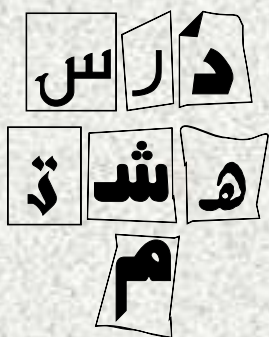
به دلیل همین آثار سوء و خطرناک است که در یکی از سوره‌های قرآن از شر حسود به خدا پناه می‌بریم. آیا نام آن سوره را می‌دانید؟ بله، سوره "فلق" به معنای "صبح روشن". آیا کسی می‌تواند این سوره را از حفظ بخواند؟

بسیار خوب!

در پایان ما هم از خدا می‌خواهیم که خصلت زشت حسادت را از ما دور ساخته و ما را از شر حسودان حفظ فرماید.

آمین یا رب العالمین.





کشتی

(براساس حدیثی از امام صادق علیه السلام)

نام درس: کِشتی (امام صادق علیه السلام)

موضوع: توکل

هدف کلی: آشنایی با مفهوم توکل و آگاهی نسبت به اهمیت آن در زندگی

اهداف جزئی:

در این درس دانش آموزان با موارد زیر آشنا می شوند:

۱. تبیین این نکته که فقط به خدای بزرگ می توان توکل کرد

۲. آشنایی با درجات توکل

۳. آشنایی با آیات و روایات مرتبط با موضوع

۴. بهره گیری از کاردستی "کِشتی" برای درک بهتر موضوع درس (توکل)

اهداف رفتاری:

امید می رود در پایان این درس دانش آموزان خدای بزرگ را تنها یار و پشتیبان خود بدانند و همواره بر او توکل کنند.

روش مناسب تدریس:

توضیحی فعال (پرسش و پاسخ، جدول، کارت، تصاویر)

رسانه آموزشی: کاردستی

گروه: نوجوانان

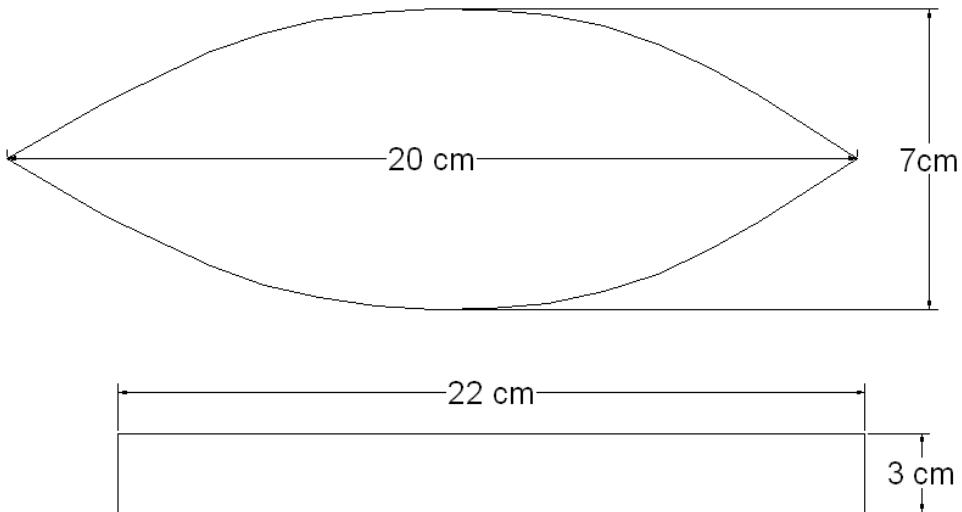
بسم الله الرحمن الرحيم

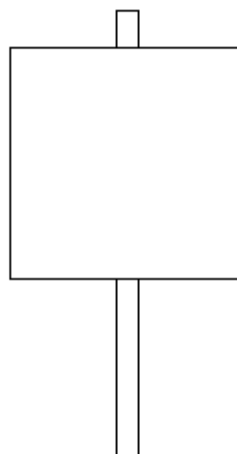
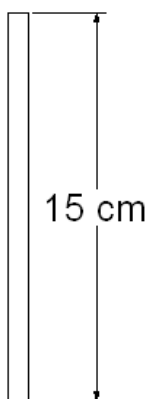
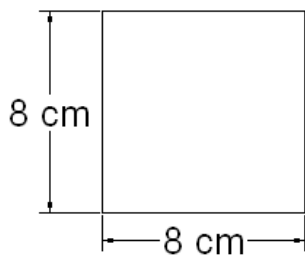
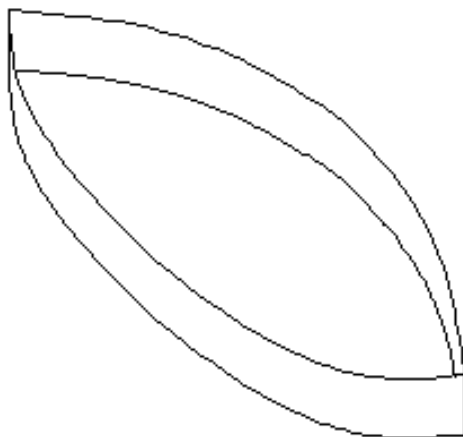
به نام خداوند جان و جهان خداوند بخشنده مهربان

برنامه امروز را با تلاوت آیه ۱۶۴ سوره مبارکه بقره شروع می کنیم. لطفاً به این آیه که من آن را روی یک کاغذ A4 هم نوشته ام و الآن روی تابلو نصب می کنم، خوب توجه کنید:

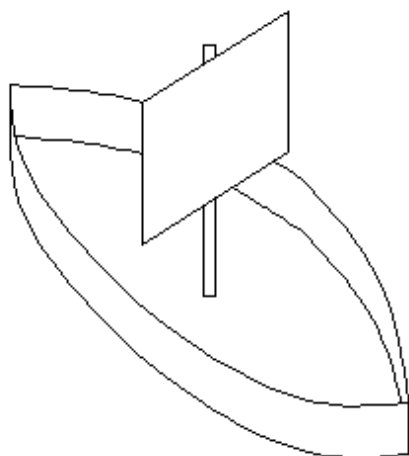
«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ».

حالا به سراغ ساختن کاردستی می رویم که در آیه آده است و آن ساخت یک کشتی است. برای این کار قطعاتی را مطابق با شکل های زیر آماده می کنیم؛





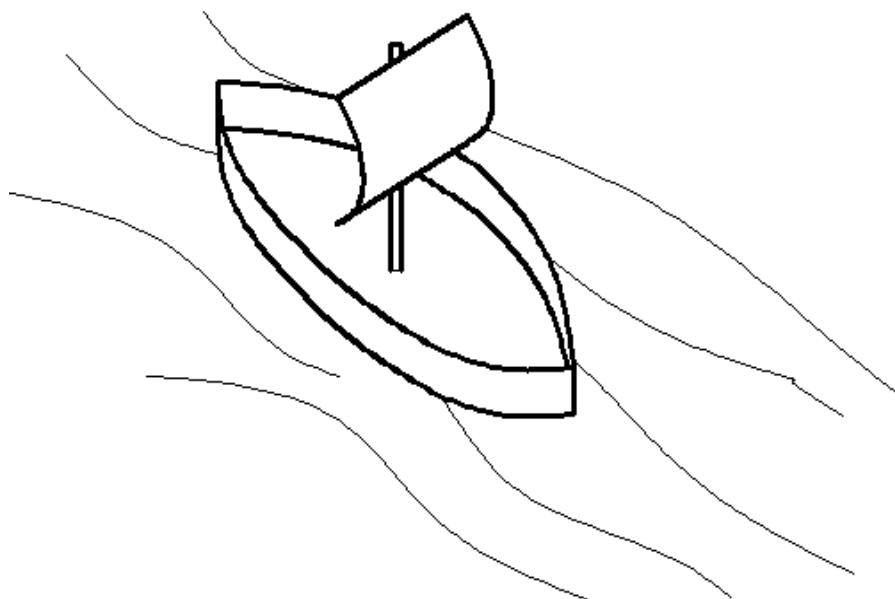
با توجه به شکل زیر، قطعات را به هم می‌چسبانیم تا کار ساختن کشتی تمام شود؛



حالا بار دیگر به آیه توجه کنید و بگویید در آن، کدام کلمه به معنای کِشتی است؟ بله، الفلک.

کدام کلمه به معنای دریا است؟ البحر

کدام کلمه به معنای بادهاست؟ الريح.



حتماً شما هم می‌دانید که در زمان‌های گذشته، کشتی‌ها برای حرکت از نیروی باد کمک می‌گرفتند.^۱

و حالا آیه را ترجمه می‌کنم تا با برخی از نشانه‌ها و آیات خداوند بزرگ آشنا شویم.^۲

دوستان خوبم! امام صادق علیه السلام در یک زمینه سخن زیبایی دارد که در ضمن یک حدیث طولانی، آن را بیان می‌فرماید. امام به نقل از لقمان حکیم، دنیا را به دریایی عمیق و تقوا را به کشتی و توکل را به بادبان کشتی تشبیه کرده است.^۳ بنابراین همان‌طور که بادبان، عامل مهمی برای حرکت کشتی در دریا است، توکل هم عامل مهمی در حرکت انسان به سوی سعادت و نیکبختی در دریای متلاطم زندگی است.

خوب، چه کسی می‌تواند توکل را برای ما معنی کند؟ بله، توکل به معنای اعتماد انسان بر خداوند است، به طوریکه فقط از او کمک بخواهند و مطمئن باشد که خدا او را تنها نخواهد گذاشت.

به این داستان گوش کنید: روزی ملک‌الموت یعنی حضرت عزرائیل به نزد حضرت موسی علیه السلام آمد. حضرت موسی علیه السلام به عزرائیل گفت: برای دیدار من آمده‌ای یا می‌خواهی جانم را بگیری؟! عزرائیل گفت: برای قبض روح تو آمده‌ام! موسی علیه السلام مهلتي خواست تا مادر و خانواده خود را ببیند و با آن‌ها وداع کند اما ملک‌الموت گفت که اجازه این کار را ندارد. موسی گفت: لااقل مهلت بده تا سجده‌ای بکنم. او را مهلت داد و موسی به سجده رفت و در همان حال از خدا

۱. مربی در حین صحبت تصویر را روی تابلو ترسیم نماید.

۲. مربی با آمادگی قبلی، آیه را ترجمه کند.

۳. محمد صالح بن احمد مازندرانی، شرح اصول کافی ج ۱ ص ۱۶.

مربی در حین توضیح کلمات دنیا، تقوا، توکل، را به صورت پراکنده نوشته تا دانش آموزان حدس بزنند. می‌توان توضیح درباره تشبیه داد.

خواست که ملک‌الموت را امر کند تا به او مهلت دهد تا با خانواده‌اش وداع کند. خداوند به عزرائیل امر کرد قبض روح موسی علیه السلام را تأخیر اندازد تا خانواده اش را ببیند. موسی علیه السلام ابتدا به نزد مادر خویش رفت و گفت: مادر جان! مرا حلال کن که سفری در پیش دارم. پرسید چه سفری؟! جواب داد: سفر آخرت! مادر موسی گریست و با وی وداع کرد. موسی سپس به نزد خانواده خود رفت و با آنها نیز وداع کرد. فرزند کوچک موسی که بسیار مورد علاقه‌اش بود، گوشه پیراهن حضرت را گرفت و شروع به گریه کرد. حضرت موسی علیه السلام نیز نتوانست جلوی خود را بگیرد و او نیز گریست. خطاب رسید ای موسی! اکنون که به نزد ما می‌آیی چرا این قدر گریه می‌کنی؟ عرض کرد: پروردگارا! ب خاطر برزندانه گریه می‌کنم، زیرا آنها را بسیار دوست دارم. پروردگار فرمود: عصای خود را به دریا بزن. حضرت موسی علیه السلام عصا را به دریا زد و دریا شکافته شد و سنگ سفیدی نمایان گشت. حضرت کرم ضعیفی را در دل سنگ مشاهده کرد که برگ سبزی بر دهان داشت و مشغول خوردن بود. خداوند خطاب به موسی فرمود: ای بنده من! من در میان این دریا و دل سنگ، کرمی به این ضعیفی را فراموش نمی‌کنم. آیا اطفال تو را فراموش می‌کنم؟! آسوده خاطر باش که من حافظ آنها هستم. آنگاه موسی علیه السلام به ملک‌الموت گفت: اینک مأموریت خود را انجام ده.^۱

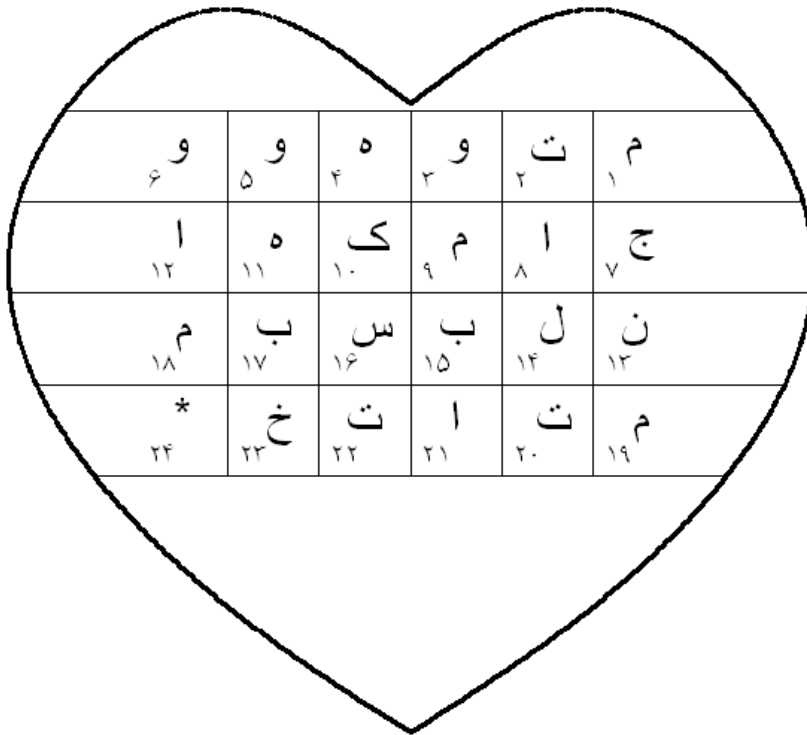
صفت توکل به قدری مهم است که در آیات متعدد قرآن به آن اشاره شده است، مانند: «من یتوکل علی الله»^۲، «علی الله توکلنا»، «توکل علی الله» و «علی الله توکلت»^۳.

حالا نوبت حل جدولی است که برای این جلسه آماده کرده‌ام؛

۱. موسی خسروی، پند تاریخ، اسلامیه، تهران، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۸۱.

۲. سوره طلاق/ ۳.

۳. آل عمران/ ۱۲۲، مائده/ ۱۱، توبه/ ۵۱، ابراهیم/ ۱۱، مجادله/ ۱۰.



۱. یکی از سوره‌های قرآن که نام حیوانی پر تلاش است؟ نمل (۱۳-۹-۱۴)
۲. ضد دشمن است و هر چه بیش‌تر، بهتر؟! دوست (۴-۵-۱۶-۲۰)^۱
۳. مقام و منزلت؟ جاه (۷-۱۲-۱۱)
۴. از شهرهای استان کرمان که چند سال قبل زلزله شدیدی آن را لرزاند و خرمای آن معروف است؟ بم (۱۵-۱۸)
۵. نخستین تولیدکننده نیشکر جهان که هاوانا پایتخت آن است؟ کوبا (۱۰-۶-۱۷-۲۱)
۶. کوچک‌ترین جزء یک عنصر؟ اتم (۸-۲-۱)
۷. انتها و آخر چیزی؟ ته (۲۲-۱۹)

۱. مربی توضیح کوتاهی در خصوص مذمت رفیق بازی افراطی بدهد و تفاوت آن را با یافتن دوست توضیح دهد.

۸. کلمه‌ای دو حرفی به معنای عادت و خصلت؟ خو (۲۳-۳)

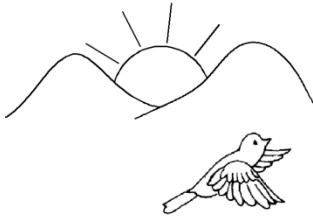
با کامل شدن جدول، نوبت به یافتن رمز آن می‌رسد. شماره رمز^۱ این جدول عدد ۴ است، یعنی حرف اول را کنار می‌گذاریم و بعد ۴ خانه می‌شماریم و حرف آن را یادداشت می‌کنیم و شمارش را ادامه می‌دهیم و حروف را در کنار هم می‌نویسیم تا به پیام جدول برسیم. ضمناً باید توجه داشته باشیم که وقتی به خانه ستاره‌دار رسیدیم، آن را شمارش نمی‌کنیم.

خوب، پیام جدول را با هم بخوانید تا آن را در زیر جدول در میان قلب بنویسیم.^۲

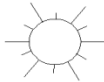
"مؤمن با توکل متوجه به خدا است"

حالا بگویید مؤمن از چه راه و طریقی متوجه خداست؟^۳ بله، از راه قلب و دل خود، و این مطلب را امام سجاد^۴ علی‌ه‌السلام در کتاب صحیفه سجادیه فرموده‌اند.

حالا به این سه تصویر نگاه کنید و بگویید از آن‌ها چه می‌فهمید؟ این تصاویر چه ارتباطی به بحث ما دارند؟



۱. پرنده در هنگام صبح و در حال پرواز از لانه



۲. پرنده در طول روز و در حال غذا خوردن



۱. مربی محترم اگر اجرای جدول رمزی مشکل است می‌توانی پیام جدول را دنبال هم در خانه بنویسی فقط لازم است شماره های خانه‌ها را متناسب با سؤال‌ها عوض کنی.

۲. مربی پیام را در محل نقطه چین داخل قلب می‌نویسد.

۳. مربی کمک دانش آموزان می‌نماید و به قلب روی تخته اشاره نماید.

۴. صحیفه سجادیه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، ص ۱۹۸، دعای ۲۹.

۳. پرنده در هنگام غروب و در حال بازگشت به لانه



بله، پاسخهای خوبی دادید و من آنها را کامل می‌کنم.

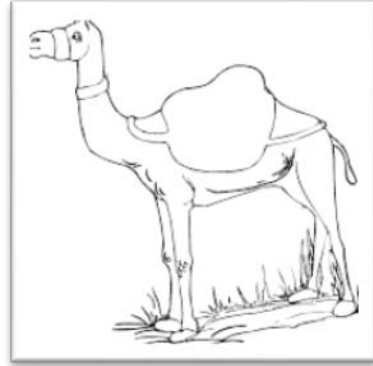
دوستان خوبم! از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که اگر به خداوند چنان که حق توکل اوست توکل کنید، روزی شما را مانند روزی پرندگان می‌رساند که صبحگاه از آشیانه گرسنه بیرون می‌آیند و شامگاه سیر باز می‌گردند.^۱ با توجه به مطالبی که گفته شد شاید یک سؤال برای شما پیش بیاید؛ اگر قرار است در همه کارها به خدا توکل کنیم، پس تکلیف اسباب و وسایل مادی که برای رسیدن به اهدافمان لازم هستند چه می‌شود؟! شما چه پاسخی برای این پرسش دارید؟

آفرین! "معنی توکل چشم پوشیدن از اسباب و وسایل مادی نیست، بلکه به معنای اعتماد نداشتن به آنها است."^۲

به این دو تصویر نگاه کنید؟
یک تصویر مربوط به شتری است پایش بسته است و یک تصویر مربوط به شتری است که پایش باز است.

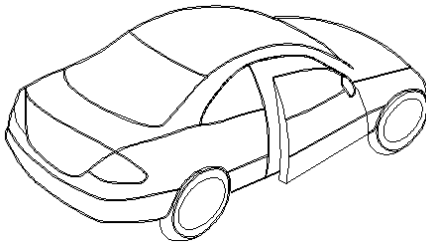
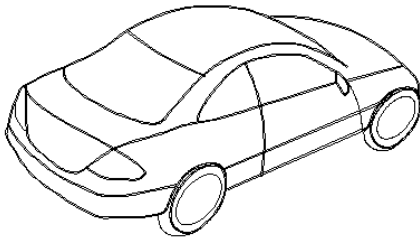
۱. محمد بن محمد غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۵، ص ۱۱۶، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۲.

۲. صحیفه سجادیه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، ص ۱۹۸، دعای ۲۹.



به نظر شما اگر قصدمان این باشد که شتر محل خود را ترک نکند، کدام تصویر با مفهوم توکل سازگار است؟ پای شتر باز باشد یا پای او بسته و توکل کنیم؟!

درب ماشین را قفل کنیم و توکل کنیم؟



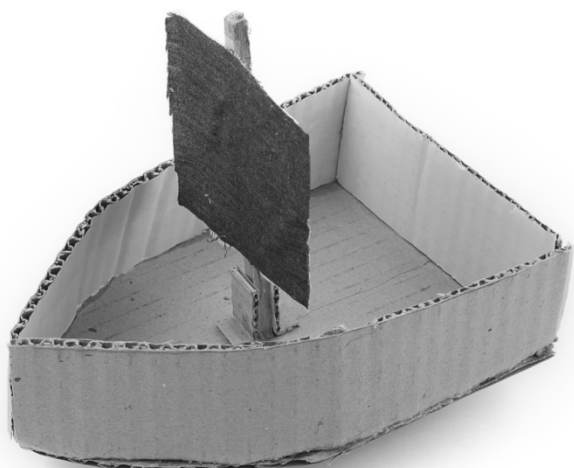
یا در ماشین باز باشد و توکل کنیم؟

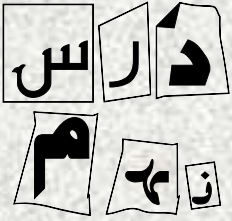
تصاویر شترها در واقع مربوط به داستانی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است که در آن، هنگامی که یکی از یاران ایشان پای شتر خود را نبسته بود و آن را بدون محافظ رها ساخته بود و این کار را نشانه توکل بر خدا می دانست به او فرمود: «اعقلها و توکل». یعنی پای شتر را ببند و سپس توکل کن. شاعری هم همین داستان را ای چنین در شعر خود آورده است:

گفت پیغمبر با آواز بلند با توکل زانوی اشتر ببند^۱

خدایا! ما را به مقام توکل به خودت نایل بگردان.
آمین، یا رب العالمین.

۱. مثنوی معنوی دفتر اول.





ترازو

(براساس حدیثی از امام موسی کاظم علیه السلام)

نام درس: ترازو (امام موسی کاظم علیه السلام)

موضوع: آزمایش‌های الهی

هدف کلی: تبیین اهمیت و ضرورت آزمایش‌های الهی

اهداف جزئی:

در این درس دانش‌آموزان با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. آگاهی از نقش آزمایش و امتحان الهی در زندگی انسان مؤمن
۲. آشنایی با داستان حضرت ایوب علیه السلام و آزمایش‌های سختی که متحمل شده است

۳. آشنایی با آیات و روایات و برخی احکام مرتبط با موضوع
۴. بهره‌گیری از کاردستی "ترازو" برای درک بهتر موضوع درس (آزمایش‌های الهی)

اهداف رفتاری:

امید می‌رود در پایان این درس دانش‌آموزان با موضوع امتحانات الهی به خوبی آشنا شده و خود را برای موفقیت در این آزمایش‌ها آماده کنند.

روش مناسب تدریس:

توضیحی فعال (پرسش و پاسخ، جدول، کارت)

رسانه آموزشی: کاردستی

گروه: نوجوانان

بسم الله الرحمن الرحيم

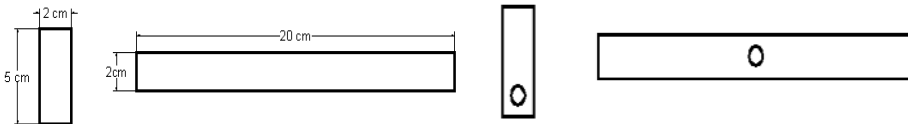
می‌گشایم زبان به نام خدا که ز نامش جهان شده برپا

سلام به شما دوستان خوب! با آرزوی سلامتی برای شما درس امروز را شروع می‌کنیم؛

ابتدا چند شماره و خط روی تابلو می‌نویسیم:

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

و حالا می‌خواهیم با هم یک ترازوی ساده درست کنیم. برای این کار دو قطعه تخته در اندازه‌های ۲۰ cm و ۵ cm آماده می‌کنیم و مانند شکل زیر در آن‌ها سوراخی ایجاد می‌کنیم تا بتوانیم آن دو را به کمک پیچ و مهره به هم وصل کنیم.

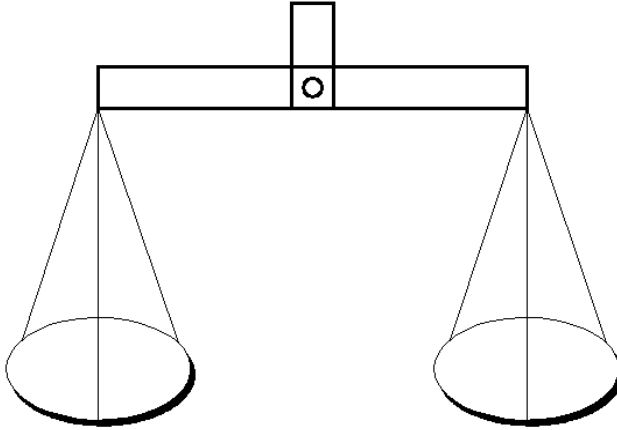


توجه داشته باشید که پیچ تا جایی محکم می‌کنیم که چوب ۲۰ cm بتواند از سمت راست و چپ حرکت کند.

برای ساختن کفه‌های ترازو، از دو ظرف پلاستیکی (مانند در سطل ماست) استفاده می‌کنیم و در لبه‌های آن‌ها سه سوراخ ایجاد می‌کنیم.



سپس به هر یک از سوراخ‌ها یک رشته نخ ضخیم به طول ۳۰ cm گره می‌زنیم و هر کفه را از سر دیگر سه رشته نخ که کفه‌ها گره زده‌ایم، به دو سر چوب ۲۰ cm وصل می‌کنیم.



بسیار خوب، ترازوی ما درست شد و اینک تعدادی سکه در هر یک از کفه‌ها می‌ریزم^۱ و از شما یک سؤال می‌پرسم؛ در هنگام خرید جنسی که باید وزن شود، فروشنده باید آن را چگونه وزن کند؟

آفرین، جواب‌های خوبی دادید؛ فروشنده باید کمی کفه ترازو را سنگین بگیرد تا کم‌ترین حقی از خریدار ضایع نشود. اما از ما به عنوان خریدار چه توقعی می‌رود؟! ما هم باید جنس‌مان را مقداری سبک‌تر بخواهیم و این از آداب نیکوی تجارت

۱. مربی از قبل تعداد پانزده سکه آماده نماید درحالی که روی هر سکه به کمک کاغذ ۱۵ کلمه چسبانده شده - سکه‌ها بطور نامرتب در کفه ترازو را ریخته شود.



است که فروشنده هنگام توزین کالا، رعایت حال خریدار را نموده، کفه او را مقداری سنگین بگیرد و خریدار نیز مقداری از حق خود کمتر بگیرد.^۱ اکنون لطفاً دو نفر به من کمک کنند تا کار خط‌هایی که ابتدای جلسه روی تابلو کشیدم تمام کنیم؛ یک نفر سکه‌ها را یکی‌یکی بردارد و کلمه و شماره روی آن را بخواند و نفر دوم هر کلمه در جای خود بنویسد. همان‌طور که می‌بینید با کمک این دوستان یک جمله ساخته شد:

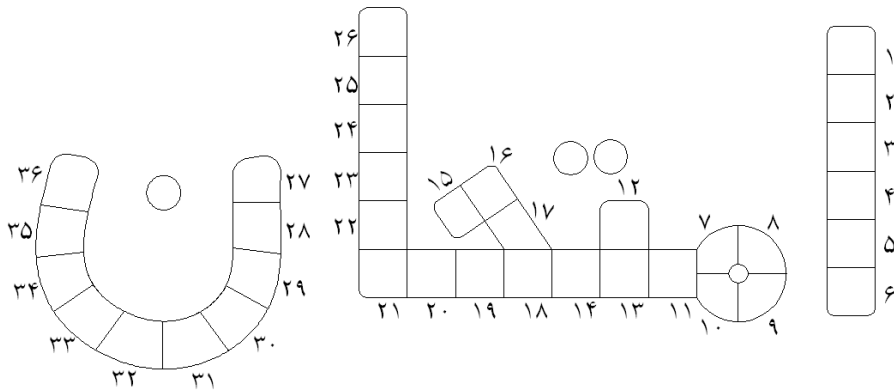
مؤمن	همانند	دو	کفه	ترازو	است	هر	چه	به	ایمانش	افزوده	شود	بلايش	بيشتر	می‌شود
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

این جمله، سخنی از ستاره هفتم آسمان امامت و ولایت، امام موسی کاظم علیه السلام است.^۲

امام موسی کاظم علیه السلام در این سخن گهربار، با تشبیه مؤمن به ترازو می‌فرماید همان‌طور که هر چه بار بیشتری در یک کفه ترازو قرار دهیم، باید سنگ ترازوی بیشتری در کفه دیگر بگذاریم، انسان مؤمن هم هر قدر که ایمانش بیش‌تر شود، بلايش بیش‌تر می‌شود. این سخن امام به یک سنت الهی اشاره دارد که اینک آن را به صورت یک جدول روی تابلو می‌نویسم و با کمک شما خانه‌های آن را پر می‌کنم:

۱. جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۴۵۳.

۲. تحف العقول، ترجمه حسن زاده، ص ۷۴۵. المؤمنُ مَثَلُ كَفَّتِي الميزانِ كُلِّما زِيدَ في ايمانه زِيدَ في بلايه.



۱- از زنان بهشتی و نام یکی از سوره‌های قرآن؟ مریم (۱۸-۹-۲-۳۱)

۲- به معنای سپاس است و موجب افزایش نعمت می‌شود؟ شکر
(۱۷-۱۵-۲۸)

۳- ظن؟ گمان (۷-۶-۵-۴)

۴- سنگی که هنگام ورود به جو زمین و سوختن سریع نورانی می‌شود؟
شهاب (۳۳-۲۹-۲۳-۲۰)

۵- از سیگار بلند می‌شود و برای همه مضر است؟ دود (۱۴-۳۴-۲۷)

۶- خواهر مادر؟ خاله (۱۱-۲۴-۱-۲۵)

۷- پژواک و رفت و برگشت صدا؟ اکو (۲۶-۸-۳)

۸- پرنده خبررسان حضرت سلیمان علیه السلام؟ هدهد (۳۶-۱۶-۱۰-۲۱)

۹- پسر حضرت زکریا علیه السلام که همچون امام حسین علیه السلام سر از بدنش جدا
شد؟ یحیا (۱۲-۳۵-۲۲-۳۲)

خوب، همه خانه‌های جدول پر شد و با قرار دادن حروف در کنار هم (از شماره
یک تا ۳۶) رمز آن هم به دست می‌آید:

بله، احسنت!

آیا گمان کرده‌اید که شما به حال خود رها می‌شوید؟

این جمله، یک پیام قرآنی است که خداوند در سوره توبه آیه ۱۶ آن را بیان فرموده است: **أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا...**

همان‌گونه که دانش‌آموزان بعد از مدتی مورد امتحان قرار می‌گیرند تا معلوم شود درس‌ها را بخوبی فراگرفته‌اند یا نه، همه انسان‌ها هم با توجه به علوم و آگاهی خود از دستورات دینی، مورد امتحان قرار می‌گیرند و این یک سنت همیشگی و قطعی است.

حالا من نام برخی افراد و اقوام معروف را که شما هم با آزمایش‌ها و امتحانات آنان آشنا هستید می‌گویم و از شما می‌خواهم بگویید هر کدام چگونه امتحان شده‌اند:

✽ حضرت آدم عليه السلام: به نخوردن میوه ممنوعه.

✽ قوم ثمود: به شتر. آیا نام پیامبر این قوم را می‌دانید؟ بله، حضرت صالح عليه السلام

که قرار شد قوم ثمود، شتر صالح را که معجزه الهی بود مورد آزار و اذیت قرار ندهند که در این امتحان شکست خوردند و شتر را کشتند.

✽ اصحاب سبت: به صید ماهی. در زمان حضرت موسی عليه السلام قرار شد بنی-

اسرائیل روز شنبه فقط به عبادت پردازند، ولی بعد از حضرت موسی عليه السلام در زمان پیامبری حضرت داود عليه السلام عده‌ای از این امر تخلف کردند و روز شنبه به ماهیگیری پرداختند و مورد غضب خدا قرار گرفتند.

✽ حضرت ابراهیم عليه السلام: به ذبح فرزند. البته خداوند فقط می‌خواست میزان

فرمانبری حضرت را بیازماید که ابراهیم نیز از این آزمایش سربلند بیرون آمد.

✽ حضرت ایوب عليه السلام: به از بین رفتن اموال و سلامتی‌اش. ایوب بنده بسیار

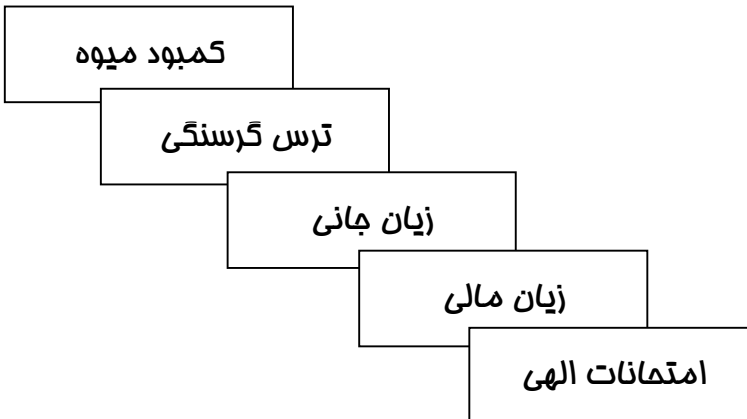
سپاسگذار خدا بود و شیطان آیین شکرگذاری را به دلیل رفاه و ثروت فراوانی که داشت، می‌دانست. خداوند نخست ایوب (ع) را به از دست دادن اموال و آن گاه به مصیبت‌های جسمی و بیماری گوناگون آزمود، ولی

ایوب علیه السلام هم چنان صابر، شکیبا و سپاسگزار ماند. او چهار همسر داشت که سه همسرش او را رها کردند و فقط یکی از آن‌ها به نام «رُحْمه» در نزد او باقی ماند. رنج و بیماری حضرت ایوب علیه السلام هفت سال و هفت ماه به طول انجامید ولی حضرت ایوب علیه السلام با صبر و مقاومت و شکرگذاری روزهای سخت را پشت سر گذاشت و سر به سجده نهاد و عرض کرد: ای خدا! ای آفریننده شب و روز! برهنه به دنیا آمدم و برهنه به سوی تو می‌آیم. پروردگارا! تو به من عطا کردی و تو از من باز پس گرفتی، بنابراین به هرچه تو بخواهی خوشنودم.

تو را خواهیم، نخواهم نعمتت گر امتحان خواهی

در رحمت به رویم بند و درهای بلا بگشا

همان‌طور که دانش‌آموزان در مواد درسی مختلف مورد امتحان قرار می‌گیرند، خداوند هم در قرآن از موارد امتحان سخن می‌گوید؛ به این کارت‌ها^۱ توجه کنید.

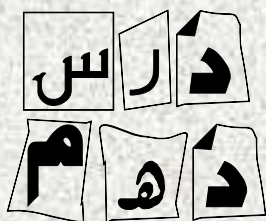


۱. مربی ضمن اجرای برنامه کارت یکی یکی آن‌ها را به نوبت مخاطبین نشان داده و توضیح کوتاهی می‌دهد.

این‌ها ابزار امتحان الهی هستند که در سوره بقره آیه ۱۵۵ به آن‌ها اشاره شده است. در برخی آیات دیگر هم از امتحان به صورت کلی سخن گفته شده است و می‌فرماید: شما به شر و خیر، سختی و گرفتاری امتحان می‌شوید.^۱ خدایا! ما را در امتحان‌ها و آزمایش‌های الهی موفق و سربلند گردان. آمین، یا رب العالمین.

۱. سوره انبیا / ۳۵ - وَتَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً ۖ وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ.

سوره اعراف / ۹۴ - وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالصَّرَآءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ.



قلعه

(براساس حدیثی از امام رضا علیه السلام)

نام درس: قلعه (امام رضا علیه السلام)

موضوع: امامت

هدف کلی: تبیین موضوع امامت و اهمیت آن

اهداف جزئی: در این درس دانش‌آموزان با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. آشنایی با معنا و مفهوم امام و امامت

۲. آگاهی از مصادیق امام حق و امام باطل

۳. آشنایی با آیات و روایات مرتبط با موضوع

۴. بهره‌گیری از کاردستی "قلعه" برای درک بهتر موضوع درس (امامت)

اهداف رفتاری: امید می‌رود در پایان این درس دانش‌آموزان شناخت عمیق‌تری

نسبت به موضوع امامت پیدا کنند و توانایی دفاع صحیح از این اصل مهم را به

دست بیاورند.

روش مناسب تدریس:

توضیحی فعال (پرسش و پاسخ، جدول، کارت)

رسانه آموزشی: کاردستی

گروه: نوجوانان

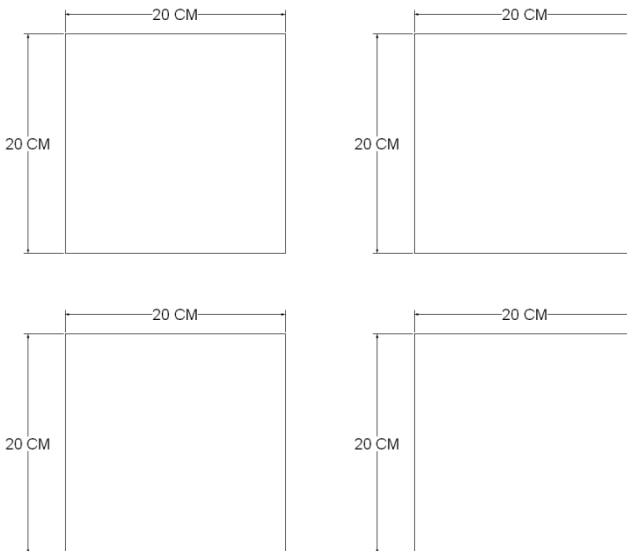
بسم الله الرحمن الرحيم

به نام آن که گل را رنگ و بو داد ز شبنم لاله‌ها را آبرو داد

سلام بر شما گل‌های خندان! فرزندان ایران!

دوستان خوبم! حتماً می‌دانید که در زمان‌های گذشته، مردم برای حفظ شهر و کشورشان قلعه می‌ساختند. حالا ما هم می‌خواهیم در برنامه امروز یک قلعه بسازیم.

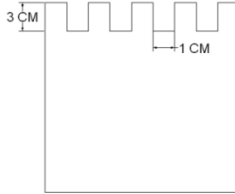
ابتدا چهار قطعه مقوای ضخیم در اندازه $20 * 20$ تهیه می‌کنیم.^۱



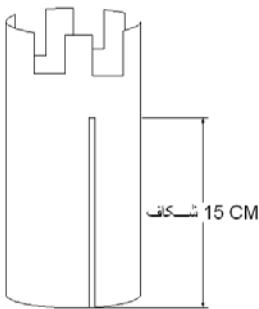
۱. با یک روش ساده‌تر می‌توان به جای چهار مقوای یک مقوا به طول ۸۰ سانتی‌متر و به عرض ۲۰ سانتی‌متر انتخاب نمود و مقوا را پس از ۲۰ سانتی‌متر خم نمود و استوانه‌ها را از بیرون به آن چسباند.



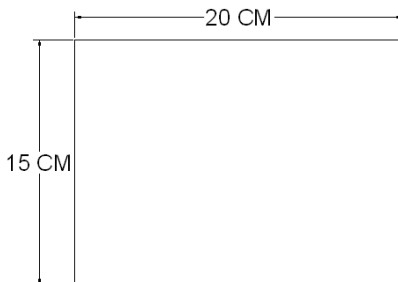
سپس به کمک قیچی در بالای هر قطعه چند شکاف به طول ۳ سانت در ۱ سانت (مانند شکل) ایجاد می‌کنیم.



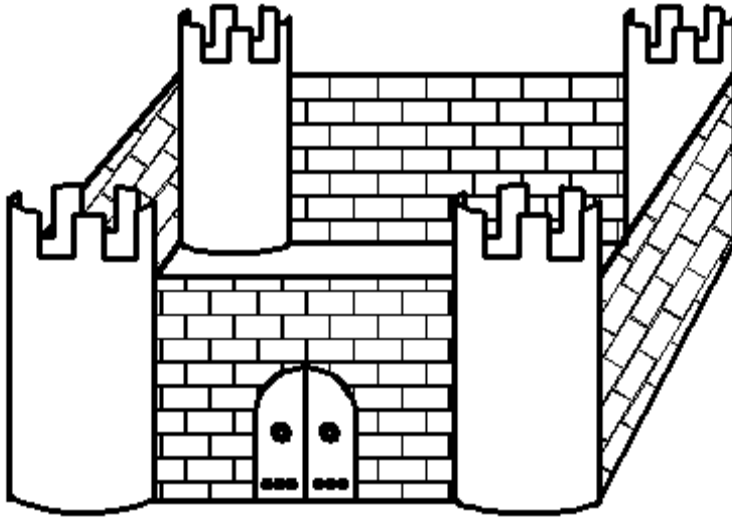
در مرحله بعد، چهار قطعه مقوایی را به شکل استوانه درآورده و لبه‌های آن‌ها را با نوار چسب پهن به هم وصل می‌کنیم. سپس با کمک قیچی مانند شکل زیر در هر استوانه یک شکاف به طول ۱۵ سانتی‌متر ایجاد می‌کنیم.



اکنون چهار قطعه مقوایی دیگر در اندازه ۲۰*۱۵ آماده کرده و هر قطعه را در چهار شکاف ایجاد شده در استوانه‌ها وارد می‌کنیم.



اینک ما یک قلعہ مقوایی زیبا داریم کہ می‌توانیم با نقاشی و رنگ‌آمیزی آن را زیباتر کنیم.



حالا یک جدول قلعہ‌ای ہم داریم کہ با کمک شما پیام آن را پیدا خواهیم کرد؛

کَلِمَةُ فَمَنْ	وارد	دَخَلَ	بود	آن	لا	هر	حصنی
داخل	مِنْ	وَلَا	إِلَهَ	شخصی	دَرِ	حصنی	از
إِلَّا	قَالَهَا	مِنْ	دَرِ	عَذَابِي	مِنْ	الله	این
مِنْ	عَذَاب	از	حصنی	کلمه	وَمَنْ	شود	مِنْ
دَرِ	را	وهر	أَمِنْ	بَشْرُوطَهَا	از	بَشْرُوطَهَا	شخصی
ایمن	باوجود	آنم	است	دَخَلَ	که	خولدد	شرایط

برای این کار ابتدا کلمه خانه اول را می‌نویسم و سپس شش خانه می‌شماریم و کلمه بعدی را یادداشت می‌کنیم. کار شمارش و نوشتن کلمات را آن قدر ادامه می‌دهیم تا به یک حدیث و ترجمه آن برسیم. هر کسی بتواند این حدیث و ترجمه آن را به طور صحیح و کامل بدست آورد، یک جایزه خواهد گرفت.^۱

آفرین! همان‌طور که شما هم بدست آوردید پیام جدول چنین است:

كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي دژ من است، فَمَنْ، هر شخصی، قَالَهَا، این کلمه را بگوید، دَخَلَ، داخل یا وارد حصنی، دژ من شده، وَ مَنْ، و هر شخصی که، دَخَلَ، داخل حصنی، دژ من شود، آمِنَ، ایمن خواهد بود، مِّنْ عَذَابِي، از عذاب من، بِشُرُوطِهَا، با وجود شرایط آن، وَ أَنَا، و من، مِّنْ، از، شُرُوطِهَا، از شرایط آنم.^۲

اما این حدیث حکایتی هم دارد که برای شما نقل می‌کنم؛

در سفری که حضرت امام رضا علیه السلام به جانب خراسان داشت، زمانی که کاروان به نیشابور رسید دو نفر از حافظین احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خدمت امام رفتند و از ایشان خواستند که حدیثی از پدر و اجداد بزرگوار خود برای مردم بیان کنند. حضرت پذیرفت و مرکب خود را نگه داشت و پرده کجاوه را کنار زد. مردم با مشاهده چهره امام بسیار خوشحال شدند و عده‌ای از شدت شوق می‌گریستند. امام از همراهان خود خواست که مردم را ساکت کنند. بعد از آرام شدن مردم، حضرت این حدیث را از پدران خود، به نقل از پیامبر خدا و ایشان از جانب خداوند

۱. مربی به دانش آموزان فرصت دهد تا پیام را بدست آورند.

۲. بحار الانوار، ج ۳، ص ۷ و ج ۴۹، ص ۱۲۳- عیون اخبار الرضا، ترجمه نجفی، ج ۲، ص ۳۷۵- امالی صدوق، ص ۲۳۵.

متعال نقل فرمود که؛ کلمه لا اله الا الله دژ من است سپس هر شخصی که این کلمه را بگوید داخل دژ من می‌شود و هر کس داخل این دژ شود از عذاب من در امان خواهد بود. وقتی امام علیه السلام این حدیث را نقل فرمود، به حرکت خود ادامه داد. اما هنوز کمی نرفته بود که سر از کجاوه بیرون آورد و فرمود: این کلمه توحید شرط‌هایی دارد که من یکی از شرایط آن هستم.

امام رضا علیه السلام در این حدیث به توحیدالهی اشاره دارد و شرط رسیدن به این اصل مهم را "امامت" می‌داند. این حدیث نشان می‌دهد که اصل امامت از چه جایگاه بلندی برخوردار است.

حالا به این شعر زیبا گوش کنید:

ناگهان در آن هوای داغ

بوی بالی در فضا پیچید

کاروان بی حوصله می‌رفت

در دل مردی پیچید

یک فرشته با زبان وحی

گفتنی‌ها را به جانش ریخت

راز پنهان «ولایت» را

مثل شعری بر زبانش ریخت

آن فرشته رفت، اما مرد

دید احساس خوشی دارد

لحظه‌ای حس کرد باران است

که به خاک تشنه می‌بارد

راهیان را گفت، باز آیند

رفتگان را گفت برگردند

تا که در چشم غدیر خم

یا علی آینه‌تر گردند

...و بعد محمد گفت و نشیندند

حرف‌هایش در فضا پیچید

و غدیر خم چون بغضی تلخ

بر زبان سرخ مولا ماند^۱

همان‌طور که متوجه شدید این شعر در باره جریان غدیر خم است و در قرآن هم به آن اشاره شده است. آیا کسی می‌تواند این آیات را برای ما بخواند؟

بله، خداوند در این جریان به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. استاد تقی متقی.

يَتَأْتِيهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ^ع وَإِنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ
رِسَالَتَهُ ^ج ١

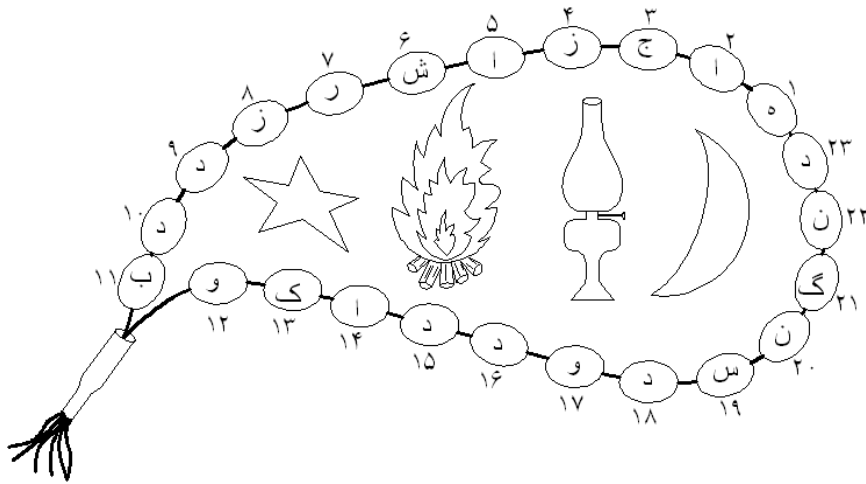
ای پیامبر! آنچه از طرف خداوند به تو نازل شده به مردم ابلاغ کن و اگر این کار را نکنی رسالت خود را انجام نداده‌ای.

بعد از ابلاغ پیام خداوند، توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آیه دیگر نازل شد: الیوم.... امروز دین شما را کامل کردم.

به نظر شما پیام مهم این آیه چیست؟ بله، امامت از چنان جایگاهی برخوردار است که اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را ابلاغ نمی‌کرد گویی رسالت الهی خویش را ابلاغ نکرده است و اینکه دین اسلام با وجود منصب امامت کامل است.

در حدیث دیگری از امام رضا علیه السلام، تشبیهات زیبایی برای نشان دادن اهمیت امامت به کار رفته است که برای شما خواهم گفت. حالا به تصاویر روی تابلو توجه کنید و به سؤالات من جواب دهید تا حروف لازم را در دانه‌های تسبیح قرار دهم؛

۱. مانده / ۶۷ - يَتَأْتِيهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ^ع وَإِنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ ^ج وَاللَّهُ يَعِصُكُمْ مِنَ النَّاسِ ^ج إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ.



۱. هفتاد و ششمین سوره قرآن که اشرف مخلوقات هم است؟ انسان
(۵ - ۲۰ - ۱۹ - ۲ - ۲۲)
۲. کوشش کردن، کوشیدن؟ جهد (۳ - ۱ - ۹)
۳. نابینا؟ کور (۱۳ - ۱۲ - ۴)
۴. پیامبر زره‌ساز که با سنگ جالوت را از پا درآورد؟ داود
(۱۶ - ۱۵ - ۱۷ - ۱۸)
۵. نوعی کباب که روی درختان هم هست؟ برگ (۱۱ - ۷ - ۲۱)
۶. سارق؟ دزد (۲۳ - ۸ - ۱۰)
۷. غذایی ساده و آبکی که در سفره افطار زیاد یافت می‌شود؟ آش (۱۴ - ۶)

اینک برای پیدا کردن رمز تسبیح حرف اول را می‌نویسیم و بعد ۶ دانه می‌شماریم و حرف بعدی را هم می‌نویسیم و کار شمارش را تا رسیدن به پیام دانه‌های تسبیح ادامه می‌دهیم.

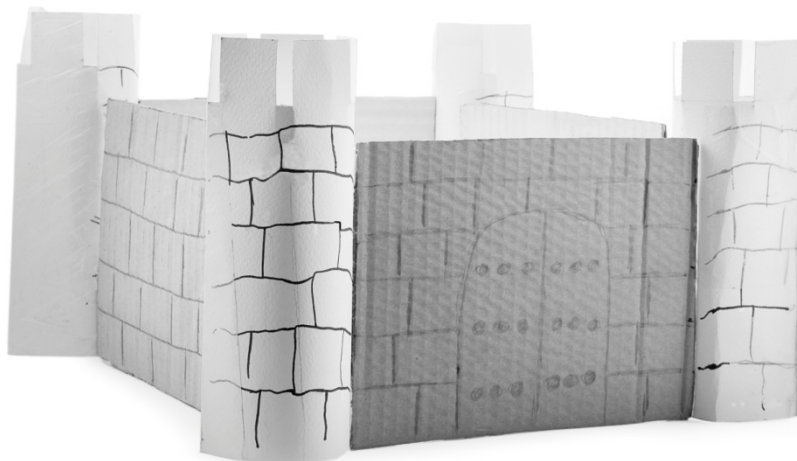
بله پیام مورد نظر این است: «هرکس از آن جدا گردد نابود شود».

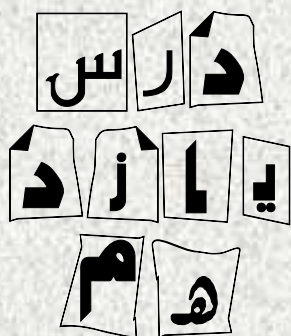
این جمله، فراز آخر حدیث امام رضا علیه السلام است که الآن تمام آن را برای شما می‌خوانم: امام ماه درخشنده، چراغ پرتوافکن، ستاره راهنما در ناپیدایی شب‌های ظلمانی، شعله فروزنده به تپه و گرمابخش به سرمازده است، امام سر رشته دین و نظم‌دهنده مسلمین است (همانند نخ تسبیح) و راهنما در مه‌لکه‌ها است و هر کس از آن جدا گردد نابود شود.

پس بهتر است بکوشیم با تمسک به این گوهر گرانبها خود را بیشتر با معارف دینی آشنا کنیم و زندگی خود را بر پایه آن قرار دهیم.

خدایا! ما را از پیروان واقعی امامان قرار بده.

آمین، یا رب العالمین.





شمشیر

(براساس حدیثی از امام جواد علیه السلام)

نام درس: شمشیر (امام جواد علیه السلام)

موضوع: دوست بد

هدف کلی: تبیین اهمیت دوست و نقش مخرب دوست بد

اهداف جزئی:

در این درس دانش‌آموزان با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. آشنایی با ویژگی‌های دوست خوب و بد
۲. آشنایی با انحرافات برخی از یاران پیامبر
۳. آشنایی با آیات و روایات مرتبط با موضوع
۴. بهره‌گیری از کاردستی "شمشیر" برای درک بهتر موضوع درس (دوست بد)

اهداف رفتاری:

امید می‌رود در پایان این درس دانش‌آموزان بتوانند با ملاک‌های صحیح، دوست خوب و بد را از هم تشخیص بدهند و از دوستی با افراد ناباب پرهیز کنند.

روش مناسب تدریس:

توضیحی فعال (پرسش و پاسخ، جدول، کارت)

رسانه آموزشی: کاردستی

گروه: نوجوانان

بسم الله الرحمن الرحيم

به بسم الله سخن آغاز گویم سلام را بعد از آن من باز گویم

سلام بر شما خوبان! سلام بر شما خداجویان!

به یاری خداوند برنامه امروز را با مسابقه او کیست شروع می‌کنیم. من شروع به خواندن می‌کنم و شما هر جا نام فرد مورد نظر را حدس زدید می‌توانید پاسخ را بگویید؛

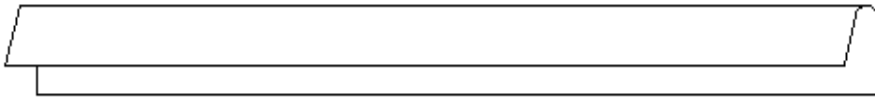
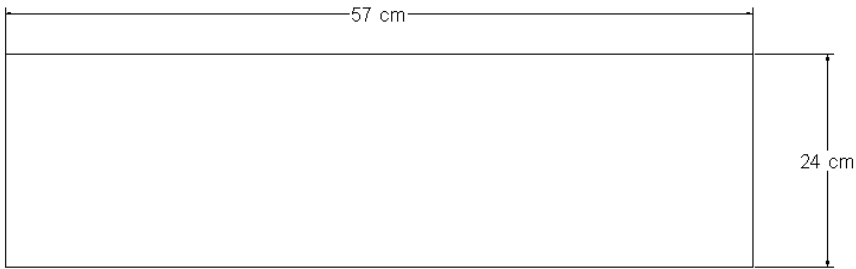
پس از به خلافت رسیدن علی بن ابیطالب علیه السلام با او بیعت کرد، در جنگ جمل در کنار حضرت جنگید ولی پس از جنگ صفین و پایان حکمیت به خوارج پیوست و در جنگ نهروان با علی علیه السلام جنگید. در روایات به شقی‌ترین شقی‌ها معروف است. بعد از جنگ نهروان نقشه قتل علی علیه السلام را کشید و به کوفه آمد. اسم او عبد الرحمن بود. در کوفه با زنی به نام قطام آشنا شد. آن زن کشتن علی علیه السلام را از شرایط ازدواج خود قرار داد. نام این فرد چیست؟

بله، درست گفتید؛ ابن ملجم مرادی!

آیا می‌دانید ابن ملجم (لعنت الله علیه) با چه وسیله‌ای حضرت علی علیه السلام را به شهادت رساند؟ بله، شمشیر.

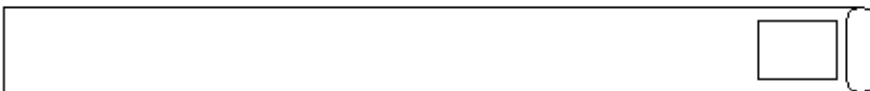
خوب، حالا بیایید با هم یک شمشیر درست کنیم؛

ابتدا به سراغ غلاف شمشیر می‌رویم و برای این کار مقوایی در اندازه ۵۷*۲۴ آماده کرده و آن را از قسمت عرض لوله می‌کنیم و دو لبه را با نوار چسب پهن به هم می‌چسبانیم؛

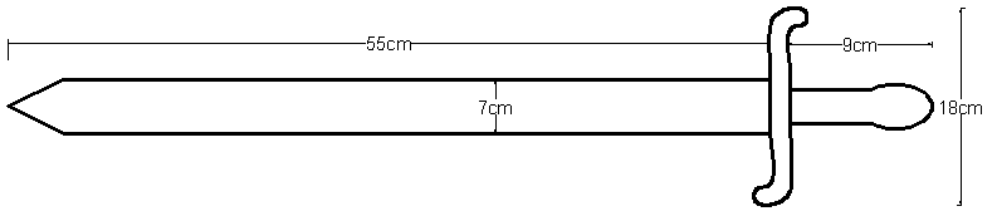


لوله ساخته شده را کمی فشار می‌دهیم تا از شکل استوانه خارج شده و حالت غلاف به خود بگیرد و سپس به وسیله منگنه یا نوار چسب پهن یکی از دو سر آن را مسدود می‌کنیم.

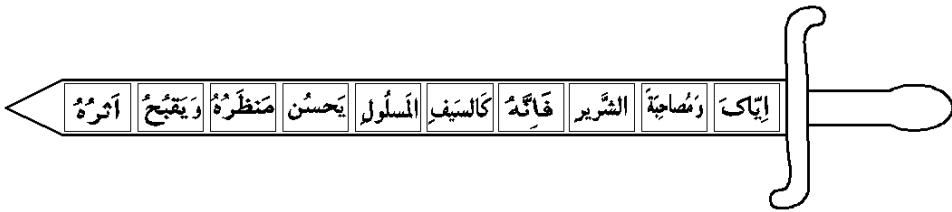
در مرحله بعد در ابتدای غلاف، شکافی به اندازه ۷×۱۰ در یک طرف ایجاد می‌کنیم.



حالا برای ساختن شمشیر، بر روی مقوای ضخیم، شکل یک شمشیر در اندازه ۵۵*۱۸^۱ ترسیم می‌کنیم و سپس آن را با تیغ موکت‌بری جدا می‌کنیم. اینک شمشیر را داخل غلاف قرار می‌دهیم.



همان طور که شما هم می‌دانید شمشیر می‌تواند خوب یا بد باشد؛ مثل شمشیری که علی علیه السلام به کمک آن عمرو بن عبدود را کشت و شمشیری که ابن ملجم به کمک آن فرق علی علیه السلام را شکافت. به همین علت شمشیر می‌تواند پیام داشته باشد. من از قبل یک شمشیر پیام‌دار ساخته‌ام که آن را داخل غلاف می‌گذارم.^۲



خوب، می‌بینید که اولین کلمه از شکاف روی غلاف معلوم است؛ آن را بخوانید. بله، ایاک. من آرام‌آرام شمشیر را از غلاف بیرون می‌آورم تا شما هر کلمه‌ای را که در محل شکاف قرار می‌گیرد بخوانید.

۱. توجه شود بلندی شمشیر با دسته ۱۰۰ سانتی‌متر باشد و بلندی دسته در دوطرف شمشیر ۱۵ سانتی‌متر باشد.

۲. مربی از قبل شمشیری در همان اندازه ساخته و روی آن حدیث امام جواد علیه السلام را مانند شکل می‌نویسد. نباید بچه‌ها متن حدیث روی شمشیر را ببینند.

اکنون من حدیث را به طور کامل روی تابلو می نویسم:

إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الشَّرِّيرِ فَإِنَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُوقِ يَحْسُنُ مَنَظَرُهُ وَ يَقْبَحُ أَثَرُهُ^۱

این سخن از امام جواد علیه السلام است که و ترجمه آن چنین است:

از همراهی و رفاقت با آدم شرور و بدجنس بپرهیزید، زیرا او مانند شمشیر برهنه است که ظاهرش نیکو و اثرش زشت است.

اما چرا امام جواد علیه السلام رفیق شرور را به شمشیر برهنه تشبیه نموده که ظاهر نیکو و اثر زشت دارد؟! چون این کلام با توجه به کتاب الهی قرآن بیان شده، در اینجا با یک سؤال به محضر قرآن می رویم؛

از نام های روز قیامت که حرف اول آن ح و حرف آخرش ت است و به معنای پشیمانی است؟

احسنت! حسرت.

در سوره مریم آیه ۳۹ آمده ... يَوْمَ الْحَسْرَةِ روز پشیمانی

یکی از عوامل حسرت و پشیمانی دوست ناباب است.

اکنون لطفاً یکی از دوستان آیات ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ سوره فرقان و ترجمه آن را برای ما بخواند.^۲

۱. مستند الامام جواد، ص ۲۴۷، بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۷۱، ص ۱۹۸.

۲. مربی تفسیر و توضیح کوتاهی باتوجه به ترجمه آیات بدهد و سپس شأن نزول را نقل نماید.

این آیات شأن نزولی دارد که حکایت آن را نقل می‌کنم.

عُقبه و ابی از دوستان قدیمی همدیگر بودند. یکی از عادات عُقبه این بود که هرگاه از مسافرت باز می‌گشت غذایی فراهم می‌ساخت و بزرگان قومش را میهمان می‌کرد. وی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز زیاد مجالست داشت.

روزی از مسافرت بازگشت، غذایی فراهم کرد و مهمانی بزرگی ترتیب داد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نیز به مهمانی دعوت کرد. هنگامی که موقع خوردن غذا فرا رسید، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از این فرصت برای هدایت عُقبه استفاده کرد. او که از اعتقاد اعراب به ناپسند شمرده شدن نخوردن غذا توسط میهمان باخبر بود به عُقبه فرمود: تا شهادت به وحدانیت خداوند متعال و رسالت من ندهی از غذای تو نمی‌خورم. عُقبه گفت: اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد رسول الله!

وقتی این خبر به گوش ابی که در مجلس حضور نداشت رسید، نزد عُقبه آمد و گفت: آیا تو نیز شیفته محمد صلی الله علیه و آله شده‌ای؟ عُقبه گفت: نه! به خدا سوگند مردی بر سر سفره من حاضر شده بود و حاضر نبود از غذای من بخورد مگر آنکه شهادتین را بر زبان جاری کنم. من شرم کردم که او غذا نخورده از منزل من برود. به همین سبب شهادتین را گفتم و او نیز غذایی خورد و رفت. ابی گفت: من هرگز از تو راضی نمی‌شوم مگر اینکه نزد او بروی و بر صورت او آب دهان بپاشی! عُقبه نیز چنین کرد و حتی زهدان چهارپایی را گرفت و بر کتف آن حضرت افکند. در برخی کتب تاریخی آمده است که آب دهان عُقبه به امر خداوند به صورت خودش برگشت و گونه‌هایش را سوزاند، به گونه‌ای که جای سوختگی آن تا هنگام مرگ بر صورت او بود.^۱

۱. ابوعلی طبیرسی، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه، دوم، ۱۴۰ هـ ق، ج ۷، ص ۲۶۰ و ۲۶۱.

حکایت شأن نزول آیات را شنیدید، ولی این آیات فقط مربوط به این دو نفر نیست و در مورد همه انسان‌ها صادق است. یعنی همه افرادی که به وسیله دوستان بد خود از راه حق منحرف شده‌اند، در روز قیامت حسرت می‌خورند و از اینکه از راه حق تبعیت نکرده و به خاطر به دست آوردن رضایت دوستان ناباب، رضایت الهی را زیر پا نهاده‌اند پشیمان می‌شوند و می‌گویند: «ای کاش با فلان کس دوست نشده بودم».

حالا با توجه به مطالبی که گفتیم به سراغ یک مسابقه می‌رویم؛ هر کسی بتواند جمله‌ای را که روی تابلو می‌نویسم با ۱۰ شماره (یک و یک و یک و ده و ده و ده وقت شما تمام شد) بدون نقطه بنویسد برنده است و جایزه می‌گیرد.

"انسان بر دین دوست خویش است. پس هر کدام از شما باید بنگرد که با چه کسی دوستی می‌کند".^۱

حالا خوب است با برخی از ویژگی‌های دوست بد که در احادیث آمده است، آشنا شویم:

ا	ق
ب	ل
ت	و
د	و
ش	ر

م خ غ
رو ر ی گ
ح ر ی
س و

به تابلو توجه کنید:^۲

۱. محمدباقر مجلسی، بحار، ج ۷، ص ۱۸۰.

۲. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۹۲.

با کمک حروف داده شده در سمت چپ، شش کلمه سمت راست را که حرف اول و آخر نوشته شده است کامل کنید. توجه داشته باشید که این شش کلمه، شش ویژگی دوست بد است که از مجموع احادیث درباره دوست بد جمع‌آوری شده است.

احسنت، این کلمات با به تعبیری صفات عبارتند از: احمق، بخیل، ترسو، دروغگو، شرور.

و حالا نوبت می‌رسد به معیارهای گزینش دوست که آن را هم از سخنان معصومین استخراج کرده‌ایم و به وسیله کارت‌های معیار گزینش دوست به شما ارائه می‌کنم:^۱

معیار گزینش دوست

اولین معیار منفعت است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید هر شخصی که منفعت دینی به تو نرساند، بشناس! به او توجه مکن و همراه او نباش زیرا خیر از غیر خداوند ناپود شدنی است.^۲

معیار گزینش دوست

منفعت

معیار بعدی یاد خدا است.

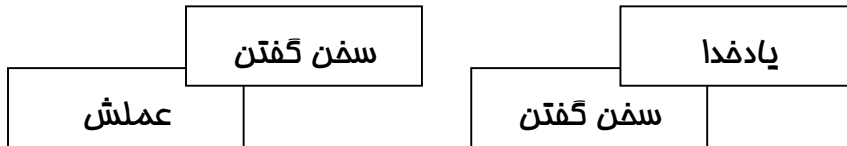
منفعت

یاد خدا

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۹۱.

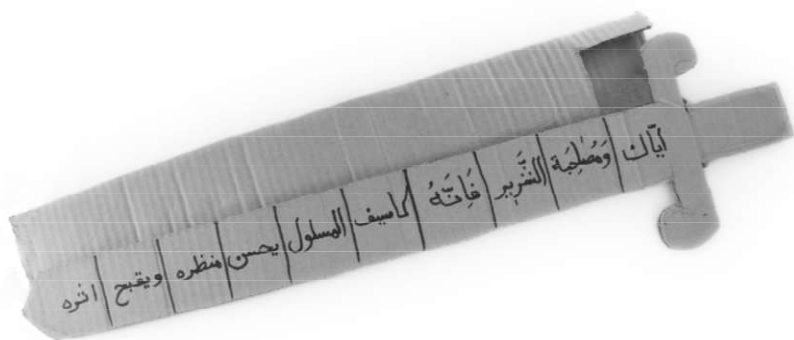
۲. مربی کارت اول را برداشته تا کارت دوم نمایان شود. بعد از توضیح، کارت دوم آن را کنار گذاشته، به توضیح کارت سوم می‌پردازد و به همین ترتیب برنامه را ادامه می‌دهد.

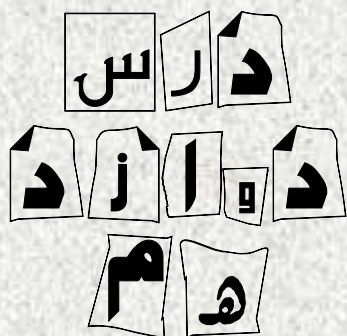
ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: کدام همنشین بهتر است؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که دیدن او تو را به یاد خدا بیندازد، سخن گفتن او به دانش تو بیفزاید و عملش تو را به یاد آخرت بیندازد.^۱



خدایا! ما را در رفتار، گفتار و کردار از دوستان خوب قرار ده.

آمین، یا رب العالمین.





اسب چموش

(براساس حدیثی از امام هادی علیه السلام)

نام درس: اسب چموش (امام هادی علیه السلام)

موضوع: زبان

هدف کلی: تبیین اهمیت زبان و ضرورت مراقبت همیشگی از آن

اهداف جزئی:

در این درس دانش آموزان با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. آشنایی با زبان و آگاهی از اهمیت آن
۲. آشنایی با برخی از آفات زبان و راه‌های مقابله با آن
۳. آشنایی با آیات و روایات مرتبط با موضوع
۴. بهره‌گیری از کاردستی "اسب چموش" برای درک بهتر موضوع درس (زبان)

اهداف رفتاری:

امید می‌رود در پایان این درس دانش آموزان خود را از آفات و گناهانی که از زبان سر می‌زند حفظ کنند و هیچگاه با سخنان خود باعث ناراحتی دیگران نشوند.

روش مناسب تدریس:

توضیحی فعال (پرسش و پاسخ، کارت)

رسانه آموزشی: کاردستی

گروه : نوجوانان

بسم الله الرحمن الرحيم

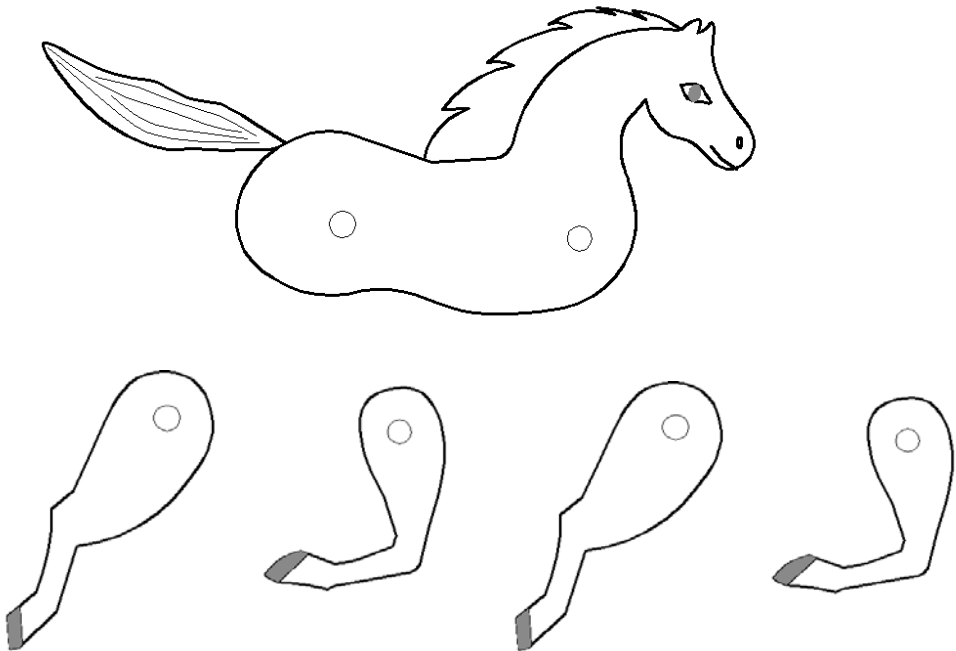
به نام خدایی که جان آفرید سخن گفتن اندر زبان آفرید

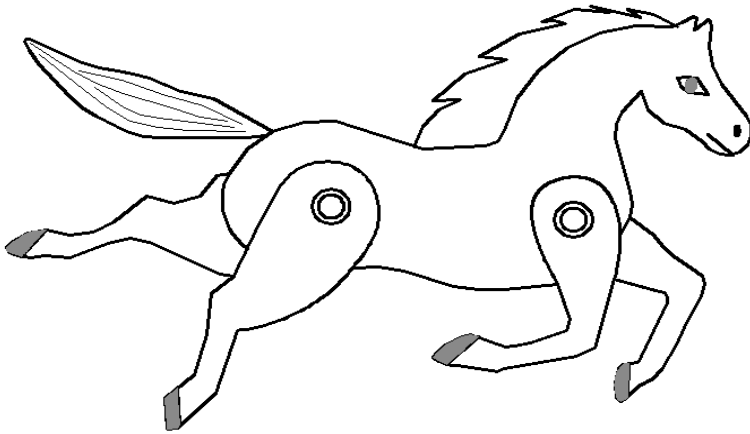
سلام به شما دوستان خوب! شمایی که دوست دارید با آشنایی بیش تر با دستورات دینی، راه خیر و خوبی را در پیش بگیرید.

بعد از ذکر صلوات، برنامه امروز را با ساختن یک کار دستی شروع می کنیم؛ می خواهیم ماکت ساده ای از یک حیوان بسازیم که به نجابت معروف است؛ تام آن چیست؟

آفرین! می خواهیم یک اسب ساده بسازیم و برای این کار به یک ورق مقوا، چند ورق کاغذ رنگی (قهوه ای، مشکی، سفید)، چند عدد دکمه قابلمه ای و چسب مایع نیاز داریم.

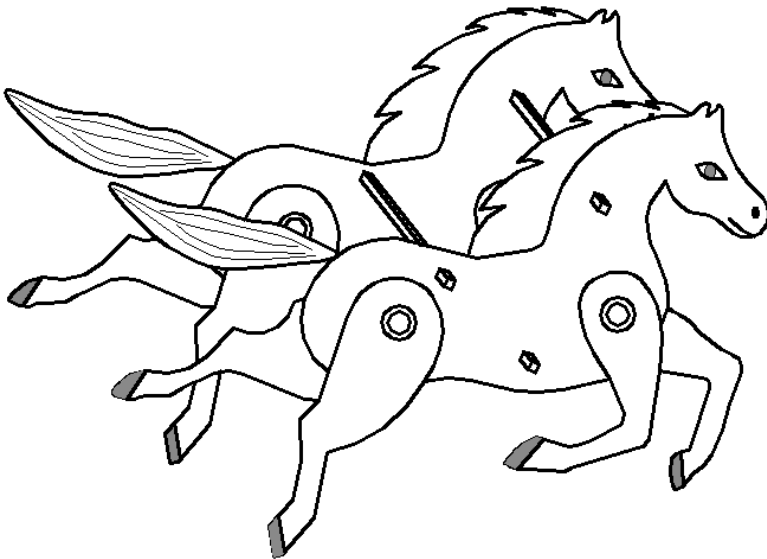
ابتدا طرح اسب و دست و پاهای آن را - مانند شابلون - روی مقوا منتقل کنید. سپس دور طرح اسب را با قیچی از مقوا جدا کرده و به وسیله دکمه قابلمه ای، دست و پا را به بدن اسب متصل کنید.



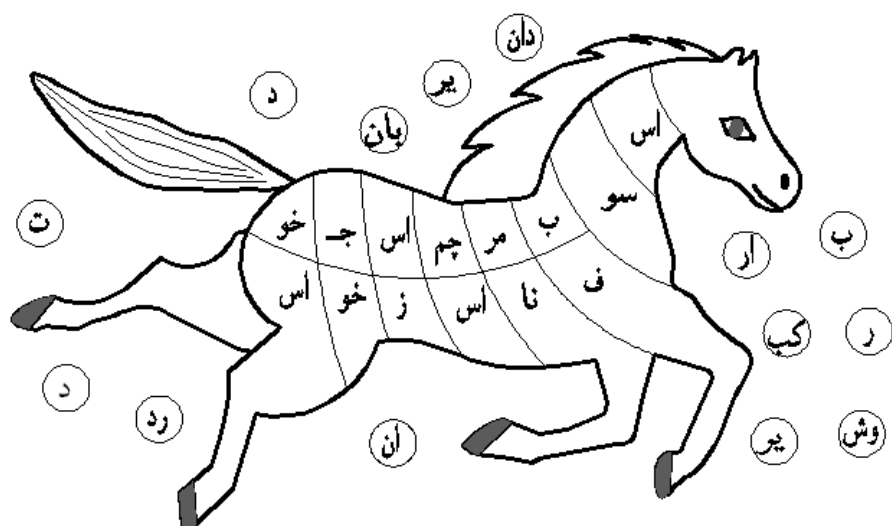


برای اینکه یک اسب سه‌بُعدی داشته باشید، لازم است یک اسب دیگر را با همین روش درست کنید و سپس مانند شکل زیر، دو اسب را با کمک چند عدد چوب کبریت به هم متصل کنید.

دقت کنید که دو اسب کاملاً با هم انطباق داشته باشند تا بتواند روی زمین بایستد.



حالا که کار ساختن کاردستی تمام شد، به تصویر اسبی که روی تابلو کشیده‌ام توجه کنید:



همان‌طور که می‌بینید روی تنه اسب، قسمت اول چهارده کلمه نوشته شده است که شما باید با حروفی که در دایره‌های اطراف دیده می‌شود این کلمات را کامل کنید. توجه داشته باشید که این کلمات در کنار هم، حدیثی از امام دهم را نشان می‌دهند که در مورد خطرات زبان است. امام دهم را که می‌شناسید؛ نام ایشان چیست؟ بله، علی النقی. خوب، لقب ایشان چیست؟ آفرین، هادی.

خوب، حالا ببینیم که امام هادی علیه السلام در مورد "زبان" چه فرموده‌اند؛ اسب‌سوار بر مرکب چموش، اسیرِ جان خود و فرد نادان، اسیرِ زبان خود است.^۱

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۶۹ (راکِبُ الْحَزُونِ اسیرُ نَفْسِهِ وَ الْجَاهِلُ اسیرُ لِسَانِهِ).

چه کسی می‌تواند کلام امام هادی علیه السلام را توضیح بدهد؟ آفرین، جواب‌های خوبی دادید.

همان‌طور که شما اشاره کردید امام هادی کنترل نداشتن بر روی زبان را مانند کنترل نداشتن بر روی یک اسب چموش باعث هلاکت انسان می‌دانند و می‌فرمایند کسی که سوار یک اسب سرکش می‌شود، هر لحظه امکان دارد به زمین بیفتد و جان خود را از دست بدهد و کسی هم که اسیر زبان خودش باشد، یعنی کنترل زبان خود را در اختیار نداشته باشد، هر لحظه ممکن است خود را به خطر اندازد.

همین مطلب را شاعر به زیبایی در شعر خود آورده است؛

از مرکب سرکش، تو سواری مطلب

یعنی ز هوای نفس، یاری مطلب

ای آنکه تو را "تیغ زبان" کرده اسیر

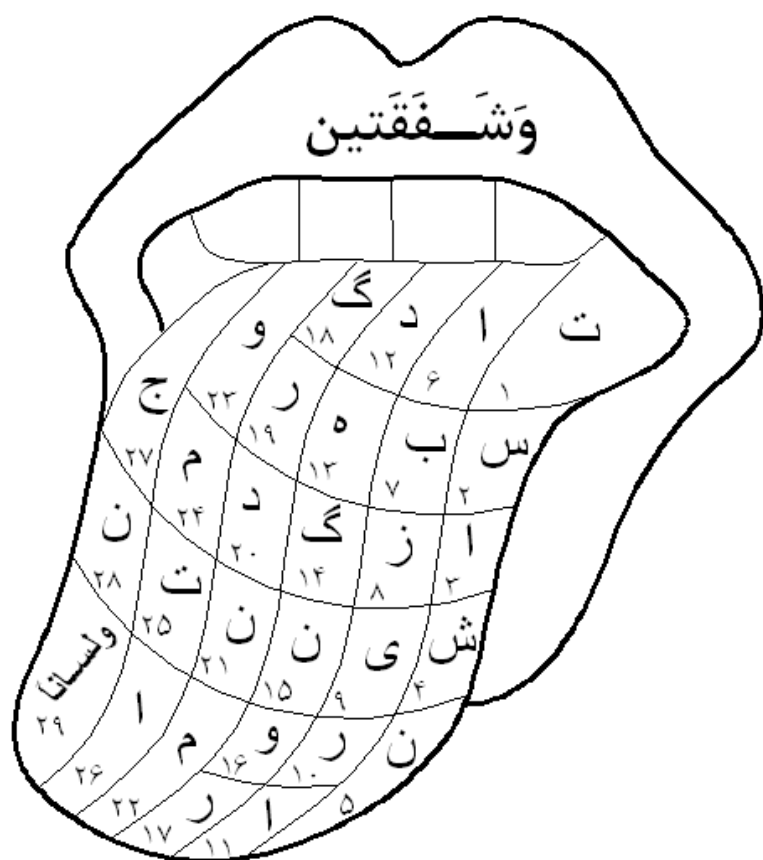
از فصل خزان، گل بهاری مطلب^۱

حالا یک بار دیگر با دقت به این شعر گوش کنید و هر کس که می‌تواند، در مورد آن برای دیگران توضیح دهد.^۲

دوستان خوبم! همان‌طور که می‌دانید زبان مهم‌ترین وسیله برای برقراری ارتباط بین انسان‌ها است و توانایی سخن گفتن یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است که خدای بزرگ در سوره رحمن به آن اشاره کرده است. حالا به شکلی که روی تابلو می‌بینید توجه کنید:

۱. محمد جواد غفور زاده (شفق)، چهل حدیث از امام هادی علیه السلام، آستان قدس رضوی، ۱۳۹۰، ص ۳۸.

۲. مربی بعد از توضیح دانش‌آموزان اگر مطلبی دارد به آن اضافه نماید.



این یک جدول زبانی است که در قرآن آیه‌ای مربوط به آن وجود دارد. این آیه در سوره‌ای است که به معنای "شهر" می‌باشد؛ شما می‌دانید نام این سوره چیست؟ احسنت، البلد. من قسمت اول آیه را در خانه شماره ۲۹ و قسمت دومش را روی لب بالا می‌نویسم. همان‌طور که می‌بینید آیه مورد نظراین است؛ "وَلِسَانًا وَ شَفَقَتَيْنِ" یعنی: زبان و دو لب.

حالا چندسؤال می‌پرسم و پاسخ‌های شما را داخل خانه‌های جدول قرار می‌دهم؛

۱- اولین رکن نماز؟ نیت (۲۱-۹-۲۵)

۲- بهشت زیر پای اوست؟ مادر (۲۴-۱۱-۲۰-۱۹)

۳- ترجمه فارسی کلمه "اَذُن" (عضو شنوایی)؟ گوش (۱۴-۲۳-۴)

۴- این سوره شش آیه دارد به معنی "مردم" است؟ ناس (۵-۳-۲)

۵- ضد تاریکی و نام سوره‌ای از قرآن؟ نور (۲۸-۱۶-۱۰)

۶- به معنای ستاره درخشنده و نام پنجاه و سومین سوره قرآن؟ نجم

(۲۷-۲۲)

۷- مطلع و باخبر؟ آگاه (۲۶-۱۸-۶-۱۳)

۸- گمراهان به جای خدا می‌پرستند؟ بت (۷-۱)

۹- رنگ گاوی که قوم بنی اسرائیل باید قربانی می‌کرد؟ زرد (۸-۱۷-۱۲)

حالا اگر حروف جدول را از شماره ۲۸ تا شماره ۱ در کنار هم قرار دهیم، به پیام جدول که حدیثی از رسول خدا است دست پیدا می‌کنیم؛

"نجات مؤمن در گرو نگهداری زبانش است".^۱

شاید شما هم این سخن را شنیده باشید که می‌گویند زبان، هم بهترین عضو بدن انسان است و هم بدترین عضو آن! برای اینکه علت این موضوع را بدانید به حکایتی که نقل می‌کنم توجه کنید:

روزی مهمانی گرامی بر خواجه وارد شد. خواجه از لقمان خواست که گوسفندی را ذبح کند و از بهترین اعضای آن غذایی مطبوع درست کند. لقمان هم از زبان و دل گوسفند غذایی درست کرد و بر سفره گذاشت.

خواجه که از انتخاب لقمان خرسند شده بود، روز دیگر از او خواست که این بار از بدترین اعضای گوسفند غذایی درست کند. لقمان این بار نیز غذایی از دل و زبان گوسفند آماده کرد! خواجه از کار لقمان متحیر شده بود، از او پرسید چگونه است که این دو عضو، هم بهترین و هم بدترین اعضا هستند؟! لقمان گفت: ای خواجه! دل و زبان مؤثرترین اعضا در سعادت و شقاوت هستند؛ چنانچه دل را محل

۱. اصول کافی، ترجمه مصطفوی ج ۳، ص ۱۷۶ و حفظ اللسان الذي هو باب النجاة.

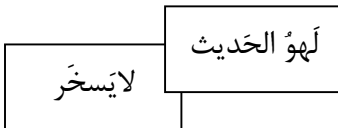
دریافت نور خدا گردانی و زبان را در راه نشر معرفت و اصلاح بین مردم به کار بندی، این دو، بهترین اعضا هستند و هرگاه دل به ظلمت فرو رود و کانون کینه و عناد گردد و زبان به غیبت و فتنه‌انگیزی آلوده شود، این دو، بدترین اعضا خواهند بود.

خوب، حالا برای آشنایی بیش‌تر با خطراتی که زبان می‌تواند برای سلامت اخلاقی ما ایجاد کند، به کارتهایی که به شما نشان می‌دهم توجه کنید.^۱

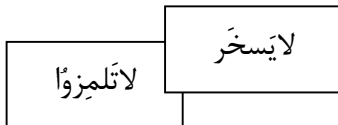
اولین آفت زبان که در قرآن به آن اشاره شده است، **لَهُوَ الْحَدِيثُ**^۲ است؛ **لَهُوَ الْحَدِيثُ** یعنی سخن بیهوده‌ای که چیزی به علم انسان اضافه نمی‌کند و فقط باعث هدر رفتن عمر می‌شود!



- خوب برویم به سراغ آفت بعدی؛ **لَا يَسْخَرُ**^۳ یعنی مسخره نکنید. دومین آفت زبان، مسخره کردن است که قرآن از آن نهی می‌کند و در ادامه می‌فرماید چه بسا فردی را که مسخره می‌کنید از شما بهتر باشد.



- آفت بعدی این است؛ **لَا تَلْمِزُوا**^۴ یعنی عیب‌جویی نکنید. عیب‌جویی کردن هم کار بسیار زشتی است که ممکن است از زبان سر بزنند.



۱. مری باید کارتهای مربوط به آفات زبان را از قیل آماده کرده و با کمک بچه‌ها به توضیح آن‌ها بپردازد.

۲. لقمان / ۶.

۳. حجرات / ۱۱.

۴. حجرات / ۱۱.

- آفت بعدی که قرآن به آن اشاره می‌کند؛ **لاتَنَابِزُوا بِالْأَلْقَابِ**^۱ یعنی با القاب

زشت یکدیگر را یاد نکنید.

لَا تَلْمِزُوا

لَا تَنَابِزُوا بِالْأَلْقَابِ

لقب گذاشتن برای دیگران، مخصوصاً لقب‌های زشت و آزاردهنده، کار بسیار ناپسندی است که متأسفانه برخی از افراد آن را نشانه صمیمیت می‌دانند، در حالی که هر چه صمیمیت و دوستی بین افراد بیش‌تر باشد باید احترام میان آن‌ها هم بیش‌تر شود تا دوستی‌شان بهتر و بیش‌تر ادامه پیدا کند.

- آفت بعدی دروغ‌گویی است که یکی از بدترین آفات زبان است و بر اساس

سخن امامان معصوم ما، کلید همه بدی‌ها است. قرآن کریم هم در مورد دروغ‌گویان می‌گوید **أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبُ**^۲ یعنی زبانشان دروغ می‌گوید. حتماً شما هم می‌دانید که عاقبت دروغ گفتن، معمولاً رسوایی است.

لَا تَنَابِزُوا بِالْأَلْقَابِ

أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبُ

- اما آخرین آفتی که در این جلسه به آن اشاره می‌کنیم، دشنام دادن است.

قرآن کریم در نهی از این کار زشت می‌فرماید: **لَا تَسُبُّوا**^۳ یعنی دشنام

ندهید.

أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبُ

لَا تَسُبُّوا

۱. حجرات / ۱۱.

۲. نحل / ۶۲.

۳. انعام / ۱۰۸.

و حالا برنامه امروز را با ذکر داستانی از امام صادق به پایان می‌رسانیم که نشان می‌دهد بزرگان دین ما چقدر نسبت به بدزبانی و فحاشی حساس بوده‌اند؛ رفاقت و ارتباط بین امام صادق علیه السلام و یکی از یاران ایشان به حدی بود که مردم وقتی می‌خواستند از او یاد کنند به او می‌گفتند: "رفیق امام صادق!"

روزی این شخص به همراه امام داخل بازار کفش‌دوزها شدند. غلام او نیز همراه ایشان بود و از پشت سر حرکت می‌کرد. هنوز چند قدمی نرفته بودند که غلام از آن‌ها عقب افتاد و دیگر در معرض دید ارباب خود نبود. آن شخص چند بار به پشت سر خود نگاه کرد و غلام را نیافت. بعد از دقایقی غلام خود را به ارباب خود رساند و ارباب به محض اینکه او را دید، با خشم به او نگاه کرد و سخن ناروایی به او و مادرش گفت!

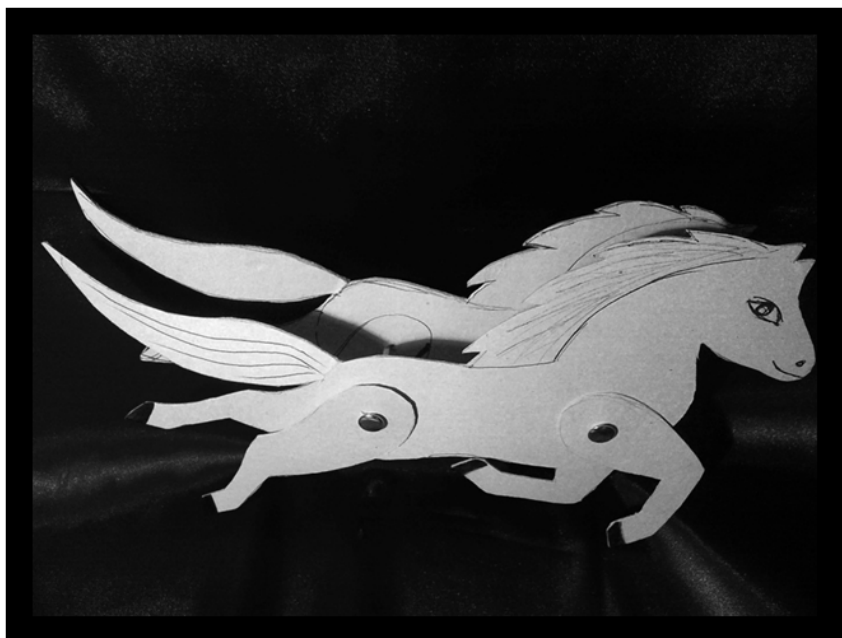
تا این سخن از دهان مرد خارج شد، امام صادق علیه السلام دست خود را بلند کرد و محکم به پیشانی خود زد و فرمود: سبحان الله! به مادرش دشنام می‌دهی؟! من خیال می‌کردم تو مردی باتقوا و پرهیزگار هستی. معلوم شد که ورع و تقوایی در تو وجود ندارد. مرد برای توجیه کار زشت خود گفت: یابن رسول الله! این، غلامی سندی است و مادرش نیز از اهالی سِند است و مردم سِند مسلمان نیستند.

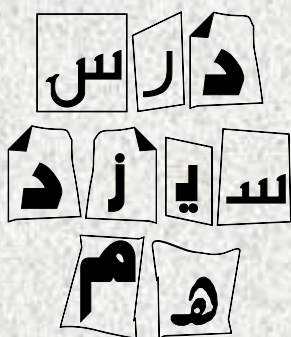
امام فرمود: مادرش کافر بوده که بوده! هر قومی، سنت و قانونی درامر ازدواج دارد و اگر کسی بر طبق همان سنت و قانون رفتار کند، ازدواجش صحیح و فرزندانش حلال‌زاده هستند. حالا از من دور شو که رفاقت ما دیگر به پایان رسید!

بعد از این واقعه دیگر کسی امام را با آن مرد ندید.

در پایان ما هم از خدا می‌خواهیم که ما را از آفات زبان و دوستی با افراد بدزبان و بی‌ادب مصون بدارد.

آمین یا رب العالمین.





نقاب

(براساس حدیثی از امام حسن عسگری علیه السلام)

نام درس: نقاب (امام حسن عسگری علیه السلام)

موضوع: نفاق و دورویی

هدف کلی: تبیین موضوع نفاق و دورویی

اهداف جزئی:

در این درس دانش‌آموزان با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. آشنایی با معنا و مفهوم دورویی
۲. آگاهی از برخی آثار دورویی
۳. آشنایی با آیات و روایات و برخی احکام مرتبط با موضوع
۴. بهره‌گیری از کاردستی "نقاب" برای درک بهتر موضوع درس (دورویی)

اهداف رفتاری:

امید می‌رود در پایان این درس دانش‌آموزان زشتی و ناپسندی دورویی را به‌خوبی دریابند و همواره از آن پرهیز کنند.

روش مناسب تدریس:

توضیحی فعال (پرسش و پاسخ، جدول، کارت، تصاویر)

رسانه آموزشی: کاردستی

گروه: نوجوانان

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد بی حد به خالق یکتا قادر است و علیم و بی همتا

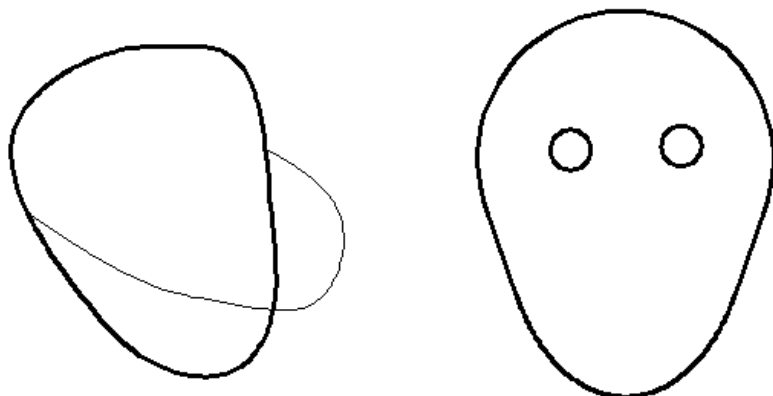
سلام به شما دوستان خوب و پرتلاش!

برنامه امروز را با ساختن یک نقاب شروع می‌کنیم. همان‌طور که می‌دانید نقاب را معمولاً برای بازی و نمایش به صورت می‌زنند و کسی که این کار را می‌کند، می‌خواهد چهره واقعی خود را بپوشاند.

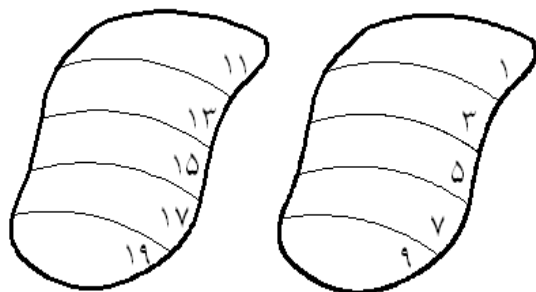
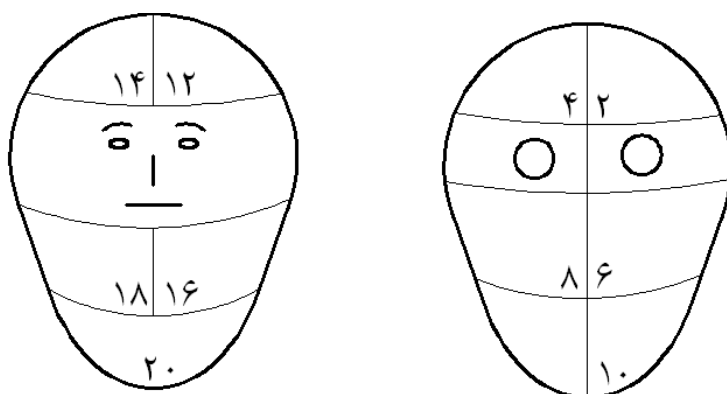
برای ساختن نقاب، اگر فرصت کافی داشته باشیم می‌توانیم یک نقاب هنری بسازیم. به این صورت که ابتدا مقداری کاغذ کاهی و شانه تخم مرغ را خرد کرده و در آب می‌گذاریم تا کاملاً خیس بخورد. سپس به تدریج سریش^۱ به آن اضافه می‌کنیم و به‌خوبی با هم مخلوط می‌کنیم تا خمیری یک‌دست درست شود. در این مرحله یک پلاستیک نازک را روی صورت دوست خود قرار می‌دهیم و از او می‌خواهیم که برای مدتی سر خود را بالا نگه دارد. بعد به تدریج خمیر را روی لایه پلاستیک می‌ریزیم و به آرامی - طوری که دوستان اذیت نشود - روی تمام صورت او را می‌پوشانیم. وقتی خمیر خود را گرفت، به کمک پلاستیک آن را برمی‌داریم و صبر می‌کنیم تا کاملاً خشک شود. سپس روی آن تصویر یک صورت را ترسیم می‌کنیم و محل چشم‌ها را سوراخ کرده و نقاب را به وسیله کش نازک روی صورتمان قرار می‌دهیم.

اما اگر فرصت کافی نداشته باشیم فقط روی یک مقوا چهره یک انسان را کشیده و آن را جدا می‌کنیم. محل چشم‌ها را با تیغ یا قیچی سوراخ کرده و با وصل کردن یک کش نازک به دو طرف نقاب، آن را به صورت خود می‌زنیم.

۱. سریش نوعی ماده چسبناک که با آب ترکیب می‌شود و در عطاری‌ها می‌توانید آن را تهیه نمایید. اگر به سریش دسترسی نداشتید، می‌توانید از چسب کاغذ دیواری یا ... استفاده کنید.



من به سراغ تابلو می‌روم و دو صورت و دو زبان روی آن می‌کشم؛



حالا دو نفر داوطلب می‌خواهم تا یک مسابقه انجام دهیم. به این صورت که به هر کدام یک کارت می‌دهم که روی آن ده کلمه عربی به همراه یک شماره نوشته شده است.

هر شرکت‌کننده باید کلمات روی کارت خود را به کمک اعداد، در شکل مربوط خود بنویسد.

هر کسی که خانه‌های شکل مربوط به خود را زودتر پر کند برنده می‌شود. توجه داشته باشید که هر اشتباه ۲ امتیاز منفی دارد که از ۲۰ کم می‌شود.

شرکت‌کننده اول

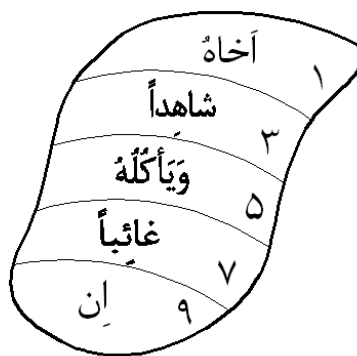
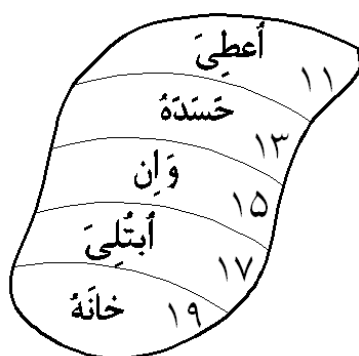
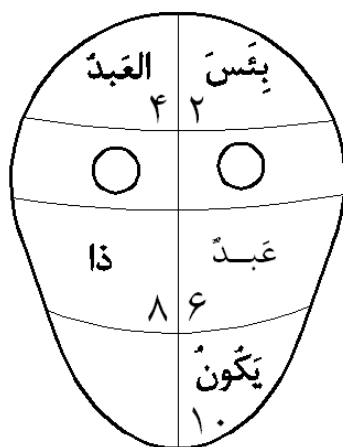
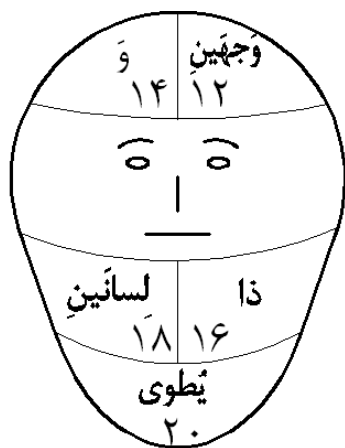
۲ بِئْسَ	۶ عَبْدٌ
۸ يَكُونُ	۴ الْعَبْدُ
۱۰ ذَا	۱۴ وَ
۱۲ وَجْهَيْنِ	۱۶ ذَا
۱۸ لِسَانَيْنِ	۲۰ يُطَوَى

شرکت‌کننده دوم

۱ آخَاهُ	۵ وَيَأْكُلُهُ
۷ غَائِباً	۳ شَاهِداً
۹ اِنْ	۱۳ حَسَدَهُ
۱۱ أُعْطِيَ	۱۵ وَ اِنْ
۱۷ اُبْتُلِيَ	۱۹ خَانَهُ

با تشکر از دو شرکت‌کننده عزیز، اکنون به سراغ شکل‌ها می‌رویم تا ببینیم چه کسی برنده شده است.^۱

۱. لازم نیست شرکت‌کنندگان کلمات را با اعراب بنویسند بدون اعراب هم کفایت می‌نماید.



ابتدا من کلمات عربی را به طور مرتب روی تابلو می نویسم:

بَيْتَسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَكُونُ ذَا وَجْهَيْنِ وَ ذَا لِسَانَيْنِ يُطَوَّى أَخَاهُ شَاهِدًا وَ يَأْكُلُهُ غَائِبًا إِنْ أُعْطِيَ حَسَدَهُ وَ إِنْ أُبْتَلَى خَانَهُ^۱

و حالا به سراغ شکل اول می رویم تا ببینیم شرکت کننده اول چند کلمه را به طور صحیح در جای خود نوشته است؛ طبق حدیث که روی تابلو نوشته ام، شرکت

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۳.

کننده اول شماره ۸ و ۱۰ را جابجا نوشته است. به همین خاطر ۲ نمره از ۲۰ نمره کم می‌شود و امتیاز این دوست خوب ۱۸ خواهد شد.

برویم سراغ شرکت‌کننده دوم؛

این دوستان هم در شماره‌های ۹ و ۷ همچنین ۱۷ و ۱۵ دچار اشتباه شده است و به همین خاطر ۴ نمره از ایشان کم می‌شود و امتیاز این دوست خوبمان هم ۱۶ خواهد شد.^۱

این جمله، حدیثی از امام حسن عسگری علیه السلام است که ترجمه آن را هم برای شما می‌نویسم تا ارتباط آن را به کارهای که تا به حال انجام داده‌ایم بهتر متوجه شوید؛ انسانی که دورو و دوزبان باشد، بد بنده‌ای است؛ در روبرو از برادرش تعریف می‌کند و پشت سرش گوشت او را (با غیبت) می‌خورد. اگر نعمتی به او داده شود حسد می‌ورزد و اگر گرفتار شود به او خیانت می‌کند.

دورویی (نفاق) معنای وسیعی دارد که هرگونه دوگانگی ظاهری و باطنی را دربر می‌گیرد و مصداق مهم آن نفاق عقیدتی است، که مربوط به کسانی است که در ظاهر اظهار ایمان می‌کنند ولی در واقع مشرک و کافر هستند و آن را پنهان می‌کنند.

حالا برای اینکه با برخی از ویژگی‌های افراد منافق آشنا شویم من چند آیه از قرآن و ترجمه آن‌ها را به طور پراکنده می‌نویسم تا شما مشخص کنید که هر ترجمه به کدام آیه مربوط است؛

۱. إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ^۲ نمی‌فهمند.

۲. يَحْلِفُونَ عَلَى الْكِذْبِ^۳ به تحقیق منافقین دروغگو هستند.

۳. لَا يَفْقَهُونَ^۱ به دروغ سوگند می‌خورند.

۱. این یک مسابقه فرضی بود شاید در مسابقه واقعی یک شرکت‌کننده تمام کلمات را صحیح در جای خود بنویسد.

۲. سوره منافقون/۱.

۳. سوره مجادله/۱۴.

احسنت، بسیار خوب!

حالا از شما می‌خواهم به شعری از جامی توجه کنید و همه با هم آن را بخوانید:
یک‌دل و یک‌جهت و یک‌رو باش

از دورویان جهان یک سو باش

و اینک داستانی در مورد منافقین مدینه؛

در یکی از اوقاتی که پیامبر اکرم در مدینه حضور نداشت، منافقی به نام جلاس به ساحت مقدس ایشان جسارت کرد و به منافقان هم مسلک خود گفت: سوگند به خدا اگر محمد راستگو باشد شما بدتر از الاغ هستید.

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه بازگشت عامر که یکی از مسلمین هوشیار بود به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و فرصت‌طلبی منافقین و ناسزاگویی جلاس را به آن حضرت گزارش داد.

پیامبر صلی الله علیه و آله جلاس را طلبید و جریان را به او گفت.

جلاس، انکار کرد و گفت: عامر دروغ می‌گوید! پیامبر صلی الله علیه و آله عامر و جلاس را کنار منبر برد و فرمود: در اینجا سوگند یاد کنید که سخنتان حقیقت دارد. جلاس سوگند یاد کرد که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ناسزا نگفته است و عامر سوگند یاد کرد که جلاس، ناسزا گفته است.

آنگاه عامر دست به دعا بلند کرد و عرض کرد: خدایا! آیه‌ای در مورد ما دو نفر در این جهت که راستگوی ما کیست بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل کن. پیامبر و مؤمنان هم آمین گفتند. هنوز پیامبر و جمعیت متفرق نشده بودند که جبرئیل به محضر پیامبر آمد و آیه ۷۴ سوره توبه را نازل کرد؛ «به خدا سوگند می‌خورند که در غیاب پیامبر صلی الله علیه و آله ناسزا نگفته‌اند، در حالی که قطعاً سخنان کفرآمیز گفته‌اند...».

بعد از شنیدن این حکایت به سراغ یک جدول می‌رویم و با کمک شما آن را پر می‌کنیم؛

و	ن	۳	ک	ر	۱
د	ف	۷	ل	و	۵
ک	ا	۱۱	ی	س	۹
ن	ق	۱۵	د	ی	۱۳
ن	ن	۱۹	ب	ا	۱۷
ده	ا	۲۳	د	ه	۲۱
	ب	۲۷	ی	ی	۲۵

حالا به این سؤالات پاسخ دهید:

۱. نام رودخانه‌ای که خورشید بر کف آن هم تابیده است؟ نیل (۳ - ۱۰ - ۶)
۲. از القاب امام دهم علیه السلام به معنای هدایت‌کننده؟ هادی (۲۱ - ۱۱ - ۸ - ۲۵)
۳. غذایی از گندم که از هر طرف مثل هم خوانده می‌شود؟ نان (۱۶ - ۱۷ - ۱۹)
۴. ثروتمندترین فرد بنی اسرائیل که گنج آن معروف است؟ قارون (۱۵ - ۲۳ - ۱ - ۴ - ۲۰)
۵. آبی سیر یا بنفش پررنگ، گنبد آن هم معروف است؟ کبود (۲ - ۱۸ - ۵ - ۱۴)
۶. رنگی که معروف به رنگ صلح است؟ سفید (۹ - ۷ - ۱۳ - ۲۲)
۷. مارک خودکار قدیمی؟ بیک (۲۷ - ۲۶ - ۱۲)

۸. نام دیگر روستا؟ ده (۲۴)

حالا برای پیدا کردن پیام جدول، حرف اول را می‌نویسیم و سپس هفت خانه می‌شماریم و حرف هفتم را نیز یادداشت می‌کنیم و این کار را تکرار می‌کنیم تا چهار کلمه بدست آوریم.

بله، این چهار کلمه این‌ها هستند:

- روسیاهی: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه‌ای به علی علیه السلام دروغ را موجب روسیاهی معرفی می‌فرماید؛ **يَا عَلِيُّ اِيَّاكَ وَ الْكِذْبَ فَإِنَّ الْكِذْبَ يُسَوِّدُ الْوَجْهَ.....^۱**

- کلید بدی: امام حسن عسگری علیه السلام می‌فرماید: تمام پلیدی‌ها را در خانه‌ای قرار داده‌اند که کلیدش دروغ‌گویی است.

- نفاق: دروغ سرچشمه نفاق است و به این مطلب در سوره توبه آیه ۷۸ اشاره شده است؛ تقاضا می‌کنم یک نفر از شما آیه را به همراه ترجمه بخواند تا با ترجمه آن هم آشنا شویم، خداوند می‌فرماید: «اعمال آن‌ها نفاق در دل‌هایشان تا روز قیامت ایجاد کرد، به خاطر اینکه عهد خدا را شکستند و اینکه دروغ می‌گفتند».

- نابودکننده: دروغ نابودکننده دو چیز گرانبها است!
من حرف اول و آخر آن‌ها را روی تابلو می‌نویسم تا شما این دو را حدس بزنید؛

ا...ن! کامل‌تر می‌نویسم: ا...مان!

بله، ایمان.

۱. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۴۷.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسیدند: آیا انسان با ایمان ممکن است (گاهی) ترسو باشد؟ حضرت فرمود: «آری». پرسیدند: آیا ممکن است (احیاناً) بخیل باشد؟ حضرت فرمود: «آری». پرسیدند: آیا ممکن است دروغگو باشد؟ حضرت فرمود: «نه، چرا که دروغ از نشانه‌های دورویی یا نفاق است و نفاق یا دورویی با ایمان سازگار نیست».^۱

خوب، ببینیم کلمه بعدی که دروغ نابودکننده آن است، چیست؛
ا.....ن! کامل تر می‌نویسم: ا.....نان!
احسنت، اطمینان.

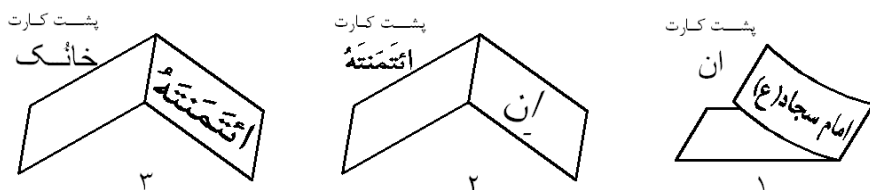
دروغ نابودکننده سرمایه اطمینان است. می‌دانیم که یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های جمعی یک جامعه، اعتماد متقابل و اطمینان عمومی است و اصلی‌ترین عاملی که این سرمایه را به نابودی می‌کشاند دروغ و خیانت و تقلب است. به همین خاطر اما علی علیه السلام دروغگو را به سراب تشبیه کرده است. زیرا همان‌طور که به سراب نمی‌شود اطمینان کرد، به دروغگو هم نباید اطمینان کرد. علی علیه السلام می‌فرماید: از دوستی با دروغگو بپرهیز که او همچون سراب است؛ دور را در نظر تو نزدیک و نزدیک را دور جلوه می‌دهد.^۲
تا اینجا فقط با یکی از صفات افراد دورو، یعنی دروغگویی آشنا شدیم و حالا می‌خواهیم به ویژگی دیگر این افراد آشنا شویم؛

به این کارت‌ها توجه کنید: من در اینجا سه کارت دارم که به هم منگنه شده‌اند. روی کارت‌ها کلماتی از امام سجاد علیه السلام نوشته‌ام که از شما می‌خواهم آن‌ها را بخوانید.^۳

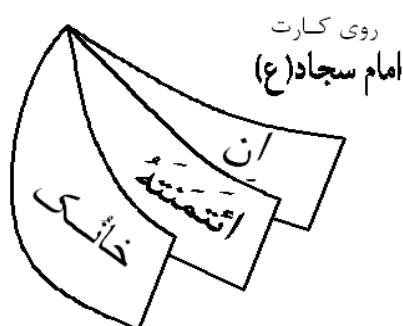
۱. آیت الله مکارم شیرازی، انوار هدایت، ص ۳۷۵.

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه ۳۷.

۳. مربی سه کارت در اندازه ۱۰*۱۷ را به هم منگنه می‌نماید.



مراحل باز شدن کارت^۱



امام سجاد علیه السلام می فرماید: اگر به شخص دور و اطمینان کنی، به تو خیانت می کند. این در حالی است که خیانت در امانت آن قدر مهم است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که در امانت خیانت کند، از ما نیست.^۲

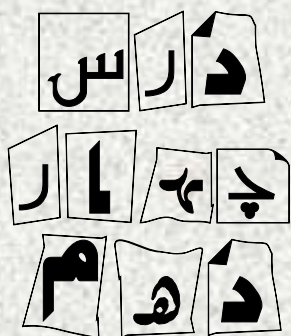
اینک برنامه امروز را با یک حکایت در باره اهمیت امانت داری به پایان می بریم؛ در سال هفتم هجری پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله همراه با هزار و ششصد سرباز برای فتح قلعه خیبر که در ۲۳ فرسخی مدینه قرار داشت روانه صحرا شدند. مسلمانان در بیابان های اطراف خیبر مدتی ماندند و نتوانستند قلعه های خیبر را فتح کنند. بنابر این از نظر غذایی در مضیقه سختی قرار گرفتند، به طوری که بر اثر گرسنگی

۱. امالی صدوق: ۲۹۹ منتخب میزان الحکم، ص ۵۶۶.

۲. «الیس مِنّا مَنْ خان الامانة».

از چیزهایی می‌خوردند که خوردن آن‌ها مکروه بود. در این شرایط، چوپان سیاه‌چهره‌ای که گوسفندان یهودیان را می‌چراند به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و مسلمان شد و سپس گفت: می‌خواهم این گوسفندان را که به یهودیان تعلق دارد در اختیار شما قرار دهم! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کمال صراحت در پاسخ او فرمود: «این گوسفندان نزد تو امانت هستند و در آیین ما خیانت در امانت جایز نیست. پس بر تو لازم است که همه گوسفندان را به قلعه ببری و به صاحبانشان برسانی»^۱ پروردگارا! ما را از دورویی در اعتقاد و عمل و بیان محفوظ بفرما. آمین، یا رب العالمین.

۱. صداقت، علی اکبر، یکصد موضوع پانصد داستان، ناصر، بهار ۱۳۷۹، ص ۶۶.



خورشید و ابر

(براساس حدیثی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه و آتیه)

نام درس: خورشید و ابر (امام زمان علیه السلام)

موضوع: بهره‌گیری از وجود امام زمان عجل الله در دوران غیبت

هدف کلی: تبیین اهمیت و راه بهره‌گیری از وجود امام زمان علیه السلام در دوران غیبت

اهداف جزئی:

در این درس دانش‌آموزان با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. آشنایی با راه بهره‌مندی از امام زمان علیه السلام در زمان غیبت
۲. آگاهی از چگونگی راه یافتن به حلقه یاران امام زمان علیه السلام
۳. آشنایی با آیات و روایات مرتبط با موضوع
۴. بهره‌گیری از کاردستی "منظومه شمسی و طرح خورشید و ابر" برای درک بهتر موضوع درس (بهره‌گیری از وجود امام زمان علیه السلام در دوران غیبت)

اهداف رفتاری:

امید می‌رود در پایان این درس دانش‌آموزان مشتاق یاری و سربازی امام زمان شوند و با انجام اعمال صالح خود را برای این کار آماده سازند.

روش مناسب تدریس:

توضیحی فعال (پرسش و پاسخ، جدول، کارت)

رسانه آموزشی: کاردستی

گروه: نوجوانان

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام آن که هستی، نام از او یافت فلک جنبش، زمین آرام از او یافت

با سلام به شما بلندهمتان و خوبان!
امروز می‌خواهیم با هم منظومه شمسی را بسازیم! این کار بسیار ساده است و برای
آن به موارد زیر نیاز داریم:

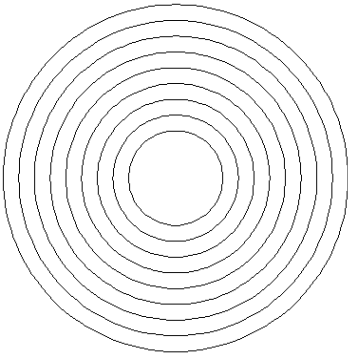
۱. یک دایره مقوایی به اندازه - قطر - ۵۰ * ۵۰ cm

۲. یک توپ متوسط پلاستیکی

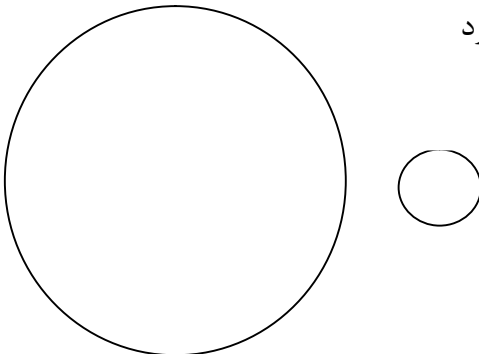
۳. ده توپ تخم‌مرغی

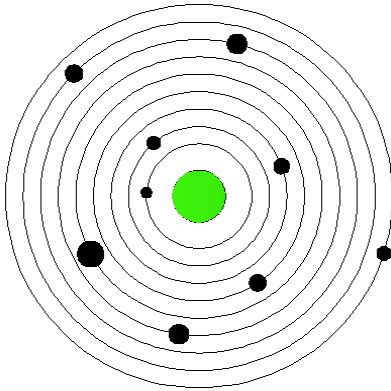
۴. گواش زرد رنگ

ابتدا به وسیله پرگار روی مقوای دایره‌ای شکل،
۹ دایره متحدالمرکز رسم می‌کنیم.



سپس توپ متوسط را با رنگ گواش، زرد
می‌کنیم و در وسط دایره می‌چسبانیم.





ده توپ تخم مرغی را به دلخواه در روی
خطوط دایره‌های متحدالمرکز می‌چسبانیم
و نام سیارات را روی آن‌ها می‌نویسیم .
۱- عطارد ۲- زهره ۳- زمین ۴- ماه ۵-
مریخ ۶- مشتری ۷- زحل ۸- اورانوس ۹
نپتون ۱۰- پلوتون.

حالا که کار ساختن منظومه شمسی تمام شد، از شما می‌خواهم یک شعر بگویید
که در آن ابر و خورشید به کار رفته باشد؛ آفرین!
ابر و باد مه خورشید فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
حالا من چند ابر روی تابلو می‌کشم و سپس کلماتی عربی داخل ابرها می‌نویسم.

وَجْهٌ	سود بردن	صورت	وَ
بِی	مانند سود بردن	در	أَمَّا
غَيْبَتِي	خورشید را	و	إِذَا
بِالْشَّمْسِ	زمانی که	ابرها	فِي
عَنْ	پنهان می‌کنند	از من	الْإِنْتِفَاعِ
السَّحَابُ			فَكَالْإِنْتِفَا
الْأَبْصَارِ			غَيْبَهَا

اکنون ترجمه فارسی هر کلمه را داخل چند خورشید می‌نویسم تا شما با توجه به آن‌ها متن یک حدیث و ترجمه آن را روی کاغذ نوشته به من بدهید. هر کسی که زودتر این کار را انجام بدهد، یک جایزه دریافت می‌کند. احسنت! حدیث و ترجمه آن چنین است:

❁ وَ أَمَّا وَجْهُ الْإِنْفَاعِ بِي فِي غَيْبِي فَكَالْإِنْفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ

و اما صورت سودبردن از من در غیبت من مانند سود بردن از خورشید است زمانی که ابرها پنهان می‌کنند خورشید را از دیدگان. این حدیث سخنی از آقایان، امام زمان علیه السلام است. امام در این حدیث خود را به خورشید تشبیه کرده است؛ خورشیدی که در پشت ابر از دیدگان پنهان است. چه کسی می‌تواند در باره این تشبیه توضیح بدهد؟

آفرین، حالا از جمع‌بندی سخنان شما به نکاتی اشاره می‌کنم:

۱. همان‌گونه که مردم، هر آن، انتظار خارج شدن خورشید از پس ابرها را دارند تا کاملاً از وجود و ظهورش استفاده ببرند، در ایام غیبت آن حضرت نیز مردم منتظر ظهور و خروج اویند و از ظهورش مأیوس نمی‌گردند.
۲. منکر وجود حضرت علیه السلام در عصر غیبت، همانند منکر وجود خورشید است هنگامی که در پشت ابرها از دیده‌ها پنهان گردد.
۳. همان‌گونه که ابر کاملاً خورشید را نمی‌پوشاند و نور خورشید به زمین می‌رسد، غیبت هم مانع کاملی برای بهره‌دهی حضرت نیست؛ مردم در زمان غیبت، حضرت را نمی‌بینند اما از وجود او بهره می‌برند. توسل یکی از راه‌های بهره‌بردن از آن امام است.

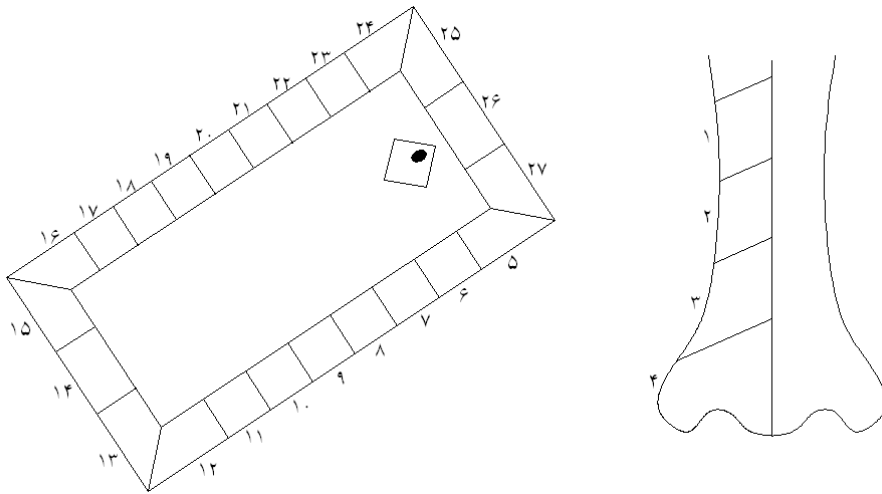
۴. همان‌گونه که در مناطقی که هوا غالباً ابری است، گاهی خورشید ابرها را می‌شکافد و خود را از لابه‌لای آن‌ها بیرون می‌آورد و به عده‌ای از مردم نشان می‌دهد، هر از چندگاهی نیز، عده‌ای به محضر امام زمان علیه السلام شرفیاب می‌شوند و از وجودش استفاده می‌برند و از این راه وجود آن حضرت برای مردم به اثبات می‌رسد.

۵. همان‌گونه که ابرها خورشید را نابود نمی‌کنند و تنها مانع رؤیت اویند، غیبت امام زمان علیه السلام هم تنها مانع رؤیت ایشان است.

۶. و بالاخره اینکه خورشید از پشت ابر هم کار خود را انجام می‌دهد و همین نکته در مورد امام زمان علیه السلام هم صادق است.

بعد از توضیح حدیث امام زمان، مجدداً به سراغ کاردستی منظومه شمسی می‌رویم تا بیشتر با جایگاه امام غایب علیه السلام آشنا شویم؛ همان‌طور که می‌دانید تمام سیارات به دور محور خورشید می‌گردند و اگر خورشید نباشد سیارات منظومه ما پراکنده و نابود می‌شوند. چون که خورشید در واقع به کمک قوه جاذبه‌ای که دارد منظومه شمسی را حفظ می‌کند. امام زمان علیه السلام نیز همانند خورشید، از پس پرده غیبت به رتق و فتق امور مردم و دستگیری از نیازمندان می‌پردازد.

و حالا نوبت حل جدول برنامه امروز است. لطفاً به اشکالی که روی تابلو می‌کشیم توجه کنید و به سؤالات من جواب دهید:



۱- یکی از سوره‌های قرآن به معنای ستاره؟ نجم (۸- ۲)

۲- نامی از نام‌های خداوند، به معنای صاحب و دارنده؟ مالک

(۴-۱۸-۱۴-۱۶)

۳- همان اندرز و نصیحت است که انسان‌های عاقل از آن به‌خوبی استفاده

می‌کنند؟ پند (۲۰-۱۹-۱۷)

۴- سی‌امین حرف الفبای فارسی؟ واو (۱- ۲۷- ۱۵)

۵- اندیشه‌ها، جمع فکر؟ افکار (۷- ۱۳- ۲۴- ۲۱)

۶- نامی از نام‌های خداوند، به معنای بسیار مهربان؟ ودود (۶- ۵- ۹- ۱۱)

۷- نمازی که داخل وقت خوانده شود؟ ادا (۲۲- ۳- ۲۶)

۸- کهنه نیست؟ نو (۲۳- ۲۵)

جدول کامل شد و اینک برای آشکار شدن پیام آن، باید حرف اول را کنار بگذاریم و بعد ۷ خانه را بشماریم و حرف آن را یادداشت کنیم و کار شمارش و یادداشت حروف را آن‌قدر ادامه می‌دهیم تا به پیام جدول برسیم.

بله، پیام جدول این است: "وجود مؤمنان پاکدل و دانا و فداکار"

این جمله یه اولین شرط ظهور امام زمان اشاره دارد، یعنی وجود مؤمنان پاکدل و دانا و فداکار که خود را برای جانفشانی و پاکبازی آماده ساخته‌اند اولین شرط ظهور است.

اما یکی از علامت‌های مؤمن که باعث پاکی دل می‌شود، از زبان خود امام علیه السلام بیان شده است که دو تصویری که روی تابلو ترسیم شده است، یعنی بینی و سجاده بیانگر آن است!

اینک من کلام امام را روی تخته می‌نویسم:

الشَّيْطَانُ أَنْفٌ أَرْغَمَ وَ فَصَلَّهَا الصَّلَاةُ مِثْلَ بَشَىءِ الشَّيْطَانِ أَنْفٌ أَرْغَمَ قَمَا^۱

را شیطان بینی بمال خاک به و بخوان نماز پس نماز مثل چیزی را شیطان بینی نمی‌مالد بخاک.

خوب چه کسی می‌تواند این حدیث و ترجمه آن را برای ما بخواند؟ بله، عباراتی که نوشته‌ام بی‌معنی به نظر می‌رسد! علت این است که باید کلمات را از آخر به اول بخوانیم!

بله، حالا درست شد و از آن دانسته می‌شود که نماز، جنگ با شیطان و پلیدی‌ها است و کسی می‌تواند در مبارزه با شیطان پیروز شود که سلاح نماز را در اختیار داشته باشد. ان شاء الله که ما هم همیشه این عمل عبادی بزرگ را انجام دهیم و از برکات آن بهره‌مند شویم.

حالا من بخش دوم کلماتی دوبخشی را که از القاب امام زمان هستند روی تابلو می‌نویسم و از شما می‌خواهم که بخش اول این کلمات را بگویید:

صالح آل محمد آل محمد الله الله الله

۱. من لایحضر الفقیه، ج ۱، ص ۴۹۸.

احسنت!

اباصالح - قائم آل محمد - مهدی آل محمد - حجه الله - ولی الله - بقیه الله

آیا شما می دانید "لقب" یعنی چه؟ لقب، صفتی پسندیده - و گاهی ناپسند - است که به انسان نسبت می دهند.

حالا بگویید از میان القاب امام زمان، کدام لقب در قرآن آمده است؟
بله، بقیه الله.

در سوره هود آیه ۸۶ چنین آمده است:

بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ.

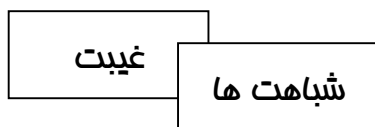
البته این آیه در باره قوم شعیب و در باره اموالی است که حلال و خالص مانده است یعنی باقی مانده مال امام زمان علیه السلام هم چون باقی مانده امامان است لذا این لقب را به ایشان دادند (بقیه الله) و در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده که امام زمان علیه السلام در هنگام ظهور خود همین جمله را ندا می دهد که "بقیه الله خیر لکم".
به همین خاطر در روایات معصومین این آیه به امام زمان علیه السلام نسبت داده شده است.

با یک شعر از حافظ برنامه را ادامه می دهیم؛

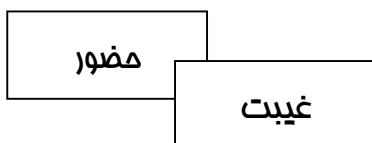
گفتند خلاق که تویی یوسف ثانی چون نیک بدیدم، به حقیقت، به از آنی

اگر در این شعر منظور از یوسف ثانی، امام زمان علیه السلام باشد، پس یوسف اول کیست؟ بله، یوسف فرزند حضرت یعقوب علیه السلام است که اتفاقاً در روایتی از امام

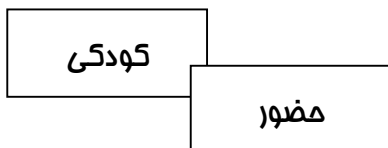
باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام شباهتهایی هم میان ایشان و امام زمان علیه السلام نقل شده است و ما اینک به چند مورد آن اشاره می‌کنیم؛



اولین شباهت غیبت است. یوسف زهرا علیهما السلام و یوسف یعقوب علیهما السلام همانند هم هستند.



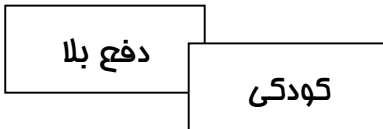
دومین شباهت حضور است. بر اساس آیات قرآن زمانی که برادران یوسف بر او وارد شدند، او آنان را شناخت ولی آنان او را نشناختند. یوسف زهرا علیهما السلام نیز در میان مردم حضور دارد، ولی مردم او را نمی‌شناسند. امام صادق علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: چرا مردم قضیه حضرت یوسف علیه السلام را انکار نمی‌کنند؟ ولی در مورد امام زمان علیه السلام بعضی منکر هستند، در حالی که او در بازارهایشان راه می‌رود و بر فرش‌های آنان گام می‌نهد. مردم او را نمی‌شناسند تا هنگامی که خداوند به او اجازه دهد که خودش را معرفی کند، همان‌طور که خدا به یوسف اجازه معرفی داد.^۱



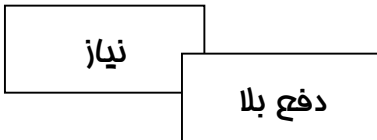
سومین شباهت کودکی است. همان‌طور که غیبت حضرت یوسف از زمان کودکی آغاز شد، غیبت یوسف زهرا علیهما السلام نیز از دوران کودکی شروع گردید. امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که حضرت فرمود: ناچار برای آن کودک (امام

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۱۰.

مهدی (علیه السلام) غیبتی خواهد بود. پرسیده شد: به چه دلیل؟ فرمود: از ترس کشته شدن.^۱



چهارمین شباهت دفع بلا است. یوسف (علیه السلام)، سپر دفع بلای برادران خود و اهل مصر شد. امام زمان (علیه السلام) خود در سخنی می‌فرماید: من آخرین اوصیا هستم و خداوند برای وجود من بلا را از اهلیم و شیعیانم برطرف می‌کند.^۲



پنجمین شباهت نیاز است. نیاز برادران به آذوقه، زمینه‌ساز دیدار آنان با یوسف شد. هنگامی که قحطی و تنگی معیشت بر دوش برادران فشار آورد، آنان به امید یافتن آذوقه، رهسپار مصر گشتند و این مقدمه دیدار آنان با یوسف گردید. شکل گرفتن احساس نیاز به امام مهدی (علیه السلام) در ژرفای جان انسان‌ها نیز زمینه‌ساز ظهور یوسف زهراء (علیه السلام) است.

امام مهدی (علیه السلام) خطاب به شخصی به نام اسحاق بن یعقوب می‌فرماید: **و أَكثِرُوا الدُّعَا تَعَجِيلُ الْفَرَجِ**^۳ برای فرج من بسیار دعا کنید.

ما هم در پایان این برنامه دعای فرج امام را زمزمه می‌کنیم و می‌گوییم: پرورگارا! به ما توفیق عمل صالح عنایت نما تا بتوانیم از یاوران امام زمان عجل باشیم.

آمین، یا رب العالمین.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۵.

۲. غیبت طوسی، ص ۲۴۶.

۳. غیبت طوسی، ص ۲۹۲.

